

سه شنبه و نامهارا حساب کرده بران این اعداد را اضافه کن
 ۴۵۸ بنویس بمشک و زعفران و کلاب بشوید و بخورد و یا
 باخورد دارد و بفرمان الله تعالی کشاره کردد و می باید که در
 نوشتن احتیاط کند تا غلط نشود و شک نیاورد دیگر بر سر
 اعداد و اسمی این اعداد را اضافه کن ۵۵۵ بنویس پرور
 آهو در روز ادینه و بر موم گیرد و در کدر آب بشوی بعد هفت
 روز کشاید و کرا بخورد در هم کشاره کردد دیگر نامهارا
 حساب کرده بر سر اعداد را اضافه کن ۲۵۵ در روز
 ادینه پرورق آهو بنویس و در موم گرفته در آب اندازد
 دو سه روز بوقت با مدار روی خود را بشوید بعد از سه روز
 کشاره کردد و بقولی این اعداد را اضافه کن ۱۶۵۵ بر هر
 سفید بشرط مذکور بنویس بفرمان خدا بتعالی کشاره کردد
 دیگر بستان هر بر سفید نامهارا حساب کرده این اعداد را
 اضافه کن ۴۲ بعد بنویس در شب پنجشنبه بر کربند
 کشاره کردد دیگر بستان هر بر سفید و بر سر اعداد
 اسمی این اعداد را اضافه کن ۴۲ در شب دو شنبه

بنویس و برابر و راست بند کشاره کرد و مجرب است دیگر
 بیار و ورق آهرو نامهارا حساب کرده این اعداد را اضافه کن
 ۱۶۵۵ بعد بنویس و برابر و راست به بند کشاره کرد
 نامهارا حساب کرده این اعداد را اضافه کن ۶۵۵۵ در روز
 ادینه بر ورق آهرو بنویس و در موم گرفته در آب اندازد و سه
 روز بوقت با مدار روی بدان آب بشوید بعد از سه روز کشاره
 کرد و بقولی این اعداد را نیز اضافه کن ۱۶۵۵ و بر حرب
 سفید بنویس و بشرط مذکور که مدار حکم الله کشاره کرد
 دیگر بتان حرب سفید و بر سر اعداد اسامی این اعداد را
 اضافه کن ۱۴۲ در شب و در شب بنویس در موم کرده و
 در باز و راست بند کشاره کرد و مجرب است دیگر بتان حرب
 سفید و نامهارا حساب کرده این اعداد را اضافه کن ۱۴۲
 بنویس در شب پنجشنبه بر کمر بند کشاره کرد و دیگر بیار
 ورق آهرو نامهارا حساب کرده این اعداد را اضافه کن
 ۱۶۵۵ بعد بنویس و برابر و راست به بند بفرمان
 خدا کشاره کرد

فصل هشتم کتایش کارها ۱۲۳

فصل هشتم در کتایش کارهای بسته اگر خواهی که کارهای
 بسته را بکشای بر کب و جمعیت و در رزق پر تو کتاده کرد
 شرط مذکور بجا آرد بنظرها سعد و ساعتها و روزهای نیک
 بنویسد و فرد در بروج حمل باشد و نهم و آخر تر در برج جوزا
 و سرطان نباشد در اسد و سنبله نیم آخر میزان عقرب نیک
 است و قوس نشاید و جدی و دلو نیک و در حوت بستاند
 پاره کاغذ بر سر اعداد اسامی این اعداد را اضافه کن ۱۵۰۴
 در روز یکشنبه سیوم و یا پانزدهم ماه در وقت کتایت عود
 بخور کند یا خود را در کتایش در کار او بنیاد شود و رزق او
 کتاده کرد دیگر بستان پاره هر پرسفید و بر سر اعداد اسامی
 این اعداد را اضافه کن ۱۵۵۱ در روز پنجشنبه بنویس و در
 صوم گیرد که باوی مصطکی امیخته باشد و در بازوی راست به
 بند دهر مهمی که داشته باشد صورت باید بفرمان خدایتعالی
 دیگر در کتایش کارهای فتح و نصرت و ظفر بردشمنان
 و برآمدن حاجات و مهمات نظیر ندارد بنویس بر سر اعداد
 اسامی این اعداد را اضافه کن ۱۵۵۱ بده در آب اندازد

عدد
 اشفع من
 کل ذو
 القاربع

عدد من
 جعل الشیء
 والقر

۱۲۴ فصل نهم در دفع خصم

از آن آب روی خود بشوید و بگذار تا خشک شود مجرب است

فصل نهم در دفع کردن خصمان بنویس مجنون این لوح را

در کلین کرمانه دفن کن و بگوئی که فلان بن فلان انا لله و

انا الیه راجعون دشمن هلاک شود نوع دیگر اگر خواهی

که دشمن را هلاک کنی بر اعداد اسامی این عداد را اضافه

کن ۹۵۵۵ بنویس در روز آدینه یا سه شنبه در پاره کرمانی

که از کفن مرده مانده باشد و در بچید و از موم صورت

ساز و نوشته را در شکم بنهان کند مجرب است

فصل دهم در محبت افکندن میان ازواج و این وقتی کند

که واجب بود اما می باید که مجرام نکند در منظمه نه افتد و شك

نآورد بر اعداد اسامی این اعداد را اضافه کن ۴۵۵ در

روز سه شنبه بنویس اگر بزنی کند اگر بزنی کند در بارزوی

چپ بندد و اگر بر مرد کند در بارزوی راست بندد نوع دیگر

بر اعداد اسامی این عداد را اضافه کن ۴۵۶ در روز چهار

شنبه مجرب بر سفید بنویس بشرط مذکور نزد خود نگاه دارد

چنان محبت بشود که بشرح نه اید نوع دیگر در روز پنجشنبه بکاغذ

فصل نهم در دفع کفران

فصل دهم

فکارت الرقاب

بنویس

فصل در محبت افکندن میان ازواج ۱۲۵

فایض
المجرد
۹۴۵

بنویس بر اعداد اسامی این اعداد را اضافه کن ۹۳۵ در
روغن یا سمین در اندازد تا سه روز بگذرد بعد قدری روغن
بر روی خود بمالد بمطلوب بماند نوع دیگر اگر میخواهی که یکی
را سبب و بقرار خود گردانی میباشد که بر اعداد اسامی این اعداد را
اضافه کن ۱۵۵۹ بعد آن بنویس بر ورق آهوی در روغن نارام
اندازد و بر روی خود بمالد بمطلوب خود برسد بقرار کردی در
یک لحظه بی آنکه تو نتواند بود نوع دیگر اگر خواهی که کسی را فرضیه
خود سازد چنانکه بی تو نتواند بود میباشد که بر اعداد اسامی این
اعداد را اضافه کن ۹۵۶ بر حریر سفید بنویس بعد آن بگیر
موم ناکار فرسوده و مقل ارزق هر دو را برابر یکوب و در میان
نوشته در مجید بعد آن بر بازوی بشرط مذکور به بند مقصود
حاصل شود مجرب است هرگز

اسناد معتبره مهر نبوت پیغمبر صلی الله علیه و آله چنانچه این مهر
نبوت از پیغمبر ص قانده بر صحابه کبار رضوان الله علیهم اجمعین
این مهر را بر نقره خالص و یا بر بلور و یا بر صدف و یا بر زعفران
و یا بر پولاد خالص و یا بر هفت چوش نقش کند نگاهدار از همه
بلاها ایمن کرد و دشمنان او مقهور شوند و اگر این مهر

۱۲۶ در بیان محبت افکندن بین ازواج

در کور مرده نهد هرگز عذاب کور نباشد و اگر در کوه نهد کوه
از جای مجیند و اگر بر آب بخواند آب نشسته شود و اگر در بخوری
بندد شفاء یابد اگر دیوانه بیند عاقل شود و اگر بر کودک بندد
از اب دانسی و دیو و پری ایمن باشد برکت این مهر اگر کسی
این مهر را با خود دارد و پیش سلطان روز عزیز دارد و مرارش
حاصل گردد اگر کسی این مهر را در شنبه بموی بندد مادام سینه
و کار سینه گردد و اگر کسی روز چهارشنبه جامه پاک پوشد و این
مهر بنویسد و با خود دارد هر که او را بیند محبت او زیاده شود حضرت
امیرالمؤمنین ع فرموده این مهر شخصی که با وی بود و گفت هر که این
مهر بنویسد و در کلاب اندازد و در چهار گوشه خانه خود
بفشاند در روز جمعه بنام هر که خواهد در ساعت نیاید و مهر
و محبت از دل او نرود تا وقت مرگ و هر که این مهر را با خود دارد
کم روزی و کم حرمت بشود باید که این را پاک بدارد تا فراخ روزی
گردد و در نظر خلایق عزیز باشد اگر کسی را نشسته باشد این
مهر بنویسد و در کلاب اندازد و انقلاب را در سر چهار
راه بفشاند در یک روز کشاره شود اگر کسی این مهر را بنویسد

و موم عروسی که در سه روز بای باران نهد و بعد از آن
 بزبانت پرزگی رود حاجت طلبین مراد حاصل گردد اگر کسی
 خواهد که نفس او کبراشود یعنی با کسی سخن گوید او قبول کند
 این مهر را بنویسد و در کوزه آب اندازد بدان رو بخورد بشوید
 هر که او را بیند ملالت نشود و دوست دارد و دیگر در نظر خلق
 عزیز شود اگر کسی را خواهد که مطیع و فرمانداو شود و این مهر را
 و در بالین خود نهد با اخلاص با رضایت باشد که یوسف و
 سایمان و القیس اسناد این مهر بنوت اینست که کردن او
 شکست هر که در اسناد این مهر بنوت شك آرد کافر گردد اگر
 کسی را خواهد که از دور بیاید این مهر را لازم نهد که در شب
 چهارشنبه میان نماز شام و خفتن بنویسد و بسوزاند شخصی
 بیقرار گردد و بروی حاضر شود اگر صد فرسنگ نایبند اگر خواهی
 که میان دو کس عداوت افکنی بر موم تعویذ بنویسد و در استان
 آنکس بنظران کند عداوت افتد اگر کسی را بخت بسته بود لازم که
 بمشک در غفران با هم امروز و بسوزاند بختش گشاده شود اگر
 کسی این مهر را بنویسد و در بازو خود بندد و بر او خطا نشود

۱۲۱ خواص مهر بنوت

اگر کسی را حاجتی باشد و خواهد که روا شود روزه دارد
 و دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی سوره الحمد یکبار و انا انزلنا
 یکبار و چون سر از سجده مار گیرد روی بسوی مهر کند و بگوید
 ای خدا یا الهی بحق و حرمت مهر و نام بزرگ چنانچه همه پیغمبران
 آن خود را بمراد رسانیده اند انجامنده راهم حاجت روا دارد
 و مراد روا گردد و اگر کسی این را بشک در عفران بر پوست شمشیر
 بنویسد و با خود دارد و هرگز جادوی بروی کار نکند و از
 دشمنان این باشد شرح بسیار است برای نشنیدن این ضمیرها
 باید با هم میان این بکشد اما مختصر کردم نقش معظم و مکرم را
 ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰

بعد شروع کند طلوع ماه بعد از هفته هفتاد و دو مرتبه بخواند
 و در روز دوی پای را نوشته در زهر بار نکا هدا در وقت نوشتن
 خوشبوی بسوزد و چهار قل بخواند برای نوت یعنی روری
 روز مره بیا بد امر درست دهد که هیچ علاقه نداشته باشد آیت

نضل طریقه چند در مربع و وضع آن
 نموده میشود مربعی که يك خانه او بنهند
 و اضلاع و انظارش درست باشد هم
 بطریقه مظهر و هم بطریقه مضر و طریقه

۳۸

۱۸		۶
۱۲	۲۴	۳۶
۴۲		۳۰

انت که در آن صفحه دست نموده میشود و بر سینه وال اینست که
 نموده شد

ح	۱۲	۴۹	۵۹
۲۰	س	۷	۱۳
۶۱	۵۱	ی	۶
۱۱	۵	۶۲	ن

۱۲۰۶	۱۲۰۲	۱۲۰۲	۱۲۰۶
۱۲۰۳۱	۱۲۰۵۹	۱۲۰۶۴	۱۲۰۱۹
۱۲۰۵۸	۱۲۰۲۱	۱۲۰۲۲	۱۲۰۶۲
۱۲۰۲۱	۱۲۰۶۲	۱۲۰۵۲	۱۲۰۲۹

۱۳۲ درو فوق اعداد

ع	ل		ی
۲	۳	۳۱	۶۹
۳۲	۶۸	۸	۲
۱	۹	۷۱	۲۹

۹	۵۱	۷	۶۱
ح	س	ی	ن
۵۹	۵	۵۳	۱۱
۵۲	۱۲	۵۸	۶

۵۷	۷	۲۱	۱۴
۲۵	۱۲	۵۸	۶
۱۱	۲۹	۹	۵۹
ح	س	ی	ن

	۱۳	۱۰	۷
۱۱	۶	۱	۱۲
۵	۸	۱۵	۲
۱۴	۳	۴	۹

۷۹	۸۹۸	۱۲	۹
۱۳	ح	ف	۸۹۷
۷	ی	ظ	۸۱
۸۹۹	۸۲	۶	۱۱

۴۸۶	۴۸	۵۹۳	۱۰۶
۵۹۴	۱۰۵	۴۸۷	۴۷
۱۰۷	انفخنا	لك	۴۸۸
۴۹	فنا	ببنا	۵۹۲

فائده این شکل جهت عزت و حرمت بنکار در بساعت مختار و فوائد

بیار

۱۳۳

در بیان وفق اعداد

بسیار دهد در علوم غریبه او را کثاره شود اینست و عجیب
 در خود مشاهده کند و ایضا و اگر کسی عدد مربع رمل را
 روز چهارشنبه وقت طلوع آفتاب که غطارد قوی حال بوده باشد
 نوشته بیش خود نگاه دارد از عالم ظاهری و با طوف بهره ملک
 حاصل کرد

۲۲۰	۲۲۰	۲۲۰	۲۲۰
۲۲۰	۲۲۰	۲۲۰	۲۲۰
۲۲۰	۲۲۰	۲۲۰	۲۲۰
۲۲۰	۲۲۰	۲۲۰	۲۲۰

۱۱۱	۱۱۱	۱۱۱	۱۱۱
۱۱۱	۱۱۱	۱۱۱	۱۱۱
۱۱۱	۱۱۱	۱۱۱	۱۱۱
۱۱۱	۱۱۱	۱۱۱	۱۱۱

وفق اعداد ده جمله پونی است هر که در این جمله با طریقه او را در
 مشغول شود دولت دنیوی و اخروی او را حاصل کرد و بسیار
 غریب است وفق اعداد چهل اسم هر که خواهد بجهل اسم مداومت
 کند باید که این مربع را با خود نگاه دارد تا او را تسخیر ارواح
 حاصل کرد و همه مقصود برسد و اعداد این مربع سیصد
 سیزده است چون آفتاب یا مرغ در شرف باشد نیکار و بجمعت
 غالب کشتن با اعداد و عاملی این مربع را از دادن خلق بیدار شود

۱۳۴ در بیان خواص الباسط

مربع اینست

ع	ف	ق	ح
ف	ع	ح	ط
ح	ف	ع	ط
ط	ح	ف	ع

فضل در خواص الباسط الجواد
در شرف افتاب این شکل را
بنگارند هر که با خود نگاه دارد
در رزق و روزی کثاده گردد
و اگر غمی دارد بفرج مبدل گردد
و حامل این مربع را بما مبطوط و

دفرضاك باشد اینست

ال	س	ط	جواد
۳۵	۱۳	۶۸	۳۲
۷۱	۲۹	۲۶	۱۲
۱۱	۳۷	۳۰	۷۰

۱۰۴۲۲۱	۱۰۴۲۳۴	۱۰۴۲۳۶	۱۰۴۲۳۴
۱۰۴۲۲۴	۱۰۴۲۲۵	۱۰۴۲۳۰	۱۰۴۲۳۵
۱۰۴۲۲۴	۱۰۴۲۲۹	۱۰۴۲۳۲	۱۰۴۲۲۹
۱۰۴۲۲۲	۱۰۴۲۲۱	۱۰۴۲۲۷	۱۰۴۲۲۷

علی

ط	س	ا	ب
ب	ا	س	ط
س	ط	ب	ا
ا	ب	ط	س

س

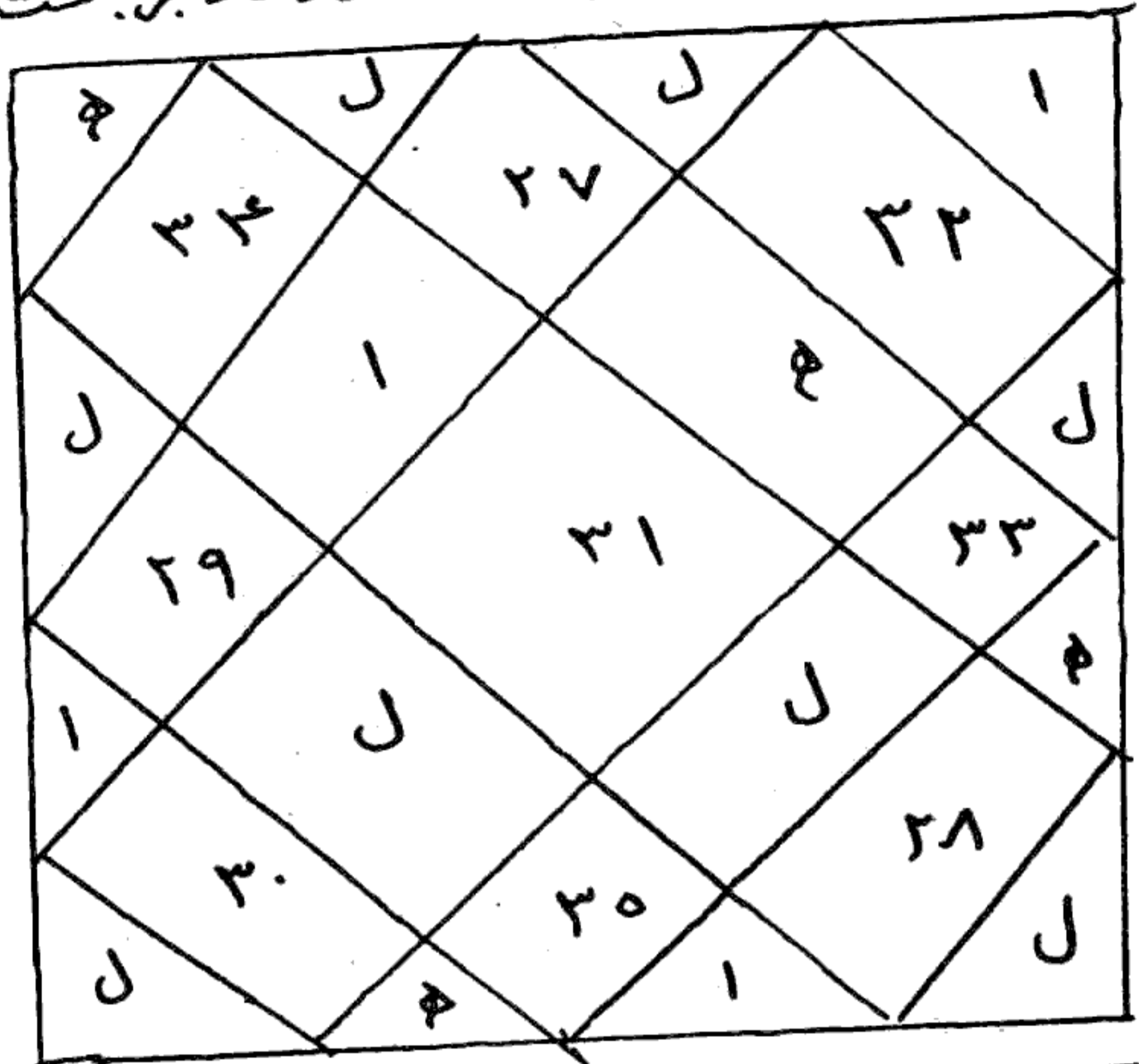
۱۱۱

ایضا هر که این مربع را بنگارد در
شرف افتاب و قمر در شرف باشد
حامل این چون ملازم با اسم باشد
او را سحر ارواح و علویه و سفلیه
حاصل شود هیت در دل خلائق
از و پدید آید و اگر بر ظالمی دعا

در بیان شرف زهره

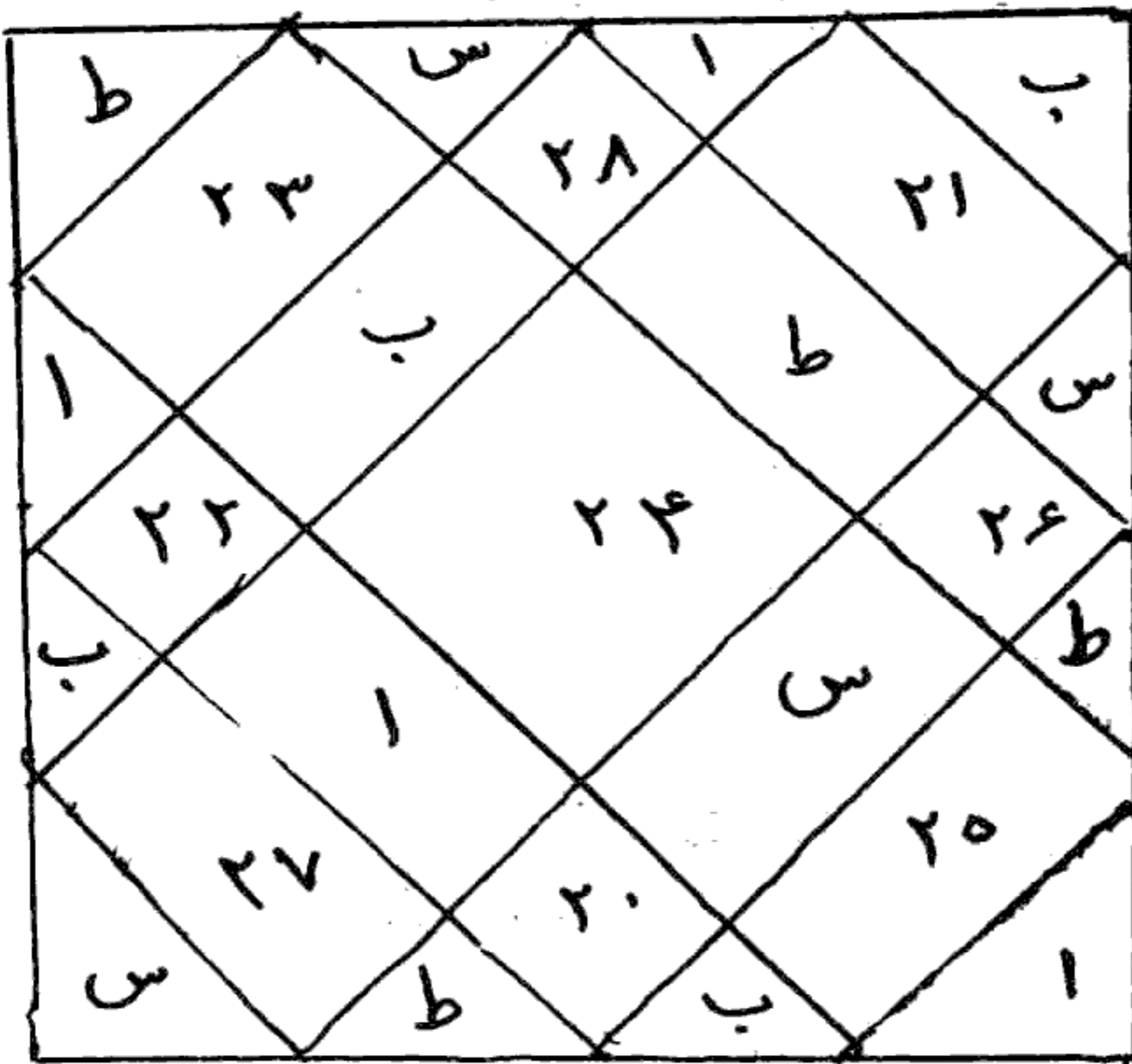
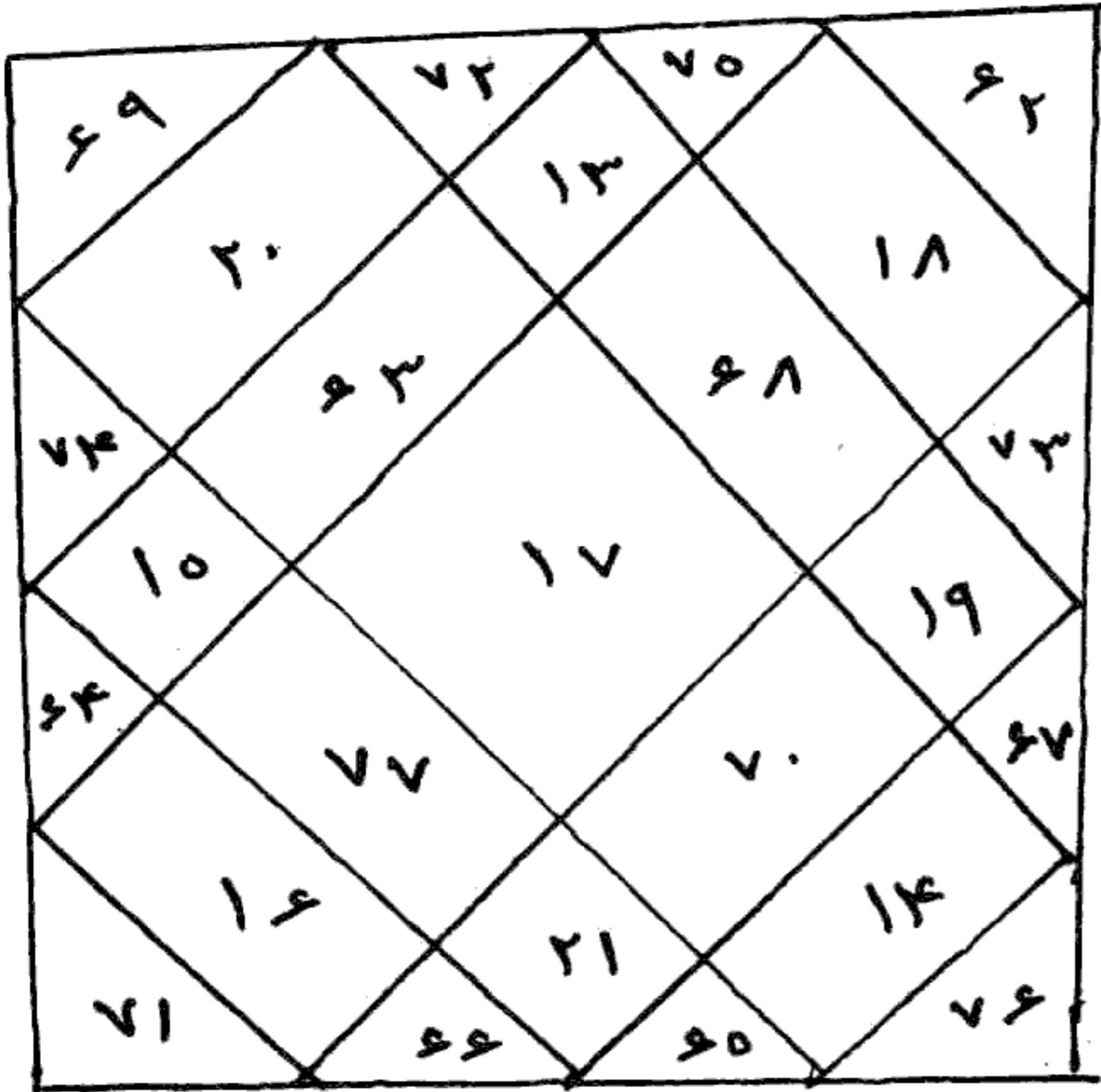
۱۳۵

دعا کند بقرآنظام مقهور و هلاک شود و از مجربانست



ایضاً این مربع را در شرف زهره بنکارد هر که این شکل را
 با خود دارد محبوب خلایق گردد و بسیار خواص در این مربع
 مندرج است و این ملفوظی اسم الودود است محبوبی دارد
 بر و بگر کند این مربع با خود نگاه دار و این اسم را ملازم شود
 مقصودش بر آید عدد ملفوظی الودود و باین وجه است
 الف لازم و ا د ال عدد و صد و هفتاد و هشت است مثالاً

در بیان شرف زهره ۱۳۶



در بیان مربع آیه الکرسی ۱۲۷

خواص این مربع آنست که کسی ضعف مزاج داشته باشد

چون این مربع را بخورد دارد قوی گردد

ایضا دفع دشمن و سحر هر که این

شکل را در شرف شمس و روز

مسعود بنکارد و آیات و اسماء را

بدین طریق بنویسد هر کسی که بخورد نگاهدارد از سحر ساحران و کید کابیان و مکر مکاران و از شر ظالمان و جباران محفوظ بماند و اگر خوفی داشته باشد این کرد و بسیار در کارها کثاره کرد و جمیع و دولت ابدی باید انشاء الله تعالی و اینست

الشرکات و ما	ولا تؤمواکم بما فی		لا تأخذوا منته		الحق القیوم		الله الا الاخر	
	۱۵۷	۳۷۸	۱۵۸	۲۱۱	۹۲۳	۱۰۹۵	۱۵۹۴	۱۰۹۴
من الذی	۲۲۵		۱۷۷		۲۹۸		۲۲۴	
	۷۱۴	۱۲۷	۹۲۳	۱۹۴	۵۸۷	۱۵۹۴	۱۷۱	۲۲۴
بیشق عند	۱۷۸		۲۲۶		۲۲۴۵		۲۹۸	
	۱۲۷	۱۲۷	۲۲۶	۱۹۴	۶۷۷	۱۰۹۴	۹۲۳	۲۹۸
الابازنه سلیم	۲۲۴		۲۹۸		۱۷۹		۲۲۴	
	۷۱۴	۱۲۷	۱۵۸	۱۴۵	۱۷۹	۱۰۹۴	۷۱۴	۲۲۴
لعمریه	۱۵۷		۱۵۸		۱۷۹		۱۵۹۴	

در میان این مظهر و حضرت آیه الکرسی مندرج است

در بیان صرع

۱۳۸

۷	۸	۱۱	۱۴	۱۶	۱
۱	۷۵	۱۵	۱۵	۱۵	۵۵
۲	۱۴	۲	۷	۲	۱۲
۳	۷۵	۲۳	۲۵	۲۵	۵۵
۴	۲۳	۱۶	۹	۱۱	۶
۵	۱۰	۵	۲	۱۵	۱۵
۶	۲	۴	۱	۲	۲

فائده برای دفع سریع بیارد مرغ سیاه که خال و خط نداشته باشد
 ماده ووز برابر است شب بکشیند زیر چار پای مریض بدارد و مریض
 بخواباند و آنچه در خواب ببیند صبحی بدهد و آن مرغ را ذبح کرده از
 خون آن این تعویذ نوشته در کلو او بندد و آن اینست

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش
 ۳۰۰ ۲۰۰ ۱۰۰ ۹۰ ۸۰ ۷۰ ۶۰ ۵۰ ۴۰ ۳۰ ۲۰ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

ت ث خ ذ ض ظ غ
 ۴۰۰ ۳۰۰ ۲۰۰ ۱۰۰ ۹۰ ۸۰ ۷۰ ۶۰ ۵۰ ۴۰ ۳۰ ۲۰ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

فائده نوع دیگر برای دفع صرع این نقش بر پوست آهو بنویسد
 در کلو صاحب صرع بندد این است در مقابل صفحه نوشته شده



در بیان صرع

۱۳۹

نوع دیگر برای دفع صرع
باید که در شب بکشد دو
تختی بسازد یکی از نفره
و دومی از مس بر تختی
از مس این مثلت را
بکند و در کلو اندازد و

۱۲۱	۱۴۰	۱۰۷	۱۳۰	۱۲۳
۱۲۲	۱۲۰	۱۱۳	۱۱۱	۱۲۹
۱۲۸	۱۲۶	۱۱۹	۱۱۲	۱۱۰
۱۰۹	۱۲۷	۱۲۵	۱۱۸	۱۱۶
۱۱۵	۱۰۸	۱۳۱	۱۲۳	۱۱۷

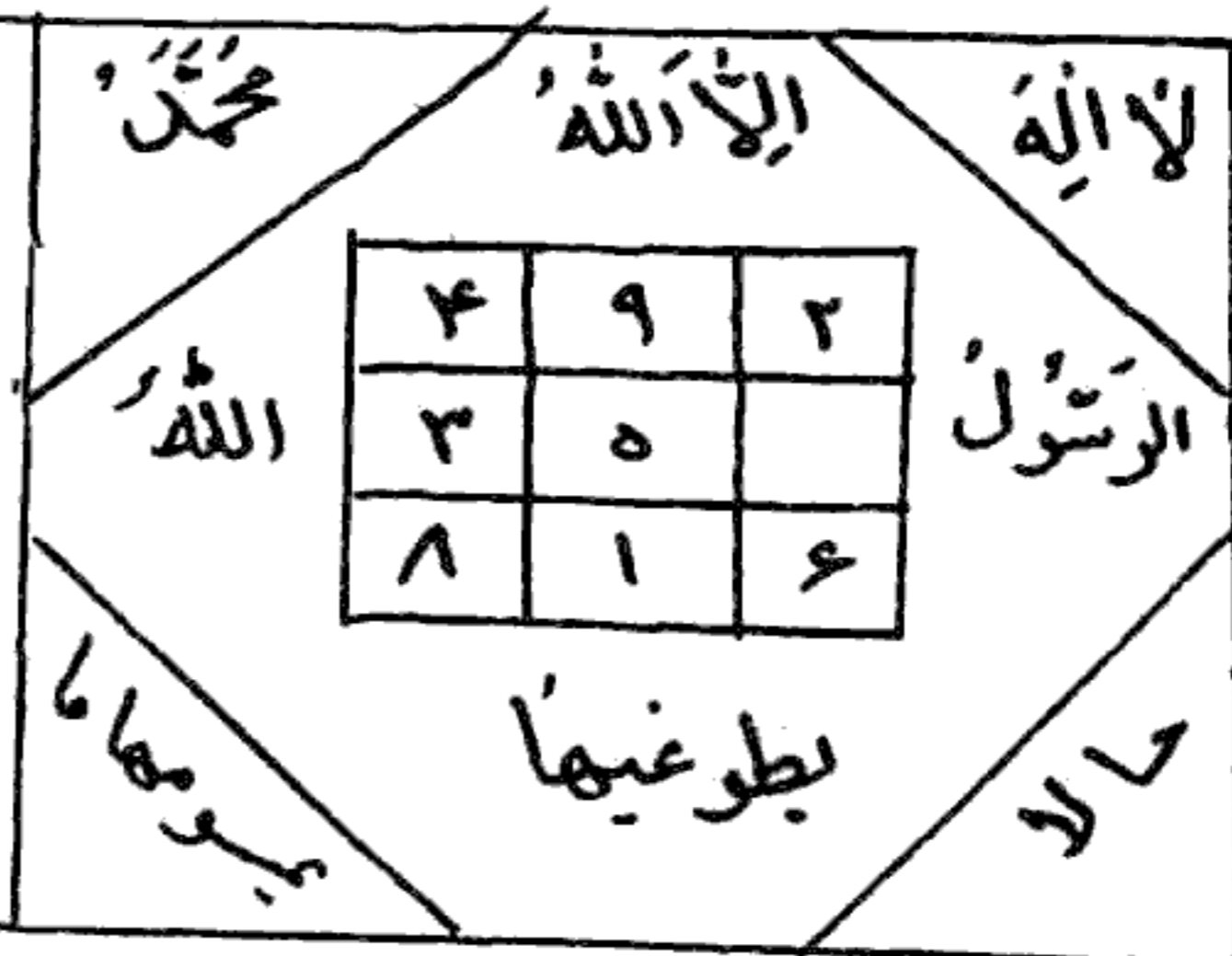
تختی نفره را در راه خدا بدهد لکن تختی سازد و کند کتده

۸	۱	۶
۳	۵	۷
۴	۹	۲

هر دو مسلمان باشند این است
فائده نوع دیگر دفع صرع این نقش
را نوشته در کلو مریض بندد و بکرم
الله تعالی دفع شود مجربیت این

عمل همه مجرب اند لکن صاحب عمل باید که مبرست بعمل او نقش
مذکور این است از سیاهی بکشد و بنویسد والله العالم

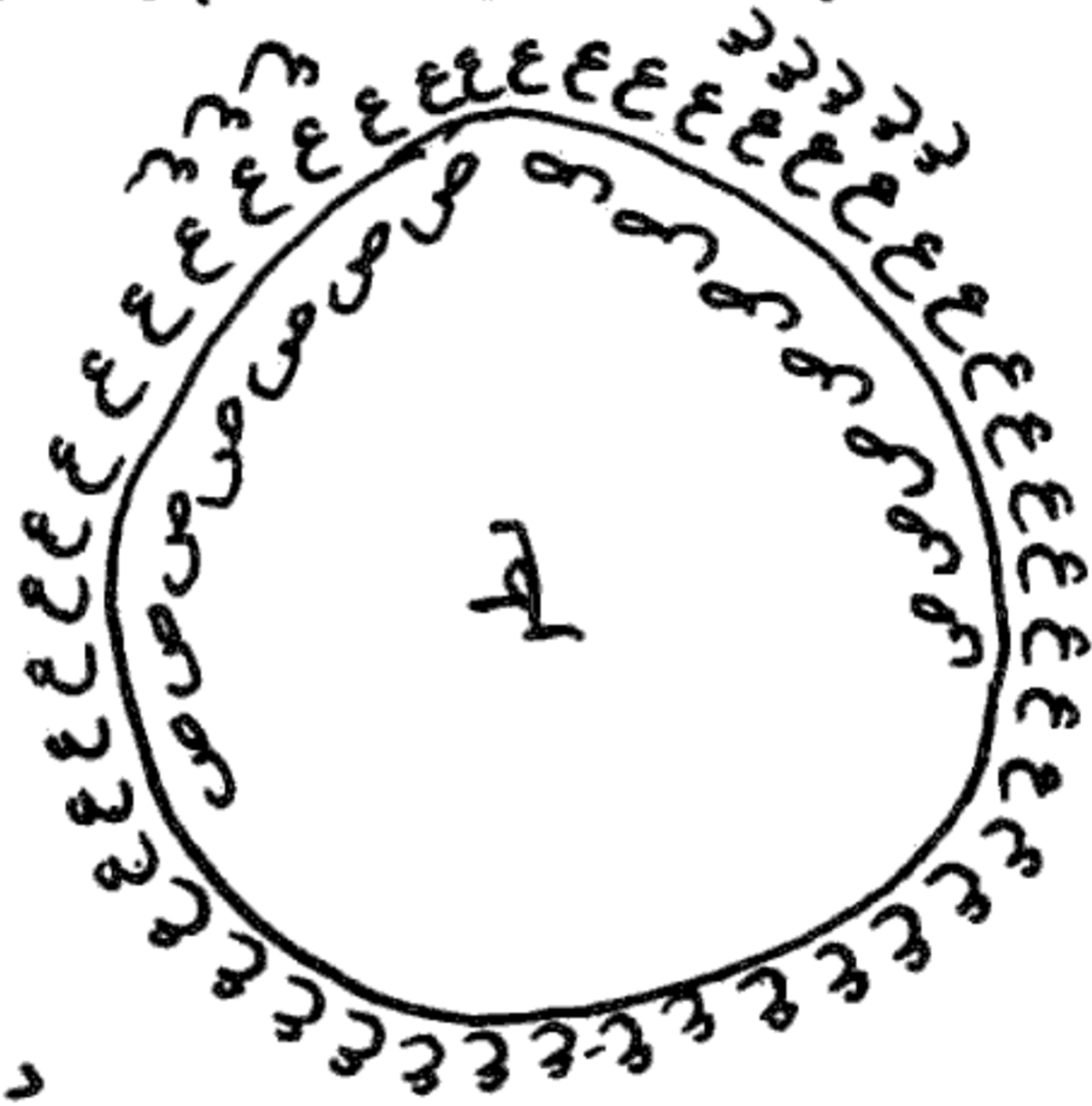
فائده در بیان محبت
باوی را بنویسد چهل
و پنج عین بیرون دایره
و چهارده صادر درون
دایره و بر درخت بیاورد
جاییکه گذرد دیگر نباشد



۱۴۰ در بیان محبت

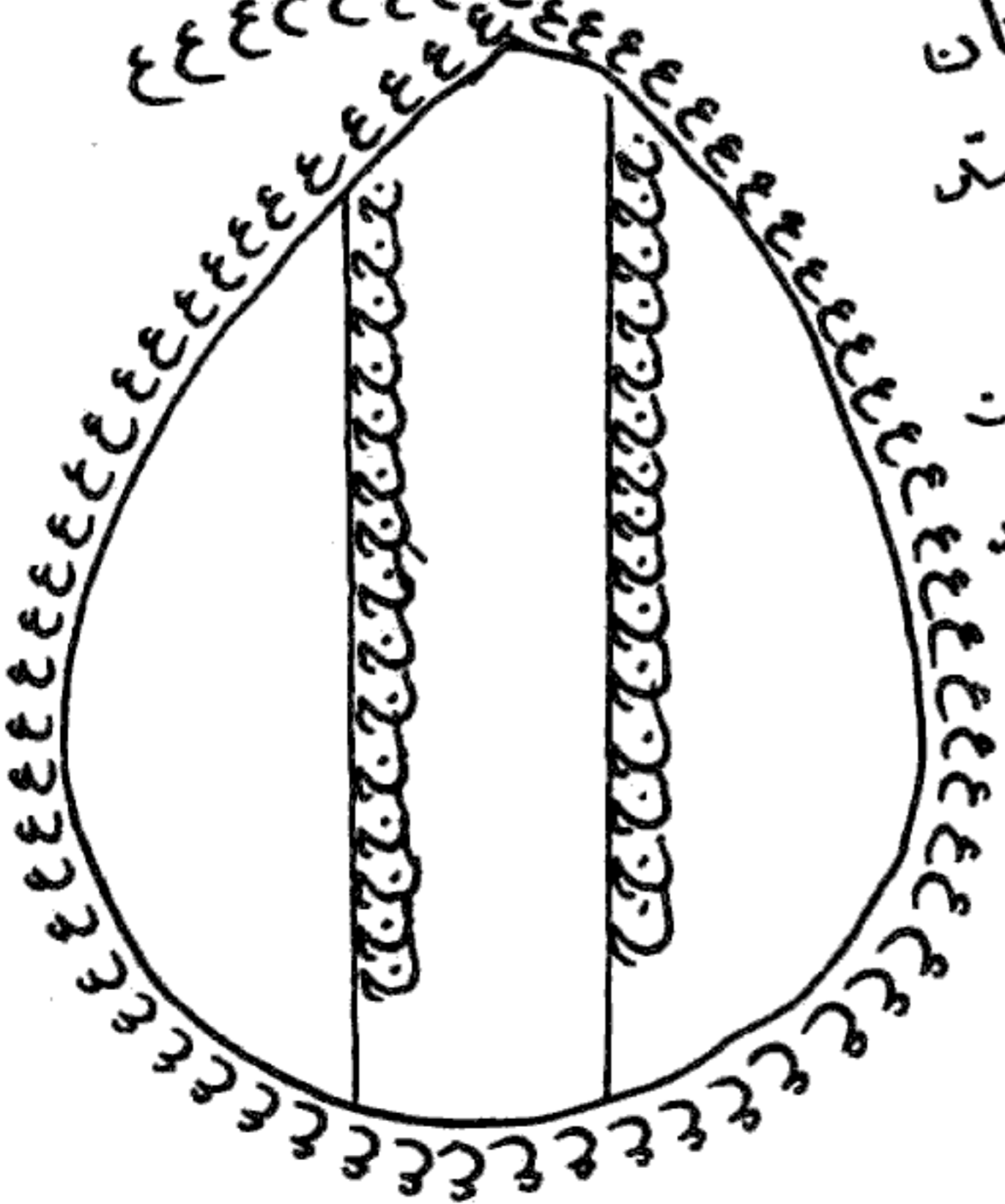
و بخورد دهد به عود و شکر اما مجزوارده او یزد محبت سخت تر شود
به طرفه العین مجرب است فلان بن فلان اول نام مطلوب المحب
فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان اینست

فاندة نوع دیگر المحب آتشی
بزیبد دایره و بیرون دایره
هفتاد عین بزیبد و ضباط
در دایره کشد و میان آن
شیر ج بزیبد بعد در طعام
یا در شیر دهد بجز خوردن
دیوانه و عاشق فو کرد چنانچه



یک لحظه قرار نگیرد افتان
و خیران زیرا با سونه التمد
المحب فلان بن فلان

فاندة المحب در ساعت
مشرقی بر مشانه کوسند
نوشته در آتش انداز
قدرت الهی را
مشاهده کند و اله اعلم



دربیان امتحان حروف ۱۴۱

ط	ک	۱۱۱	ک	۱۱	ط	۱۱۱
ط	ه	ح	۱۹	ح	ک	۱۱۱۱۱
ع	ط	۱۱	ع	۱۱	ط	۱۱۱۱۱
ر	ر	ر	ر	ر	ر	ر
باسم فلان بن و یا بنت فلان علی حب فلان یا بنت فلان						
العجل العجل العجل العجل العجل العجل العجل						

فائده امتحان

فائده اگر کسی امتحان بکند این تعویذ را به سفال آب نرسیده این نقش را بنویسد و به سر مریض هفت گره بگرداند و در آتش اندازد چون سفال لعل در آتش شود انرا بکشد و به بیند چون حروف سرخ بماند نظر جو کند ان باشد و اگر حروف سفید بماند نظر گفتار شود و اگر حروف غایب شوند نظر دیروپری باشد و اگر حروف سیاه ماند علت وجود نیت نیت

مصلحتهم طلعلول

لا اطرا ح ۳ سور عم هر ۱۱۲ هر ص

در بیان جمل واسقاط ۱۴۲

ایضا مانند جنی در شکم زن حامله و فرزندش و این را
کلمات در کمر بند و حمل قرار ماند و الله اعلم

فائده
ماندن
فرزند

علی علی علی لهم لهم سر بردننا

نوع دیگر اگر عنی باشد این طورینی را بنویسد و عورت را
خوردن دهد و با شوهر جماع کند عورت را حمل قایم بماند
و فرزند را بدهد بفرمان الله تعالی مجرب و آزموده است

نوع دیگر برای فرزند و مانند جنی
این نقش را نوشته بر شکم بندد حمل
برقرار ماند بجرمت محمد رسول الله
و حمل عورت قایم شود بحکم الله تعالی و
ولی شوهر فرزندش شود ولیکن عمل شرط است اینست

ملح ملح ملح
ملح ملح ملح

فائده
ماندن
فرزند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ لَا اِلهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ

جمع س	جمع س	جمع س	جمع س	جمع س
جمع س	جمع س	س س	س س	س س
جمع س	جمع س	س س	س س	س س

اسم فوس فوس فوس حس حاشك يعقود يادرا
يئل مار سائل ما بكميل بحق يا بدوح حمل قایم شود بحق
عليها مليفانت نعام نافي قلوبهم فعل الله و فعل محمد رسول

الم

در بیان حل بعد از پاک شدن ۱۴۳

اللَّهُ وَفَعَلَ مَهْرَ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ حَلَّ قَائِمٌ شَدِيدٌ
 وَقَائِمٌ يَأْتِي سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَا بِنْتِ فُلَانٍ فِي
 هَفْتِ انْدَامِ بَابِ نَكْشَائِمِ شَاهِمِ نَكْشَائِمِ بَابِ جَبْرِئِيلِ
 نَوْعِ دَبْكِرِ بَرَايِ فَرَزَنْدِ بَرَنْ حَامِلِهِ رَا خُورْدَنِ دَهْدِ پَسْرَانِ
 رَا بَدِ مَجْرِبِ اسْتِ

والله محب حسب هارون وبالمحق

نوع دیگر این را بعد از پاک شدن از حیض سه روز نوشته
 بخوراند فرزند بزن تولد شود این نقش بر عصای موسی علیه السلام
 کرده بود روز اول ~~مع مع مع~~ روز دوم ~~مع مع مع~~
 روز سیم ~~مع مع مع~~

نوع دیگر برای حل خام که می افتد این تقویذ را نوشته در

ح	ف	ی	ظ
۱۱	۸۹۹	۹	۷۹
۸۹۸	۸	۸۲	۱۰
۸۱	۱۱	۸۹۷	۹

کریبند و بفضل الله تعالی
 در ایام معهود فرزند تولد شود
 نقش اینست

نوع دیگر برای کشادن حیض
 نوشته در کریبند و بگویند الله

تعالی بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ و در صفحه بعد نوشته شده

۱۴۴ در بیان بعضی ادعیه متفرقه

فائده برای از مرض در
 پنج وقت نماز بنویسد و
 بشوید و مجزرد سه روز
 تا هفت روز بشک و زعفران
 بنویسد ان شاء الله صحت
 یابد مجرب است ان شاء الله

هطه	حما	یا اچک	یا اچک
بچک	یا اچک	حما	هطه
هطه	هطه	یا اچک	یا اچک
ه ب	یا اچک	هطه	حما

فائده نوع دیگر این
 نقش مربع اعداد جمع
 قرآن مجید و دعای شمع
 و دعای فرشته و کنج العرش
 العرش و کیمیای سفارت
 و یک اسم پاک باری تعالی

وَنَزَّلَ	مِنَ الْعَرْنِ	مَاهُوَ	وَرَحْمَةً
۴۳۵	۶۵۲	۱۴۴	۴۷۱
۶۵۲	۴۳۲	۴۷۴	۱۴۵
۴۷۳	۱۴۶	۶۵۱	۴۳۳

و غیره جمع کرده عدد

$$\frac{۳۶۴۰۵۴۶}{۳۶۴۰۵۴۶}$$

درین نقش ثبت
 نموده اینست
 نقش معظم و مکرم

۹۱۱۳۸۶	۹۱۱۳۸۹	۹۱۱۳۹۲	۹۱۱۳۷۹
۹۱۱۳۹۱	۹۱۱۳۸۰	۹۱۱۳۸۵	۹۱۱۳۹۰
۹۱۱۳۸۱	۹۱۱۳۹۴	۹۱۱۳۸۷	۹۱۱۳۸۴
۹۱۱۳۸۸	۹۱۱۳۸۳	۹۱۱۳۸۲	۹۱۱۳۹۳

در بیان علم تکبیر ۱۴۵

باب پنجم بافتاح در علم تکبیر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي عِلْمِ التَّكْبِيرِ بِعِنْدِ دَرِ قَوَاعِدِ بِرِ كَرْدَنِ
 الرَّاحِ ابْنِ بَابِ بَرْنَهْ فَضْلُ اسْتِ فَضْلُ اَوَّلِ دَرِ قَاعِدَهْ بِرِ كَرْدَنِ
 مِثْلُ فَضْلِ دَوِّمِ دَرِ طَرِيقِ مَرِيعِ بَرِ كَرْدَنِ مَرِيعِ اَنْزَاعِ طَرِيقِ
 وَخَوَاصِ مَرِخَانَهْ وَبِرِ كَرْدَنِ اَزْ اَنْهَآ فَضْلُ سَبْعِ دَرِ ضَابِطَهْ بِرِ كَرْدَنِ
 مِخْمَسِ فَضْلُ چَهَارَمِ دَرِ قَاعِدَهْ بِرِ كَرْدَنِ مَدَسِ فَضْلُ پَنْجَمِ دَرِ
 ضَابِطَهْ بِرِ كَرْدَنِ سَبْعِ فَضْلُ شَشْتَمِ دَرِ طَرِيقَهْ بِرِ كَرْدَنِ مِثْمِنِ
 فَضْلُ هَفْتَمِ دَرِ قَاعِدَهْ بِرِ غَمُورِنِ مَنَعِ فَضْلُ هَشْتَمِ دَرِ بَيَانِ سَا
 عِنَهَا وَرَا نَسْتِنِ سَعْدِ وَنِخْسِ اِنْهَآ فَضْلُ نَهْمِ دَرِ رُزْنَتِنِ سَا
 عِنَهَا كَرْتِ وَكَيْتِ اِنْهَآ وَوَقْتِ اِنْهَآ فَضْلُ اَوَّلِ دَرِ قَاعِدَهْ بِرِ
 كَرْدَنِ مِثْلُ اَكْرِ خَوَاصِ كِهْ اَعْدَادِ اسْمِي وَادْعَانِي رَا دَرِ لَوْحِ سَهْ
 دَرِ سَهْ بِرِ غَمُورِنِ بَا يَدِ كِهْ اَوَّلِ اَعْدَادِ حُرُوفِ اَنْزَاعِ اَجْمَابِ اَبْجَدِ كِهْ
 اَبْنِ اسْتِ اَبْ حِ دِ هِ وِ زِ حِ طِ يِ كِ لِ مِ نِ سِ
 ۲۱ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

ع ف ص ق ر ش ت ث خ ز ض ظ ع
 ۷۰ ۸۰ ۹۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰

جمع کند آنچه جمع شوند دوازده از آن طرح دهد و آنچه باقی ماند سیوم هصد از آن گرفته از خانه دوم یا چهارم یا ششم

در بیان علم تکبیر ۱۴۶

یا هشتم که این پر چهار خانه شروع است شروع نماید کند و در هر خانه یک عدد تغییر کند و اگر کسر افتد در خانهای کسر دو عدد تغییر کند مثلاً اگر یک عدد کسر افتد در خانه هفتم یک عدد بر عدد معهود افزوده نماید و اگر دو عدد کسر افتد در خانه چهارم که به اغنا را ثابت یک عدد بر عدد معهود تغییر کند طریق دیگر و کردن مثلث از جمله اعداد نسبت و چهار عدد طرح دهد و آنچه باقی ماند سیوم حصه را است گرفته از خانهای مذکور پر کند و این در هر خانه دو عدد را افزایش دهد و اگر کسر افتد بدستور ضابطه که مسطور صد در خانهای مذکور یک عدد بر عدد معهود افزوده نماید مثال طریق اول اینست

اول جمله	طرح	باقی	حصه سوم	کسر	جمله	طرح	باقی	حصه سوم
۲۰	۱۲	۸	۲	۲	۲۰	۲۴	۶	۶
۱۰	۲	۸	۲	۲	۱۲	۱۴	۴	۴
۴	۷	۹	۲	۲	۲	۱۰	۱۸	۱۸
۶	۱۱	۳	۲	۲	۱۶	۶	۸	۸

مثال طریق دوم اینست

اما باید که چون خانه اول پر کند این اسم یکبار بخواند
 اَجْبُ يَا اَطْطَهَيَالِ در خانه دوم این اسم دو بار بخواند

در بیان دعوت علم تکبیر ۱۴۷

بِالطَّطْهِئَالِ وَدَرْخَانَهُ سِتُّومِ اَيْنِ اسْمِ رَاسِهِ بَارِ مَجْرَانَهُ اَجْبَ يَا
 حَطَّطْهِئَالِ وَدَرْخَانَهُ چَهَارُمِ اَيْنِ اسْمِ رَاجِهَارِ بَارِ مَجْرَانَهُ اَجْبَ
 يَا رَطَّطْهِئَالِ وَدَرْخَانَهُ بَجْمِ اَيْنِ اسْمِ رَا بَجِ بَارِ مَجْرَانَهُ اَجْبَ
 يَا هَطَّطْهِئَالِ وَدَرْخَانَهُ شَشْمِ اَيْنِ اسْمِ رَاشَشِ بَارِ مَجْرَانَهُ اَجْبَ
 يَا وَطَّطْهِئَالِ وَدَرْخَانَهُ هَفْتَمِ اَيْنِ اسْمِ رَا هَفْتِ بَارِ مَجْرَانَهُ اَجْبَ
 يَا زَطَّطْهِئَالِ وَدَرْخَانَهُ هَشْتَمِ اَيْنِ اسْمِ رَا هَشْتِ بَارِ مَجْرَانَهُ اَجْبَ
 يَا حَطَّطْهِئَالِ وَدَرْخَانَهُ نَهْمِ اَيْنِ اسْمِ رَا نَهْمِ بَارِ مَجْرَانَهُ اَجْبَ
 يَا طَطَّطْهِئَالِ لِحَقِّ الْحَقِّ خَالِقِ الْحَقِّ اَنْتَ تَعْلَمُ كَذَا وَكَذَا
 فِي الْهَدْيَةِ السَّاعَةِ اَيْنِ رَا كَفْتَهُ حَانَهُ نَهْمِ پُر كَنْدِ پُرِي پُر كَارِي كِه
 مَثَلِ پُر نَمَايِدِ اِنْشَاءً اللهُ تَعَالَى مَقْصُودِ بَرَايِدِ فَضْلِ دَوِيمِ
 دَرِ ضَوَابِطِ وُقُوعِ پُر كَرْدَنِ مَرَبَعِ دَرِ بِنِ فَضْلِ اسْتِ شَشِ طَرِيقَةِ
 مَعِينِ كَفْتَهُ اَنْدِ طَرِيقَةِ اَوَّلِ دَرِ اسْمِي وِدَعَايِ كِه خَوَاهِدِ دَرِ لَوْحِ
 چَهَلِ دَرِ چَهَارِ پُر نَمَايِدِ بَايِدِ كِه اَوَّلِ اَعْدَادِ اِنْزَا جَعِ كَنْدِ بَعْدِ اَزِ
 عَدَدِ شَشِ عَدَدِ طَرِحِ رَهْدِ اِنْجِه بَاقِي مَانِدِ چَهَارُمِ حَصْرِ اَزَانِ كَرَفْتَهُ
 اَزِ اَوَّلِ حَانَهُ شَرُوعِ نَمَايِدِ دَرِ هَرِ حَانَهُ بِيَعْدِ زِيَادِ كَنْدِ وِ كَرِيكِ
 كِه اَفْتَدِ بِيَعْدِ دَرِ حَانَهُ سَبْزِدِهْمِ پُر عَدَدِ مَعْمُودِ بِيَفْرَايِدِ وِ كَرِ
 دَوِ عَدَدِ كِه اَفْتَدِ دَرِ حَانَهُ نَهْمِ وَا كَرِ شَهْ عَدَدِ كِه اَفْتَدِ دَرِ حَانَهُ

۱۴۸ در بیان معرفت علم تکسیر

پنجم بکعد بر عدد معمور افزود نماید طریقه دوم در پر کردن
 مربع از جمله اعداد شصت عدد طرح دهد آنچه باقی ماند چهارم
 حصه از آن گرفته از لوح خانه شروع کند در هر خانه دو عدد زیاد
 کند اگر کسر افتد در خانه های مسطور بکعد بر عدد معمور افزود
 کند بر چهار طرف درست خواهد آید طریقی سیم چون خواهد
 که در مربع کسر نماید اول از جمله اعداد بیت و یک عدد طرح دهد
 بعد در خانه اول از بکعد شروع نماید در هر خانه بکعد در زیاد
 کند چون بخانه سیزدهم رسد آنچه بعد از طرح بیت بکعد در با
 فی مانده باشد پر کند بکعد در زیاده نماید یا خانه شانزدهم
 درست آید طریقی چهارم از جمله اعداد چهار صد و نیت عدد
 طرح دهد و از باقی چهارم حصه گرفته پر نماید در هر خانه چهار
 عدد زیاده کند اگر کسر افتد در هر یک خانه بدستور سابق
 بدهد درست آید طریقه پنجم در پر کردن مربع از جمله اعداد
 نصف عدد بگیرد و از آن نصف است عدد طرح دهد بعد
 از او در خانه بکعد شروع کند با هم خانه هشت عدد پر کند بعد
 از خانه نهم آن نصف عدد که هشت عدد از او طرح داده است
 پر کند در هر خانه بکعد زیاده نماید یا خانه شانزدهم ذکر کسر افتد

این دو

طریق

طریق

طریق

مانهای

در بیان علم تکبیر

۱۶۹

طرن
ششم

خانهای کسر که نموده شد یک عدد بر عدد معهود زیاده کند در هر
چهار طرف درست خواهد آمد طریقه ششم از جمله چهارم
حصه بگیرد از آن حصه چهارم شتی عدد طرح دهد از باقی عدد
شروع نماید در هر خانه چهار عدد زیاده کند اگر کسر افتد موافق
رستور گذشته که بیان نموده شد در خانه های مذکوره بر چهار
عدد معهود یک عدد افزون نماید در هر چهار طرف درست خواهد آمد

مثال طرح شصت یا کسر دو

جد ۱۲۲
طرح ۶
باقی ۸۶
حصه ۲۰
کسر ۲

۲۴	۴۱	۴۷	۲۰
۴۰	۲۲	۲۲	۴۲
۲۳	۵۱	۲۷	۲۰
	۲۸	۲۶	۴۹

مثال طرح چهار صد و ست یا کسر یکده

جد ۴۲۰
طرح ۴۲
باقی ۰
حصه ۱
کسر ۱

۹۹	۱۴۱	۱۸۲	۱
۱۷۰	۱۵	۸۵	۱۵۵
۲۹	۲۱۲	۱۱۳	۷۱
۱۲۷			۱۹۸

مثال طرح شتی یا کسر سه

جد ۲۷
طرح ۷
باقی ۲۰
حصه ۱
کسر ۳

۹	۱۲	۱۵	۱
۱۴	۲	۸	۱۳
۳	۱۴	۱۰	۷
۱۱	۶	۴	

مثال طرح بت و یک عددی کسر

جد ۷۲
طرح ۲۱
باقی ۵۱

۸	۱۱	۵۲	۱
۵۱	۲	۷	۱۳
۳	۵۳	۹	۴
۱۱	۵	۴	۵۳

در بیان علم تکسیر

۱۵۰

مثال طرح مناصبه که کسر ندارد مثال طرح شتی از حصه چهارم است

عدد	طرح	باقی	عدد	طرح	باقی
۶۰	۱	۲۲	۴۰۰	۲۰	باقی از چهارم

۷۰	۱۲۲	۱۱۰	۹۸
۱۱۴	۹۴	۷۲	۱۱۸
۹۰		۱۳۰	۷۸
۱۲۶	۸۲	۸۶	۱۰۶

۱	۲۷	۲۴	۸
۲۵	۷	۲	۲۶
	۲۲	۲۹	۳
۲۸	۴	۵	۲۳

آکنون مثالهای هر یک طریقه مذکوره نموده میشود علاوه باید که هر اسمی را که خواهد بدستور یکی الواح بالاسطوراند پر کنند الحال طریق پر کردن شانزده خانه و موکل هر خانه و خواص هر خانه جدا جدا در تمثیل نموده می آید هر شانزده شکل مع خواص و موکل این

است در خانه اول برای صحت و تندرستی اسم یا غفور پر کنند

عدد اسم ۱۲۸۶ موکل خانه اول ا ط ط ه ی ا ل عدد موکل ۵۷

برای آوردن مطلوب در خانه دوم اسم یا ودود پر کنند عدد

اسم ۲۰ موکل خانه دوم ب ط ط ه ی ا ل عدد موکل ۶۷ برای

دولت و حصول مرادات در خانه سیم اسم یا رحیم پر کنند

عدد اسم ۲۵۸ موکل خانه سیم ح ط ط ه ی ا ل عدد ۶۷

برای امن از خوف دشمن و خلاصی دروزه در خانه چهارم اسم

اسم یا نزل

در بیان قواعد برگردن اعداد ۱۵۱

اسم یا مَذِلْ برگرد عدد ۷۷ موکل خانه چهارم دَ طَطَهَيَالِ
 عدد ۸۱ برای رفع دشمن و امان از غرق شده در آب
 در خانه پنجم اسم یا قَوِي برگرد عدد ۱۱۱ موکل خانه پنجم
یا هَطَطَهَيَالِ عدد ۹۰ برای دفع شدن زحمت و سستی
 در خانه ششم اسم یا مَبْدِي برگرد عدد ۹۰ موکل خانه
 ششم و طَطَهَيَالِ عدد ۷۰ برای زیادتى مال و برکت
 در خانه هفتم اسم یا اَعْلَامُ الغُيُوبِ برگرد عدد ۱۱۹۰
 موکل خانه هفتم زَطَطَهَيَالِ عدد ۷۱ برای جدائی در
 میان دو کس در خانه هشتم یا خَافِضِ برگرد عدد ۱۴۸۱
 موکل خانه هشتم حَطَطَهَيَالِ عدد ۷۲ برای فتح جنگ
 و بیماریها در خانه نهم اسم یا عَمُودَ فَلَابِغِ برگرد عدد
 ۱۶۴۱ موکل خانه نهم طَطَطَهَيَالِ عدد ۷۳ برای ز
 زیادتى فهم و علم در خانه دهم اسم یا قَرِيبِ یا حَفِیظِ برگرد
 کند عدد ۹۹۱ موکل خانه دهم یَطَطَهَيَالِ عدد ۷۴
 برای فتح بای و ملاقات روحانیان در خانه یازدهم اسم
یا هَنَانَ برگرد عدد ۱۰۹ موکل خانه یازدهم یا اَبَطَطَهَيَالِ
 عدد ۷۵ برای صلاحیت زنان و برادران و خویشان در

۱۵۲ در بیان قواعد تکبیر

خانه دوازدهم يا حَيِّدُ الْفَعَالِ پر کند عدد ۲۷۴ موکل
 خانه دوازدهم بِطَطَهَيَالِ عدد ۷۶ برای دفع کرمها از
 کشت کار در خانه سیزدهم يا جَلِيلُ پر کند عدد ۷۳ موکل
 خانه سیزدهم يا جَطَطَهَيَالِ عدد موکل ۷۷ برای افزونی
 زراعت و باغ و باران در خانه چهاردهم يا كَرِيمُ پر کند عدد
 ۲۷۰ موکل خانه چهاردهم دَبَطَطَهَيَالِ عدد ۷۸ برای عشق
 و محبت و بدست آوردن مطلوب در خانه پانزدهم اسم يا بَدِيعُ
 عدد ۲۰ موکل خانه پانزدهم هَيْطَطَهَيَالِ عدد ۷۹ برای مشیت
 پادشاهان در خانه شانزدهم سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ پر
 کند عدد ۹۲ موکل خانه شانزدهم يا وَبَطَطَهَيَالِ عدد
 ۸۰ بدانکه اول بهر کاری که شروع کند ساعت بدانند از سعد
 و نحس بعده عمل نمایند که این عمل را ساعت ضرور است و برای
 هر مقصود به تفصیل که مذکور شد و طریق رفتار و پر کردن
 هر یک مربع بیشتر ذکر خواهد شد الحال باید دانست برای
 هر مطلبی که خواهد مربع پر کند اول اعداد موکل آنخانه و
 اعداد اسم الله تعالی که موافق حاجت است آن نویسد
 و اعداد طالب و مطلوب معه مادر هر دو و اعداد مقصود ^{بکه}

داشته باشد در شمار کبیر و اگر مطلب ضبط مطلوب نباشد
 چنانچه صحت و تندرستی و غیره از مقصد های دیگر پس اعداد
 همین را در شمار هر کدام جمع ساخته شی عدد طرح داده بطریقی که
 نموده شد مربع پر کند بعده ملاحظه ساعت سعد و نحس کرده
 چهار نقش برای هر مطلبی پر کند یکی را بر درخت میوه دار
 که در چهار خود بار میداره باشد به بند و یک را در آب روان
 اندازد و یک را در آتش سوزد و یک را در زمین فرو برد بکرم الله
 تعالی مقصود حاصل شود باید که در وقت هر عمل از محبت و
 بغض حصار کند و برای حصار اگر چهل و یک اسم یاد داشته
 باشد بگرفته خوانده بر خورد مدد و الا فاتحه بانسمیه بیت و بگرفته
 خوانده بر خورد بدمد و از آلت این کرد بگرد خوار دایره کشد تا
 ایمن از رجعت باشد اگر دعای بیشخ یا چهل و یک اسم هر روز
 بطریق وظیفه مداومت کند بهتر است در روز یکشنبه کافور
 بسوزد و در روز دوشنبه کشیز و زیره بسوزد و در روز سه شنبه
 سرسف و رای بر بسوزد و در روز چهارشنبه عود و عنبر شکر بسوزد
 و در روز پنجشنبه اسبند و صندل بسوزد و در روز جمعه مشک
 و در چینی بسوزد و در روز شنبه مک میاه بسوزد و بعده برای

۱۵۴ در بیان علم تکبیر

کار سعد شیرینی در دهن کند و بمشک و زعفران و کلاب بنوید
 و برای دشمنی و کدورت و غیره از نیل و پون بنوید و در د
 دهن نژی یا چیزی شور نگاه دارد و پر کند باید که خانه کج
 و کور نکند و اگر برای محبت نوید تبارخ ششم هر ماه قلم تراشد
 و برای بغض بسخ هر ماه قلم تراشد بهتر باشد الحال طریق
 رفتار هر شانزده نموده می آید و مثال طریق ضبط مطلب

طریق رفتار

رفتار خانه دوم

۱۱	۸	۱	۱۴
۲	۱۳	۱۲	۷
	۳	۶	
۵	۱۰	۱۵	۴

رفتار خانه اول

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۲	۲	۷	
۳		۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

رفتار خانه چهارم

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	
۶	۹	۱۶	۳
۱۵	۴	۵	۱۰

رفتار خانه سوم

۱۴	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲
۹	۶	۳	
۴	۱۵	۱۰	۵

در بیان علم تکی ۱۵۵

رفتارخانه ششم

۵	۴	۱۴	۱۱
۱۰	۱۵	۱	۸
	۶	۱۲	۱۳
۱۶	۹	۷	۲

رفتار پنجم

۴	۵	۱۱	۱۴
۱۵	۱۰	۸	۱
۶	۳	۱۳	۱۲
۹		۲	۷

رفتارخانه هفتم

۱۴	۱۱	۵	۴
	۸	۱۰	۱۵
۱۲	۱۳	۲	۶
۷	۳	۱۶	۹

رفتارخانه هفتم

۱۱	۱۴	۴	۵
۸	۱	۱۵	۱۰
۱۳	۱۲	۶	
۲	۷	۹	۱۶

رفتارخانه دهم

۱۶	۹	۷	۲
۴	۶	۱۲	۱۳
	۱۵	۱	۸
۵	۳	۱۴	۱۱

رفتارخانه نهم

۹	۱۶	۲	۷
۶	۳	۱۳	۱۲
۱۵	۱۰	۸	
۴	۵	۱۱	۱۴

رفتارخانه دوازدهم

رفتارخانه یازدهم

در بیان علم تکبیر ۱۵۶

	۶	۲	۱۶	۹
۱۲		۱۳	۳	۴
	۱	۸	۱۰	۱۵
	۱۴	۱۱	۵	۴

رقنارخانه چهاردهم

	۲	۷	۹	۱۶
	۱۳	۱۲	۴	۳
	۸	۱	۱۵	
	۱۱	۱۴	۴	۵

رقنارخانه سیزدهم

	۳	۶	۱۲	۱۳
۶		۹	۷	۲
	۵	۴	۱۴	۱۱
	۱۰	۱۵	۱	۸

رقنارخانه شانزدهم

	۱۰	۵	۴	۱۵
	۳	۱۶	۹	۶
	۱۳	۲	۷	
	۸	۱۱	۱۴	۱

رقنارخانه پانزدهم

	۱۵	۴	۵	۱۰
۶		۹	۱۶	۳
	۱۲	۷	۲	۱۳
	۱	۱۴	۱۱	۸

	۱۲	۱۲	۸	۳
	۲	۷	۹	۱۶
	۱۱	۱۴	۴	
	۸	۱	۱۵	۱۰

مثال طریق ضبط مطلوب این است هبط طهیه ال بحق ییدوخ
محبت و عشق فلان بن فلان فی قلب فلان بن فلان ثابت گردان

اعداد

در بیان تکسیر اعداد ۱۵۷

اعداد این جمله عبارت گرفته پر نماید و موافق تخریر صدر بعمل
 ارد و علی هذا القیاس هر مطلبیکه داشته باشد اعداد و آن
 عدد اسم باری تعالی و عدد اسم موکل ان خانه بر آورده پر کند
 انشاء الله تعالی مقصود بر این فضل سیوم در طریقه
 پر کردن محسن هر اسمی در دعای که خواهد در لوح پنج در پنج
 پر کنند باید که اول اعداد ان بحساب اجماع جمع کرده از جمله ان
 اعداد است عدد هر طرح دهد آنچه باقی ماند پنج حصه گرفته
 از اول خانه با از خانه وسط وسط اول شروع نماید در خانه
 یک عدد زیاده کند و کربک کسرافتد در خانه بست یکم یک عدد
 بر عدد معهوده بیفزاید دگر دو عدد کسرافتد در خانه شانزدهم
 و کرسه عدد کسرافتد در خانه یازدهم دگر چهار عدد کسرافتد
 در خانه ششم یک عدد بر عدد معهوده افزود کند الحال طریقه
 رفتار از هر دو خانه و پر کردن نموده می آید رفتار دوم خانه وسط
 رفتار اول خانه

۹	۲۰	۱	۱۲	۲۳
۱۵	۲۱	۷	۱۸	۴
۱۶	۲	۱۳	۲۴	۱۰
۲۲	۸	۱۹	۵	۱۱
۳	۱۴	۲۵	۶	۱۷

۲۲۱۵

۱۸	۱۰	۲۷۲	۱۴	۱
۱۲	۴	۱۶	۸	۲۲۷۵
۶	۲۷۳	۱۵	۲	۱۹
۵	۱۷	۹	۲۷۱	۱۳
۲۷۴	۱۱	۳	۲۰	۷

جمله ۵۰ طرح ۶۰ باقی ۵۰ حصه پنجم ۱

۱۵۸ و فن اعداد

فصل چهارم در طریقه پر کردن مسدس اگر خواهد که اسمی
 و دعای در لوج شش در شش پر کند باید که اول اعداد آن
 اسم و یا دعای جمع کند اعداد یکصد و پنج عدد از آن طرح دهد
 آنچه باقی ماند ششم حصه از آن گرفته از اول خانه شروع کند
 اگر یک عدد کسر افتد در خانه شش و یکم و کرد و عدد کسر افتد
 در خانه بیست و پنجم و کسر عدد کسر آید در خانه نوزدهم و کسر
 چهار عدد کسر ماند در خانه سیزدهم و کسر پنج عدد کسر آید در
 خانه هفتم یک عدد بر عدد محمود افزود نماید و کسر خواهد که همه
 کسرها در یکخانه بدهد و بر چهار طرف درست آید پس در
 خانه شش و یکم هر قدر عدد کسر ماند همان قدر عدد زیاده
 کند مثلاً اگر یک عدد آید یک عدد دو اگر دو عدد آید یا پنج عدد بر
 عدد محمود افزود نماید هر چهار طرف درست آید رفتار شش

				طرح ۱۰	باقی	معم ششم ۱	در شش
۱۸	۱۲	۲۲	۲۳	۳۵	۱		
۳	۲۹	۱۰	۵	۳۰			۲۴
۱۳	۴	۳۱	۲۸	۱۱	۲۴		
۲۱	۳۲	۶	۸	۲۷	۱۷		
۲۰	۹	۲۶	۳۳	۷	۱۶		
۲۶	۲۵	۱۵	۱۴	۲	۱۹		

در بیان وفق اعداد ۱۵۹

فضل پنجم در ضابطه برگردن مسبع چون خواهد که اسمی
 بارغای راد رلوع هفت در هفت پر کند از جمله اعدادان
 یکصد و شصت و هشت عدد طرح دهد بعد هفتم حصه
 ازان گرفته در خانه اول پر کند و در هر خانه یک عدد زیاده نماید
 و اگر یک عدد کسر افتد در خانه چهل و سیوم و اگر عدد کسر این در خانه
 سی و هشتم و اگر سه عدد کسر ماند در خانه نوزدهم و اگر چهار عدد
 کسر مانده در خانه پانزدهم و اگر شش عدد کسر ماند در خانه هشتم
 یک عدد بر عدد معهود زیاده نماید و اگر خواهد که هر کسر در یک خانه
 بدهد پس در خانه چهل و سیوم موافق عدد کسر عدد هزار زیاده
 نماید بر چهار طرف درست خواهد آمد و طریق رفتار نموده آمد

مثال رفتار اول جمله ۱۷۵ طرح ۱۶۸ باقی ۷ حصه هفتم ۱

۹	۱۷	۲۵	۳۳	۴۱	۴۹	۱
۲۶	۳۴	۴۲	۴۳	۲	۱۰	۱۸
۳۶	۴۶	۳	۱۱	۱۹	۲۷	۳۵
۴	۱۲	۲۰	۲۸	۲۹	۳۷	۴۵
۲۱	۲۲	۳۰	۳۸	۴۶	۵	۱۳
۳۱	۳۹	۴۷	۶	۱۴	۱۵	۲۳
	۷	۸	۱۶	۲۴	۳۲	۴

۴۸

۱۶۰ در بیان وفق اعداد

مثال رفتار دویم	۱۷۵	ط ۱۶۶	باقی ۲	عصر هفتم ۱	۲۸	۱۹	۱۰
۳۰	۲۹	۴۸	۱	۲۸	۲۸	۱۹	۱۰
۲۸	۴۷	۷	۹	۲۹	۲۹	۲۷	۱۸
۴۶	۶	۸	۱۷	۴۷	۴۷	۳۵	۲۶
۵	۱۴	۱۶	۲۵	۴۵	۴۵	۲۶	۳۴
۱۳	۱۵	۲۴	۲۳	۴	۴۴	۴۴	۴۲
۲۱	۲۳	۲۲	۴۱	۱۲	۳	۴۳	۴۱
۲۲	۳۱	۴۰	۴۹	۲۰	۱۱	۲	۴۹

فصل هشتم در ضابطه پر کردن مثنی چون خواهد که عدد اسمی و یاد های در لوح هشت در هشت پر نماید اعداد را تراجم کرده دو صد و پنجاه دو عدد طرح دهد آنچه باقی ماند هشتم حصه از آن گرفته پر نماید و کر یک عدد کر ماند در خانه پنجاه و هفتم و کر دو عدد کر ماند در خانه چهل و نهم و کر سه عدد کر ماند در خانه چهل و یکم و اگر چهار عدد کر افتد در خانه سی و سیوم و کر پنج عدد کر آید در خانه بیست و پنجم و کر شش عدد کر آید در خانه هفدهم و کر هفت عدد کر آید در خانه نهم یک عدد بر عدد معهود افزود نماید و کر خواهد که همه کر ها در یکخانه بدهد پس در خانه پنجاه و هفتم موافق عدد کر اعداد

ایاده

در بیان قواعد تکبیر

۱۶۱

زیاده کند هر چهار طرف درست خواهد آمد

مثال جمله ۲۰۲۳۰۱ باقی ۰۶ عصر هشتم ۷

طریق رفتار این بدستور مربع است غصه هشتم

۷	۶۱	۶۵	۱۴	۱۵	۶۰	۵۷	۱
	۱۳	۸	۶۷	۵۸	۲۱	۱۶	۵۹
۱۲	۶۲	۷۰	۹	۲۰	۵۵	۶۲	۱۷
۶۹	۱۰	۱۱	۶۴	۶۱	۱۸	۱۹	۵۶
۲۳	۵۲	۴۹	۳۰	۳۱	۴۴	۴۱	۳۸
۵۰	۲۹	۲۴	۵۱	۴۲	۲۷	۲۲	۴۳
۲۸	۴۷	۵۴	۲۵	۲۶	۲۹	۴۶	۴۴
۵۳	۲۶	۲۷	۴۸	۴۵	۲۴	۲۵	۴۰

فصل هشتم

فصل هشتم پر کردن مربع چون خواهد که عددی را می داند و یاد گای در لوح نه در نه بر نماید عدد را از اجمع کرده ستیصد و شصت از آن جمله عدد طرح دهد آنچه باقی ماند نهم حصه از آن گرفته از اول خانه شروع نماید در هر خانه یک عدد زیاده کند و یک عدد کسر افتد در خانه هفتاد و سیوم و کرد و عدد کسر اید در خانه شصت و چهارم و اگر سه عدد کسر اید در خانه پنجاه و پنجم

در بیان علم تکبیر

۱۶۲

وگر چهار عدد کسراید در خانه چهل و هشتم و گریخ عدد
 کسراید در خانه سی و هفتم و اگر شش عدد کسراید در
 خانه بیست و هشتم و گریخت عدد کسراید در خانه نوزدهم
 و گریخت عدد کسراید در خانه دهم یک عدد بر عدد معهود
 افزون نماید و گری خواهد که هر کسرها در یک خانه بدهد پس
 در خانه هفتاد و سیوم مطابق اعداد کسرها که افتاده باشد
 عدد هار زیاده کند تا هر طرف عدد درست

مثال رفتار اول جله ۲۶۹ طرح ۲۶۰ باقی ۹ عصر ۱

۴۰	۲۴	۲۳	۱۲	۱	۸۰	۶۹	۵۸	۴۷
۴۶	۲۴	۲۳	۲۲	۱۱	۹	۷۹	۶۸	۵۷
۵۶	۵۴	۴۳	۳۲	۲۱	۱۰	۸	۷۸	۶۷
۶۶	۵۵	۵۴	۴۲	۳۱	۲۰	۱۸	۷	۷۷
۷۶	۶۵	۶۴	۵۲	۴۱	۳۰	۱۹	۱۷	۶
۵	۷۵	۶۴	۶۲	۵۱	۴۰	۲۹	۲۷	۱۶
۱۵	۴	۷۴	۷۲	۶۱	۵۰	۳۹	۲۸	۲۶
۲۵	۱۴	۴	۷۳	۷۲	۶۰	۴۹	۳۸	۳۶
۳۵	۲۴	۱۳	۲	۸۱	۷۰	۵۹	۴۸	۳۷

مثال

۱۶۳ در بیان قواعد تکبیر
مثال رفتار دویم

۲۸	۳۸	۴۷	۵۶	۶۲	۱۷	۲۶	۵۴	۱۱
۲۹	۵۷	۶۶	۲۷	۲۰	۲۶	۳۵	۲۱	۶۸
۶۷	۷۶	۱۸	۱۳	۵۸	۲۲	۳۱	۴۰	۲۴
۵	۱۳	۲۲	۳۵	۵۳	۴۱	۵۰	۷۸	۷۳
۴۲	۵۲	۲۸	۷	۱	۷۹	۷	۵۹	۲۰
۱۰	۱۹	۴۲	۵۱	۷۷	۶۰	۶۹	۱۴	۲۵
۶۲	۲۳	۶۱	۸	۲۴	۶۵	۵۵	۲	۲۹
۳۳	۷۱	۸۰	۳۷	۲۹	۳	۷۴	۲۵	۶
۸۱	۹	۴	۷۵	۱۵	۴۶	۱۲	۶۴	۶۳

مثال رفتار سیوم بطریقه مثلث و رفتار ان اینست

۵۱	۴۶	۵۲	۶	۱	۸	۶۹	۶۴	۷۱
۵۲	۵۰	۴۸	۷	۵	۳	۷۰	۶۸	۶۶
۴۷	۵۴	۴۹	۲	۹	۴	۶۵	۷۲	۶۷
۶۰	۵۵	۶۲	۴۲	۳۷	۴۴	۲۴	۱۹	۲۶
۶۱	۵۹	۵۷	۴۳	۴۱	۲۹	۲۵	۲۳	۲۱
۵۶	۶۲	۵۸	۳۸	۴۵	۴۰	۲۰	۲۷	۲۲
۱۵	۱۰	۱۷	۷۸	۷۳	۸۰	۳۳	۲۸	۳۵
۱۶	۱۴	۱۲	۲۹	۲۷	۷۵	۲۴	۳۲	۳۰
۱۱	۱۸	۱۳	۷۴	۸۱	۵۶	۲۹	۳۶	۳۱

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ رَبِّ سَبْرٍ وَ تَمَمٍ بِالْحَجْرِ

باب چهارم در خواص دودر دو و مخفی نماید که شکل دودر دورا
استان و حکیمان مهندس معتبر رسیداند و بعضی دیگر اعزاز
نکرده اند جهت آنکه اقطار و اضلاعش با هم راست نیست چون
این رساله جامع است در فوائد قواعد این فن فرود گذشت نشده
اما وقتی که این شکل دودر دو کشید شد باید که قریب یکف الحصب
متصل باشد و مسکنه نهری این شکل را فتح الباب خوانده است و اگر
برنکین خاتمی نهاد هر کس که این خاتم بدست او باشد دست بر هر در
بسته و قفل بسته که نهاد کشاده شود و اگر دست بر دیوار نهاد از پیش
برود و اگر بر پوست کرکدن بنکارند هیچ کاربرد و شمشیر پرو کار بکشد
و صنعت پیدا کردن الماس است که الماس در معدن یافت می باشد
چون خواهد که او را زحمتی حاصل کند وقتی که خفاش بچه بر آورده باشد
جام ابکینه بر سر بچه او وصل کند در حال مادر ایشان برود و الماس
بیاورد چون بران ابکینه نهاد در حال پاره پاره شود پس آن الماس
در خانه خفاش افتد و شاها ن خدا الماس را بدین طریق پیدا
می کنند و سنک عقاب عین دارد و خاصیت اول آن است
که هر چند او را بشکنند او از نلکه لروی بدیداید از بند لکرون
او انچنانست که مرغ سلیمان که او را هد دهد خوانند چون بچه نهاد

در بیان قواعد اعداد

۱۶۵

عادت او آن است که در سوداها بچه نقد پس در آن سوراخ را محکم بگیرد که الله تعالی معرفت این سنگ بدان مرغ داده در حال رود و سنگ عقاب بیاید اینجا پر کبریا شکل دو در دو پرونگار در هر کسی که با خود دارد بند و زنجیر پرو کار نکنند و بسنه نه شود سنگ در پیش همین خواص دارد و سنگی بوده سیاه و نرم همچو گوهر سرب دان در اسباب اله موجود بود و عادت لله چنان بود که هر سال که رفت بچه نهادن او بر بود و این سنگ بیاید و در راستا نه خورد نگاه دارد الله تعالی این هر فن یاد داده و خاصیت این سنگ آن است که پنج جانور قصد بچه او بکنند و بسلامت بماند و چون مشکل اول و یا مشکل دویم و در دو در دو رنگین ازین نقش کند هر کسی که این خاتم را با خود دارد همه خلائق دوست فرمایند بر او و اگر کسی دست در دست نقد چون بید ببرد در داری در آید و سنگ برقان خفایش بید میکند چون بچه نقد زعفران و یازده چوب بیاید و بچه او را زرد کند تا ببرد چوبه کمان برده که بچه او را برقان رده خفایش برود و سنگ برقان بیاید هر کسی را که برقان باشد آن سنگ را با خود نگاه دارد آن علت برقان پاک شود در بدن جامد را این خواص است و طبور را این معرفت است که خواص اشیا میداند انسانی بدین سر یعنی که جمیع صفات الله موصوف است بطریق اولی بیت سنگ معنا طیبی بین که اهل مجوز چون می کند

در بیان قواعد اعداد

۱۶۶

بکم زسنگ نیستی که اهل برفقار اوار و اگر اغفا و نمای و اگر سکر
شوی که اشیا خود را بفعل اوار و الله اعلم و شکل دو در دو این است

۲ در ۳

۷	۱
۳	۴
۲	۶

دو در دو

۲	۱
۴	۳

ناب پنجم در خواص و قف

باب پنجم

سه در سه و حکما گفته اند که این عدد از میان خوانند اما بدانند که
اعداد ناب شمار آن نرسد مستعد قبول اعتدال دفع شود بدانکه
هر عددی را کمالی است و عدد کمال چهل و پنج همچنانکه از یکی تا نه
چون بشمار آورد ۴۵ می شود که مناسب است بعد از آن که چهل و پنج

است و منقول است امیر المؤمنین علیه السلام در خواص سه در سه
را و زب ا ه ط ج د حروف و فوق عدد ؛ رفعت نافعته بعینه

الولد ؛ و يرجع الابق من ساعتی فی بلد ؛ و لام محمد عرانی می فرماید
در وضع سه در سه بیت وضعی نهاده اند حکیمان روزگار ؛ که

اعداد آن بر مزجوا هم نوشت ؛ چن عرب بال در واختران
چرخ ؛ نقش مبین کعب نکه ای بنکوسرشت ؛ میعاد وضع عمل

نماز و خدای عرش ؛ بران مصطفی و طلاق در بهشت فضل
و از خواجه نصیر الدین طوسی منقولست حروف نه گانه که مرتبه

فضل

اعداد اهرام

احادیث به عصای موسی علیه السلام موسوم بود و در بطلان سحر
 مجرب است اما جهت وضع حمل این شکل را بر سفال آب نارسیده
 کشند بر سه وصله و یکی بر زانوی پای راست بندد و یکی در پای چپ
 و یکی در پشت در ساعت از ریخ زادن خلاص شود و چون روز ^{شنبه}
 ساعت فمرا این شکل بنکارند و به محبوس دهند مادر سب پای خود
 دفن کند از بند و زندان خلاص شود و اگر این شکل چون بنام کریمه
 بنویسد و نام او در برابر عدد پنج بنویسد و در محل خوابگاه او
 دفن کند و سنگ کران بر بالای او نهاد متحیر شود و باز گردد و اگر چهار
 وصله کاغذ کشند و هر یکی در کوزه نواب نارسیده بگذارد و چهار
 گوشه کشت را از فوق کشد ملخ در آن موضع نایافت شود و جهت
 باطل سحر این شکل را نگاه دارند و آیت الکرسی بحروف مقطع در حوالی
 او بنویسد و به آب حل کند و به آن آب خود را بشوید سحر باطل
 شود و اگر کسی را بسته باشند بر شون همین صورت بعمل آورند که موثر است
 و چون قمر در شرف باشد و در تحت الشعاع و بگوایب سعد بنظر
 مسعود بود بر پوست آهو بنویسد حاملان قادر گردند بر حرکت و از
 راه رفتن ملول نشوند و چون قمر بر طان باشد و ناظر بسعود در
 نقره خالص بنکارند حاملان معین باشد بر جمله حرکات و غالب
 گردد بر دشمن و چون نیز در هفتاد ساعت زهره به نکارند حاملش

در بیان قواعد اعداد

۱۶۸

بهر که سخن گوید مطیع او گردد و اگر روز قمر وساعت او بنکارند و در نقره با خود دارد که جمع مکاره در خوف امین باشد و چون اجتماع نین در منزل نسد باشد بنویسند بهر حاجت که متوجه شوند ان حاجت روا شود اگر فرناظر بشمی باشد به نسی تا ثلث برنگارند حاملش را جاه و حشمت بیفزاید و اگر به طلوع رسد بنویسند و از آن قیلها سازند باسم مطلوب و بخوریشک و زعفران کند با شرفی نهایت دهد و اگر قمر به تربع یا مقابله مربع بود باسم شخصین که بنویسد در میان ایشان تفریق واقع شود و حکما گفته اند که این شکل را بسیار با خود نگاه نمی باید داشت که پریشانی می آورد سه در سه عداوت انگیزد دو چهار در چهار با هم او یزد چون قمر ناظر زهره و یا مشتری باشد بنظر سعد جهت محبت برنگارند که اثر عظیم دارد و جهت فتوحات هم به این نظرات بنویسند و بشرط نوشتن بجا آورند و بخور بسوزانند و عزیمت بخوانند که مقصودات کله حاصل شوند و مثال شکل سه در سه این است والله اعلم

۲	۹	۴
۷	۵	۳
۶	۱	۸

۸	۱	۶
۳	۵	۷
۴	۹	۲

۶	۷	۲
۱	۵	۹
۸	۳	۴

۴	۳	۸
۹	۵	۱
۲	۷	۶

در بیان معرفت قواعد حروف ۱۶۹

فضل بدانکه ابتدای این شکل از چهار خانه توان کرد بصورت
نظم طبیعی جهت فتوحات ابتدای کردیم خانه و جهت محبت ابتداء
که چهارم خانه کند و جهت خروج ابتدا که خانه ششم و جهت تفریق
ابتدا که خانه هشتم کنند در یک شکل را که این موکلی هست و درین
شکل بسیار غرایب است که تعبیر و تسلیط و تعلیل و تخریب و قلع

و ترمیز و کفر تفریق و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم

بیت شیخ دلان با کف رنگی است بد که این علم ناکس را بدست

امام محقق قرالی رحمه الله علیه رساله تصنیف فرموده در نصح سه درسه
موسوم بوجوب الحامد هر امریکه ما بجناب مردم است که خیر و شر در
خواص این حروف تعبیه گانه که ان مفردات و مرزجات است نوشته
و بعضی حکما فرموده اند که جهت اعمال خیر حروف مرزجات بویسند
و جهت اعمال شر حروف مفردات و با هر دو عمل خواهیم نمود طریقه
همه حکما را در فضلی چند بار نمایم تا بر طالبان صادق اسان شود
انشاء الله فضل بدانکه طریقه حکماء یونان انچنان است که هر
گاه خواهند که از جهت حب و بغض و ترمیض و فتوحات و هر عملی
که کنند طریقه ایشان است که پنج اسم ازین وفق استخراج میکنند
و تخریب میزنند و مقصود حاصل میکنند بدین طریق اول و پنجم
گیرند و ۳۹ عدد بر او اضافه کنند بحروف برند و گویند

در بیان قواعد حروف ۱۷۰

شیدا یک و دریم نهایت عدد که آن تمهید است اضافه بر ۳۹۰
 و گوید سچانک سیوم عدد عدل که آن ۱۰ اضافه بر ۳۶ و گویند
 شیطانان چهارم عدد صلح که آن ۱۱ است اضافه بر ۳۰
 کند و نطق دهند و گویند شنایین بعد از آن بگویند عَرَفْتُمْ عَلَيْنَا

بِحَقِّ رَبِّنَا وَرَبِّكُمْ بِأَشِدَائِيلَ وَشِجَائِيلَ وَبِأَشِطَائِيلَ وَشَكَائِيلَ
 و بِأَشْدَائِيلَ أَفْلُو كَذَا وَكَذَا الشَّاعَةِ الشَّاعَةِ و مِبَالِغَةِ دَرَامَالِ

تکسر واجب داند و بعضی دیگر از حکماء بر آن درین حروف نه
 کانه عمل میکنند فصل در دانستن طریقه حکماء و فرین وان

مفصل

چنانست به اصطلاح این قوم که سه در سه یا مضرب است یا منظر
 مصر آنست که اسم طالب بگیرند و اسم مطلوب را بینه محبت در

دفع به نکارند مثال طالب محمد ۹۲ و مطلوب محمود ۹۷

و اسم دورو ۲۰ این جمله ۲۱۰ باشد ۱۲ طرح کریم الباقی

۱۹۱ سه قسمت کریم هر قسمتی ۶۶ باشد دو قسمت طرح

کریم و یکی بخش دیگر در سه در آوریم بصورت نظم طبیعی

تمام کریم بدین مثال واکر کسیری واقع شود یکی و یاد دور

این شکل راست نیاید و آنچه کسر است
 ایدا مثلث هندی است و بجای خود
 گفته شود و خواص چند دیگر درین

۶۷	۷۲	۷۱
۷۴	۷۰	۶۶
۶۹		۷۳

۶۸

لا

در بیان معرفت وفق اعداد ۱۷۱

شکل نموده میشود اول کسی مبتلای دل باشد و خواهد که دلش
 سرد شود اعداد سوره والعصر بگیرد و اعداد اسم شخص بگیرد
 و در مثلث ثبت کند برین طریق که نموده شد و در کوزه بوی که آب
 از آن نخورده باشند بنهد و آب در وی پر کند از روی آن بخورد
 باشد که الله تعالی دل او را از آن شخص سرد کند و اگر خواهد که
 میان دو حرام تفریق اندازد ایتة وَالْقِنَابِ بِقَنَمِ الْعِدَاوَةِ وَالْبَغْضَاءِ
 اَبَدًا عدد این بگیرد و از اسم آن هر دو شخص عدد بگیرد بدین طریق
 که نموده شد در وفق مثلثه ثبت کند و این شکل را در بیچد و در خانه
 آنکس دفن کند تفریق واقع شود و اگر خواهد که کسی را از مقام
 اواره کند بگیرد عدد سوره الم ترکیف و عدد اسم آن شخص و در
 وفق مثلث ثبت کند و در گذار آنکس دفن کند و یاد در مقام می
 نشیند که اواره شود اگر خواهد که کسی را از مرتبه او بپندارد بگیرد
 عدد ایتة وَمَا رَمَيْتَ اِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى و عدد اسم آن
 شخص مودی و ظالم در وفق ثبت کند و نیز این ایت بعد اسم
 آن شخص مودی بخواند و در کورستان دفن کند از آن مرتبه که
 هست تزل کند و اگر خواهد که ظالمی را در بخورد ایت
 فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
 بگیرد و عدد اسم آن ظالم بگیرد و در وفق ثبت کند و بعد

کتاب و اسم
۲۴۲

۱۸۵

۶۲۷

۱۸۶

۱۷۲ در بیان قواعد حروف

این جمله بخواند و در کنار او دفن کند و یاد رگورستان انکس تا توبه نکند به نشود مربع الم ترکیف و اگر خواهد که کسی را از عشق خود

دل سرد کنی بگیرد عدد این است

۱۴۴۰	۱۴۴۲	۱۴۰۸	۱۴۴۸
۱۴۰۱	۱۴۰۶	۱۴۴۴	۱۴۰۶
۱۴۰۸	۱۴۰۸	۱۴۰۲	۱۴۴۲
۱۴۴۲	۱۴۰۲	۱۴۴۱	۱۴۰۸

یا نارا کونی بردد و سلا ما علی

ابراهیم و عدد اسم آن شخص

و در وفق ثبت کند و بر کناره

آب روان دفن کند دلش تسکین

شود و سوره تبت یا ای لهب همین خاصیت دارد و اگر خواهد

که کسی را مطیع خود گرداند عدد این است لو انفقت با عزیز حکیم بگیر

و اسم آن شخص و اسم خود و این جمله در مثلث ثبت کند و از یاد

بیا و یزدانکس مطیع شود و اگر خواهد که کسی را زبان بر بندد عدد

این است صم بکم غمی فتم لا یفعلون بگیرد عدد اسم آن شخص و

این جمله در وفق ثبت کند و در شیب سنگ کران بنهد زبان

انکس بسته شود و اگر خواهی که کسی را از شیوه حرام به بندد بگیرد

عدد مذال و مینت و شهوت فلان بن فلان و این جمله در وفق

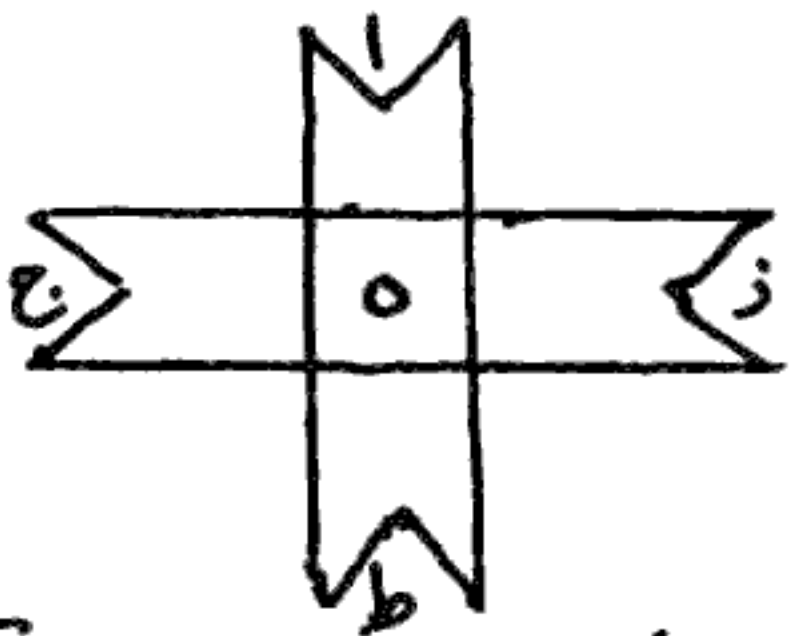
ثبت کند و در جای نم ناک دفن کند و سنگی کران در بالای آن

نهد که بسته شود شهوة ان هر یک ازین عمل که کند بنظر کواکب

کند و بخور بسوزاند و عزیمت بخواند که مجرب است و الله اعلم

رضی

فصل در طریقه حکماء مغرب و بحث ایشان در مفردات و مزد
 جات این حرف است و در مزدجات خواص بسیار می فرمایند
 مثل کثایش و رزق و عزت و تسخیرات و در مفردات فهم و تسلط
 و حی و بغض و اوارگی و فیض و بسط و هر چیزیکه خواهد و در هر عملی
 که کند از قرآن از مفران مجید آیتی که مناسب آن باشد در حوال
 و حواشی آن وفق بنویسد برین مثال اِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا
وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا يَوْمَئِذٍ تُخْبِرُهَا
أَخْبَارَهَا بَلْ أَوْحَىٰ لَهَا بِوَيْبِئِي يُصَدِّرُ النَّاسَ أَشْتَاتًا
أَشْتَاتًا تَفَرِّقُوا لَاتَّخِلُوا وَأَنْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا يَا سَمْعَاءُ بَيْنَكُمْ سَمْعَاءُ
وَأَخْرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمُ الْأَخْيَارَ إِلَّا بَغْضَبِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ
 علی بغض فلان بن فلان الساعه الساعه و وفق باین مثال است
 و آیات را مسطع باید نوشت و مجور بسوزاند و کارش تا به هلاکت
 رسد برین عمل اعمال و بدفع هر چیز مشغول نشود تا مضرت
 باید وفق برین مثال است و زینهار و اعانت که تا شخصی واجب
 برین علم نباشد مشغول بر و نشود و



جماعی دیگر از حکمای اهل مغرب برین
 نه خانه نه اسم استخراج کرده اند و عمل
 بران کنند برین مثال ۱ اَطَّهَيَا ۲ بَطَّهَيَا ۳ عَطَّهَيَا

در بیان وفق اعداد ۱۷۴

۴ و ططهیا ۵ فططهیا ۶ و طططهیا ۷ زططهیا
 ۸ حططهیا ۹ طططهیا بدین صورت رقم میدهند
 بدین طریق اقسمت علیکم یا اظطهیا تا فرمجت الحق و
 بحق خالق الخلق بان تفعلو کذا و کذا ای عزیز قدر این بدان
 که سالها اگر سعی کنی و به این عمل برسی و از لفظ استاد این نوع
 عمل باین فغیر رسیده و در هیچ نسخه نیست و ادب نگاه داری و
 حرمت مجاوری تا کارت بجان نرسد مشغول به این امر شوی
 که گرفتاری رو نماید فضل در طریقه وفق مظهر و ذالکتابه
 نیز میگویند و ان چنانست که از مجموع عدد ثلث بیرون آوردن و
 در قطب خانه بنهد و باقی عدد در طول و عرض قسمت کند برین

مثال جمع این عدد ۲۷۹ است
 ثلثش بیرون کردیم ۹۳ باشد
 در وسط بقاریم و باقی عدد را

۴	۲	۸	۱	۶	
۳	۵	۷	۴	۵	۷
۸	۱	۶	۴	۲	

قسمت کردیم برین مثال الله لطیف بعباره

الله	لطیف	بعباره
۱۱	۶۸	۵۰
۱۸	۵۶	۱۸

فضل طریقه چند دیگر بطریق
 مظهر نموده میشود برین مثال
 که گفته میشود نیست در مقابل
 صفحه مقابل

در بیان قواعد قواعد

۱۷۵

۱۴

۴۲	۲	
۸۵	۴۲	۱
۸۶	۸۳	۴۴

لا اله الا الله	الله	
ورد هادی جواد	دایم	مبیدی
یا واحد جواد	حکیم	جلی

کفیف	طسم	عسق
واحد رحیم	عالم موجد	عالی
لا اله الا هو	طیب نورا	احد سمیع

۲	۱۵۱	۵۳
۱۵۳	۵۲	۱
۵۱	۳	۱۵۲

فصل در طریقه نمودار حکماء با بیل ایشان فرموده اند که چهار
 ملك ملازم این شکل اند اول مالسوماه چون وفق اول کشند
 که از روم ابتداء کنند ۹ نوبت این اسم بخوانند و در پهلوی این
 اسم بنویسد اسم بنویسد اسم دوم یا مستفیهار چون خانه دوم
 بنکارند و در پهلوی خانه چهارم بنویسد و ۹ نوبت اسم
 سوم بخوانند یا کفیف سوماه چون شکل سوم بنکارند این اسم در
 پهلوی خانه هشتم بنویسد و ۹ نوبت بخواند اسم چهارم
 مطیسلیفواه چون شکل چهارم بنکارند این اسم در پهلوی خانه
 هشتم بنکارند و ۹ نوبت بگویند و بمجوزات بسوزند و اسماء بخواند
 که البته مقصودات حاصل شود فصل با اصطلاح اهل
 یونان و بابل و مغرب ایشان میفرمایند که چون خواهند که

۱۷۶ رد بیان قواعد حروف

این شکل بنکارند ابتدا بعد دیک کند نوبت بگوید آه آه چون
 عدد خانه دوم بنهند دو نوبت بگویند بَطْرَبَالٍ و چون عدد
 خانه سیوم بنوسند سه نوبت بگوید جَلِیشِ و چون چهارم
 خانه بنویسند چهار نوبت بگوید دَمِیَالٍ و چون خانه پنجم بنویسند
 پنج نوبت گوید هَطَطِیشِ و چون خانه ششم بنویسند شش
 نوبت بگوید و کوهیم و چون خانه هفتم بنویسند هفت نوبت
 گوید زلفظاً و چون خانه هشتم بنویسد هشت نوبت بخواند هَدَا
 و چون خانه نهم بنویسد نه نوبت بخواند طیبیالی و تمام علی
 این است وفق الاینه این شرطها و اسمها و این عزیمت را عزیز
 دارد که بسی غرایب اعمال در اوست در جمیع اعمال مثلث

این عزیمت می باید خوانند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بِرَهْبِیَةِ
 بِرَهْبِیَةِ کَرِیْمٍ کَرِیْمٍ تَقْلِیَةِ طَوْرَانِ مَزْحَلِ مَزْحَلِ بِرَهْبِیَةِ رَقَبِ
 تَرْهَشِیِ غَلَشِیِ خَوَاطِرِیِ قَهْرِیِ دَاوِیِشَانِ کَطَهْرِیِ مَرْمَلِیِ بِرَهْبِیَةِ
 لَانَشِکَلِیِ کَرِیْمِیِ مَزْنَعَلِیِ لَبَطِیِ قَبْرَاتِیِ عَجَطِیِ غَبَاها کَبِدِیِ هَوَلَا
 شَمَخَا هَبِیِ سَمَا خَبِیِ شَمَا هَبِیِ بِحَقِّ الْعَمَدِ الْمَاخُوزِ عَلَیْکُمْ الْا
 نْفِیَارِیِ نِیَا اَمْرُکُمْ بِهٖ وَبَعَزَتْ اللّٰهُ الْعَزِیْزِیِ فِی عَزَّةِ عَزَّتِ وَ
 بَطَشَةِ شَدَّةِ فَهْرَتْ وَاَوْ تَوَا بَعْدَ اللّٰهِ اِذَا عَاهَدْتُمْ و لَّا

در بیان خواص مرزحات

۱۷۷

وَلَا تَنْفَضُوا الْإِيمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمْ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا
 بِأَخْذِهَا هَذِهِ الْأَسْمَاءَ أَنْ تَحْضُرُوا وَتَفْعَلُوا كَذَا وَكَذَا بِحَقِّ الَّذِي
 لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَيَحَقُّ بَدْوَعٌ وَاجْهَرُطُ
 بَطْرَجُ وَأَحْمُ وَيَحَقُّ قَسَمٌ أَوَّلُهُ وَآخِرُهُ أَلْ دُو الْجَلَالِ وَالْأَلِ
 كِرَامِ وَيَحَقُّ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ أَفْعَلُوا مَا تَوْفِرُونَ
 بَارِكْ اللَّهُ فِيكُمْ وَعَلَيْكُمْ بعد از آن سه نوبت قل هو الله احد
 بخواند و بگوید انضر فوا من حيث جنتم بارك فيكم وعلينكم
 اريتم ما وصفت عليكم انضروا بحق من جنتم من اجله بلا
 ضرر والاضرار بارك الله فيكم وعلينكم و بعد از آن قل هو الله
 احد و آية الكرسي و معوذتين بخواند و بر خورد مد تا از ضرر
 محفوظ باشد بعد از آن چهار نقش پر کرده در زیر پای یاد دوز
 زانو یا در زیر سنک نهاد لیکن در وقت تحریر سوره نصر بخواند
 باید که در هر خانه نوشتن هفت مرتبه سوره مذکور بخواند
 تا چهل روز باید نوشت هر روز و بعد از حصول مقصود
 همان نقش در دهن انداخته محو سازد یا در جای پاک اندازد ^{بجای}
 نضل در خواص مرزحات مصروفات و این حروفات را
 بسیاری خواص نوشته اند و فوائد بسیار دارد و بفعل می آید

در بیان قواعد بدوح

۱۷۸

جهت محبت بنویسند و در نسخه بر ورق و خون میاوشان
بعد از روز جمع مجوز کنند بمورد و لبان به بچند در حریر مسخ و از
درخت انار بیاویزند و نام طالب و مطلوب در حواشی مربع

ب	د	و	ح
و	ح	ب	د
ح	و	د	ب
د	ب	ح	و

بنویسد که مقصود حاصل شود

نوع دیگر بتاند استخوان

مرده و اب دهن خود در آن

انذار و سرد بار گویند بدوح

و به بچید در کاغذ در شب سر

به نهد و صورت محبوب تمثیل کند که انکس مطیع شود

و بی آرام و بی خواب گردد ولیکن شرط اینست که آن استخوان را

دس کند باریک و در دس کردن این عنایت بدوح بخوانند بعد

آن بر کاغذ با سیاهی تراسم محبت و محبوب بنویسد و بر آن حرف

تراستخوان سائیده مذکور را پراکنده کند و بچند و زیر سر

خود به نهد نوع دیگر بنویسد بمشک و زعفران و کلاب بر

کتاب نو ۲ یاود عم دال دء واود ۲ حاء و بعد از آن پاره

پاره میوزاند و مخصوص هر یک از حروف بخوانند بعد از

آن خاکستر بیکه حاصل شود با صغ عربی خیر کند بکلاب و مشک

غلوله نموده در سایه خشک کند چون خشک شود سوراخ کند

در بیان قواعد بدوح و فوائد آن ۱۷۹

همچون مهره و در ابریشم زرد یا سبز دوره کند و در کردن او بزد
مقصود حاصل شود و در وقت نوشتن ده بار این لفظ بخواند
با بدوح و در وقت سوزانیدن از برای حرفی آنچه مناسب
اوست از عدد یا رسم آن که مخصوص است بد آن حرف بخواند
در و بار بدوح بدوح الباعث الیرید البصر الباصر البدیع بدع
السموات و الارض الباطن الباقی الباری الباسط چون حرف
دال بنویسد چهار بار بگوید یا دالیم یا دهر یا د بهار یا د مجبور
و از برای وار شش بار بگوید الیهاب الیاریت الیاحد الوا
جد الودور الواسع الولی الوالی و از برای هفت بار
بگوید الحق الحیب الحمید الحفیظ الحق الحکیم الحکیم الخائن
الحق القیوم و اگر این مربع را بر کتان پاره خواهد سوزانیدن
بنویسد عملش قوی تر باشد و چون از عمل فارغ شود مربع را
بنویسد و با مهرها در کردن او بزد تا برش زیاد باشد و این را
در عمل اثری عظیم است دیگر جهت کشایش بنویسد چهار
مربع با عدد صغیر اسم طالب بنویسد و در اینکه چشم او زوی
تقبله اید بظرفی آن مربع ها را حل کند و سر وقت بنویسد روز
چهارشنبه و یکشنبه و چهارشنبه چنانکه سه نوبت شود کشایش

۱۸۰ در خواص اسم اعظم بدوع

در کار انکس پیدا شود و اگر محبوس باشد همین عمل کنند از
 حبس خلاص شود جهت محبت بنویسد این مربع اعد دانه قلقل
 و قدری دوشاب و روغن و این مربع در میان قاروره نهد و
 سر بگردود در سبب انش پنهان کند چون گرم شود انکس بیقرار
 گردد و برین طریقه بنویسد اجب یا الطههیا یا پید و لاش
واجب یا د ططهیا یا بحق دهیوش واجب یا د ططهیا یا بحق
دیغار عیش واجب یا حططهیا یا بحق حیدادش هچو قلب فلان
علی محبت فلان و عزیزینکه اول او برتتمند کر بر تغلیط در ورق
سیوم که گذاشته تمام بنویسد و اینهای محبت یا نبی انما ان
لک متعال حبه من خردی فکن فی صحرة اوفی السموات او
فی الارض یا نبی بها الله قال عفریت من الحق انا انیک بر قبل
ان تقوم من مقامک قال الذی عند علم من الکتاب العجل
الساعة الوحا و اگر کسی کر محبت با باشد یا چیزی در دیده باشد

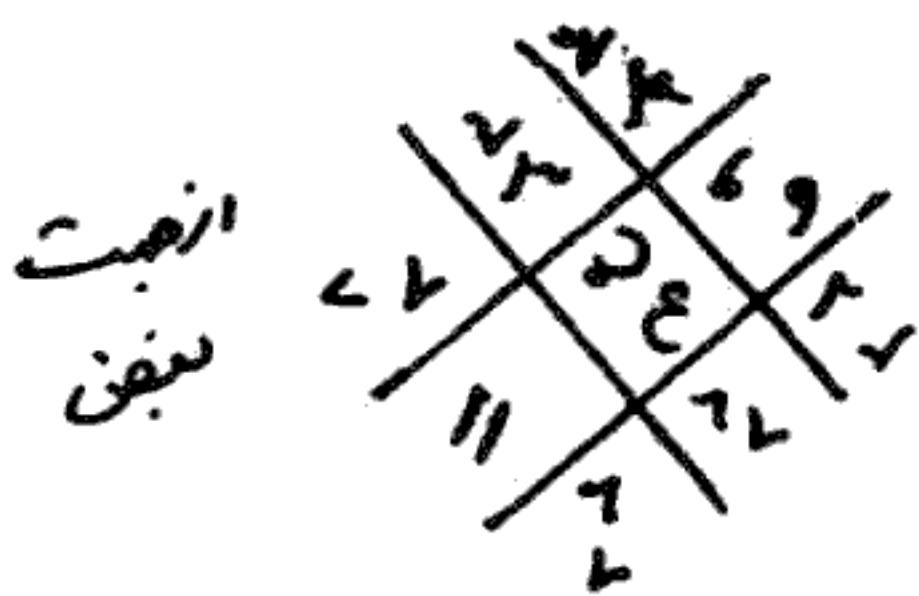
ب	و	ر	ح
۲	۶	۴	۸
و	ب	ح	ر
۶	۲	۸	۴
ح	ر	و	ب
۸	۴	۶	۲
ر	ح	ب	و
۴	۸	۲	۶

این شکل را بنویسد یعنی شکل بدوع
 حرف بر ظهر مضمون در وسط او
 یکدینار نقره نهد و در بچد و در اند
 رون تار یک دان پنهان کند و سته
 کران بر سران به نهد و در د برده

در الهم

در بیان قواعد حروف

۱۸۱



وگر بخت درفته باز آید بدین مثال
 و از جهت بفض بنویسد از ا بر
 ختبر فولاد که پنهای آن چهار انگشت

باشد بنام هر که خواهد و اسم مادرش و در اتش اندازد
 و بعد مدت شصت روز و بخور بفتیله کند که انکس هلاک
 شود و این حروف بنویسد اجهرط و این حروف جنبه
 بفض و هلاک دشمن مجربست و بدو جعت محبت و کثابتی
 و جلب و هر چه خواهند والله العالم و اگر خاتمی سازند از
 سه درهم نقره و نیکین این خاتم از روی یعنی سرب باشد دو
 روی یکی از طلا و یکی روی از نقره و در روی طلا مربع بدو
 بنکارند و یک روی نقره اجهرط بنکارند چون فرستد درجه
 از بروج نور باشد در رواید النور بود و نیکین این خاتم میباشد
 که کرد آن باشد هر کس که این خاتم بدست کند بر دشمن مظفر
 باشد که ببرد سلاطین محترم و صاحب جاه و عزت گردد و هر
 که با او دشمنی کند مقهور شود و در هر کار که شروع کند باسانی
 بر آید و هر گاه یک دردی و غمی را بروی آنجلا برون کند غم
 از او زایل شود و چون سادی بود روی نقره شروع کند سادی

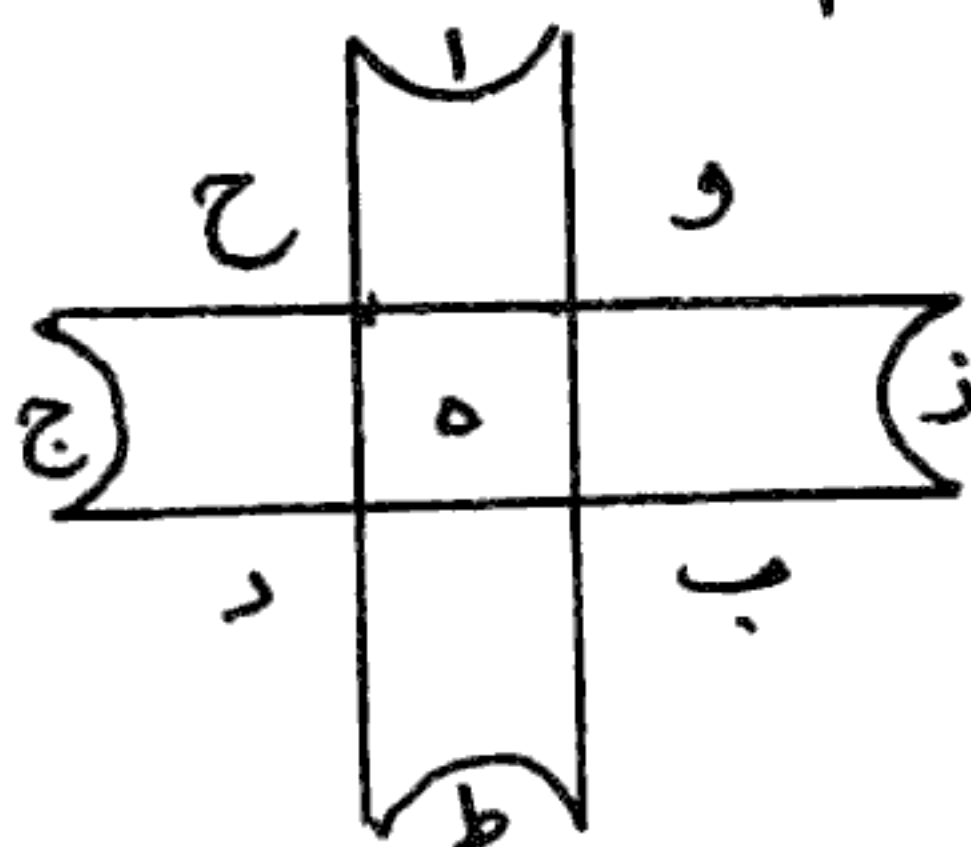
در بیان قواعد حروف

بفرایند و چون خواهد که از چشم دشمن پنهان شود روی نقره
 در شب کنند و انکشت بگیرد شود اگر در میان هزار آدمی باشد
 او را کسی نه بیند پنهان نماید و این خاتم می باید که نکلین او گردان شد
 و این فقیر دید است و از مغرب آورده بودند و حروف مفید خانه مهره
 گاه که در مشرف بنویسد و بر رنجور بندد مشفاء باید

ایضا خاتم اجهرط که دست کند

خاتم اجهرط اینست

ط	ز	ه	ج	ا
ه	ج	ا	ط	ز
ا	ط	ز	ه	ج
ز	ه	ج	ا	ط
ج	ا	ط	ز	ه



و اگر تابش صداع و دما مل و

هر دردی که باشد بندد شفا یابد بحربیت و جهت باطل السحر
 بنویسد و آیه الکرسی بحروف مقطع در حوالی بنویسند و در آب
 روان حل کنند و سر دهن بشوید از سحر خلاص شوند این است

د	ا	ع
ز	ه	ج
ب	ط	ر

باب ششم در خواص مربع چهار در

چهار و این عدد از شمائل خوانند و این

شکل را هر که با خورد نکاهدارند رفت

و عزت اقراید و جهت تحصیل مرادات مناسب است و چون

تقاریر

در بیان معرفت قواعد بدوح

اقیاب در شرف باشد بنویسد و یا خود نکا هدارد مقبول نظرها
 گردد و محبوب سلاطین و اگر ماه در کف الخصب باشد و ناظر
 بیشتری و یا زهره بنظر دوستی این شکل بنکارند محبت و مودت
 رانیک باشد و چون ماه بنظر سعد باشد برگشته حامل این
 مظفر گردد بدشمن و چون اینها در شرف باشد و قمر در نور
 بدوستی یا قمر در میزان این شکل را بر خاتمی بنکارند یا هر چه
 خواهند نکارند حامل آن محبوب خلاقی گردد و اگر این شکل
 بنکار با خود نگاه دارند از رنجها ایمن گردد و قویج برود چون
 فریاد مرغ باشد بدوستی این شکل برگشته حامل از راه رفتن مانده
 نشود و بدشمن مظفر گردد و از اعدا بلا مت ماند از مکاره دختران
 ایمن باشد و اگر بقران زهره و یا عطارد بنویسند رفیع العذر گردد
 و اگر بر لوحی از سرب نقش کنند گاهی که زحل در شرف باشد و
 قمر در جد زحل حاملش معروف و مشهور گردد و وصیت و اوازه
 او در عالم منتشر گردد و نافذ العقل شود و نزد سلاطین منصور
 و محفوظ باشد از کید اشرا و اگر بر خشت بخت نکارند و در صبح
 کارند تعبیه نمایند اب افزون شود و چون قمر بتلیث اقیاب بود
 حاملش نزد ملوک با حرمت بود و چون قمر به بتلیث عطارد
 نزد وزرا و اهل قلم با حرمت باشد و اگر قمر به بتلیث زحل

بود به نکار در فیروز کرد و پروا احتیام و قلاع با حرمت باشد و اگر
 در ساعتی نیک و قمر خوش حال بود بیکارند و به اب حل کنند
 و بیاشامد مجموع علتها را دفع کند و اگر بسوسد در شب مصرع
 که بسهوش باشد بنهد بهوش آید و اگر و با یا ابده یا علتی شده
 باشد حامل این شکل بصحت کلی باشد و محفوظ گردد و در پشت
 کتان بیکارند و در خانه نگارند امانت از دزد ایمن باشد
 و از برای تالیف قلوب و صلح بین الزوجین موافق بود گفته اند
 که در گشتی نوع علی بنی اعلیٰ السلام این شکل نکاشته بود از
 جهت این که عرق ایمن گشت و از خواص مشهور این است که
 در هر چه بیکارند آن چیز را نگاهدارد و از خواند اتفاق غیر طبیعی
 در مربع گفته اند که اگر نقش زوج الزوج باشد گاه اجتماع قمر
 در شرف یاد در خانه بر صحیفه یا خاتمی که ضریف باشد بکارند
 حاملش بلائمت باشد بفرغ خاطر و در وقتیکه فردا آمد بود
 و قمر متصل بود بر محل یا قمر در مال بود هر زن که با خود دارد
 حامله شود دان عظیم نماید اما استند که مبنی بر طریقه احزاب
 و جدّه است نار نمایم و معنی احزاب و جدّه است که اح
 در سطر می شد و زب در سطر و و ج در سطر و ده
 در سطر خواه در طول و خواه بعرض برای این نوع که

۱۸۵

در بیان قواعد حروف

نمی شود رباعی که زنگ نزوی ردالمی است ؛ احزاب و جده یعنی
 ترادف کار است ؛ در خانه فای هر یکی بنفده سار ؛ نقصان کنی
 از آن که غیر انصاف است وضع کاتب

۱۱	۱۴	۱	۸		۸	۱۲	۱۳	۱		۸	۱۱	۱۴	۱
۲	۷	۱۲	۱۳		۱۱	۷	۱۴	۲		۱۳	۲	۷	۱۲
۱۶	۹	۶	۳		۵	۹	۴	۱۶		۳	۱۶	۹	۶
۵	۴	۱۵	۱۰		۱۰	۶	۳	۱۵		۱۰	۵	۴	۱۵
۴	۹	۶	۱۵		۱	۱۲	۱۲	۸		۸	۱۲	۱	۱۳
۱۶	۷	۱۲	۱		۲	۱۴	۷	۱۱		۱۱	۷	۲	۱۶
۱۱	۲	۱۳	۸		۱۶	۴	۹	۵		۶	۱۰	۱۵	۳
۵	۱۶	۲	۱۰		۱۵	۳	۶	۱۰		۹	۵	۱۶	۴
۱۲	۷	۶	۹		۱	۱۵	۱۴	۴		۱۴	۷	۱۲	۱
۱۲	۲	۳	۱۶		۱۲	۶	۷	۹		۴	۹	۶	۱۵
۱	۱۴	۱۵	۴		۸	۳	۵	۵		۵	۱۶	۳	۱۰
۸	۱۱	۱۰	۵		۱۳	۲	۲	۱۶		۱۱	۲	۱۳	۸

در بیان قواعد حروف

۱۴	۱۵	۱۶	۱	۱۴	۱۴	۱۵	۱	۱۴	۵	۴	۱۱
۵	۱۰	۱۱	۸	۹	۷	۶	۱۵	۳	۱۵	۱۳	۶
۹	۶	۷	۱۳	۵	۱۱	۱۰	۸	۹	۲	۷	۱۶
۱۶	۳	۲	۱۳	۱۶	۲	۳	۱۳	۸	۱۰	۱۰	۱

۱	۱۳	۵	۱۳	۱۳	۸	۱۲	۱	۱۶	۲	۲	۱۳
۱۵	۶	۱۰	۴	۳	۱۰	۶	۱۵	۵	۱۱	۱۰	۸
۱۳	۷	۱۱	۲	۲	۱۱	۷	۱۳	۹	۷	۶	۱۲
۴	۹	۵	۱۶	۱۶	۵	۹	۳	۳	۱۳	۱۵	۱

۸	۱۳	۱۲	۱	۳	۹	۵	۱۵	۱۳	۸	۱۲	۱
۱۱	۷	۱۴	۲	۱۳	۷	۱۱	۲	۳	۱۰	۶	۱۵
۴	۱۰	۳	۱۵	۱۵	۶	۱۰	۳	۲	۱۱	۷	۱۳
۹	۳	۵	۱۶	۱	۱۲	۸	۱۳	۱۶	۵	۹	۳

۱	۱۳	۱۲	۸	۱۰	۱	۶	۷	۸	۱۳	۱	۱۳
۲	۱۳	۷	۱۱	۱۵	۸	۹	۲	۱۱	۷	۲	۱۳
۱۵	۳	۱۰	۶	۳	۱۲	۵	۱۳	۶	۱۰	۱۵	۳
۱۶	۳	۵	۹	۱۶	۱۳	۱۵	۱۱	۹	۵	۱۶	۱۳

۱۵

۱۸۷

در بیان قواعد حروف

۱۰	۱	۶	۷		۴	۹	۶	۱۵		۱۵	۴	۵	۱۰
۱۵	۸	۹	۲		۱۴	۷	۱۲	۱		۶	۹	۱۶	۳
۲	۱۲	۵	۱۴		۱۱	۲	۱۳	۸		۱۲	۷	۲	۱۳
۶	۱۴	۱۵	۱۱		۵	۱۶	۳	۱۰		۱	۱۴	۱۱	۸

۹	۵	۴	۱۵		۷	۱۵	۱	۱۰		۱۴	۷	۱۳	۱
۶	۱۰	۲	۱۵		۲	۹	۸	۱۵		۴	۹	۶	۱۵
۱۱	۷	۱۴	۲		۱۴	۵	۱۲	۳		۵	۱۶	۴	۱۰
۸	۱۲	۱۳	۱		۱۱	۴	۱۴	۶		۱۱	۲	۱۳	۸

۱	۱۴	۱۱	۸		۱۴	۷	۱۲	۱		۱۶	۷	۱۰	۱
۱۲	۷	۲	۱۴		۴	۹	۶	۱۵		۹	۲	۱۵	۸
۵	۹	۱۶	۳		۵	۱۶	۳	۱۰		۴	۱۲	۵	۱۴
۱۵	۴	۵	۱۰		۱۱	۲	۱۳	۸		۶	۱۴	۴	۱۱

۶	۱۱	۴	۱۳		۱۰	۵	۴	۱۵		۱	۱۰	۷	۱۵
۱۶	۱	۱۰	۷		۴	۱۶	۹	۶		۸	۱۵	۲	۹
۹	۸	۱۵	۲		۱۴	۲	۷	۱۲		۱۴	۵	۱۲	۴
۴	۱۴	۵	۱۲		۸	۱۱	۱۴	۱		۱۱	۴	۱۳	۶

در بیان قواعد حروف

۱۱۸

۱۴	۱	۸	۱۱	۱۰	۴	۵	۱۰	۱۴	۷	۱۲	۱
۷	۱۲	۱۳	۲	۶	۹	۱۶	۳	۱۱	۲	۱۳	۸
۹	۶	۳	۱۶	۱۲	۷	۲	۱۳	۵	۱۶	۳	۱۰
۴	۱۵	۱۰	۵	۱	۱۴	۱۱	۸	۴	۹	۶	۱۵

۴	۱۴	۱۰	۷	۵	۱۱	۱۵	۴	۱۱	۸	۱	۱۴
۱۱	۶	۱	۱۶	۱۶	۳	۶	۹	۲	۱۳	۱۲	۷
۵	۱۲	۱۵	۲	۲	۱۴	۱۲	۷	۱۶	۲	۶	۹
۱۴	۳	۸	۹	۱۱	۸	۱	۱۴	۵	۱۰	۱۵	۴

۲۷۳	۵۲۲	۲۲۷	۲۲۲	۸	۱۱	۱۲	۱	۱۵	۱۲	۶	۱
۲۲۶	البصر	المرآة	۵۲۳	۱۲	۲	۷	۱۲	۲	۷	۹	۱۶
۲۲۴	الزوجة	الفتاح	۲۷۱	۳	۱۶	۹	۶	۳	۱۰	۸	۱۴
۵۲۱	۲۷۰	۲۳۵	۲۳۸	۱۰	۵	۴	۱۵	۱۴	۵	۴	۴

۶۳	۳۱۱	۳۱۷	۳۱۲	۱	ر	م	ز	ر	ر	س	ع
۳۱۶	باب	باطن	۱۱۲	۵۳	۳	۱۰۲	۵۵	۶	۱۲	۱۰۲	۱۰۳
۲۱۳	باب	بعض	۱۰۶	۵۹	۳	۱۰۴	۴۶	۱۱	۱۰۸	۱	۱۲۵
۱۱۰	۶۰	۲۱۵	۳۱۸	۱۰۰	۶	۲	۱۰۵	۵	۹۸	۱۱۰	۹

در بیان قواعد اعداد ۱۸۹

و شایع رساله ابو یوسف ریجانی فرموده است که چهار عدد نوع
 مربع چهار در چهار نداشتند غیر مکرر و در این رساله سی و دو
 طریق بصورت نظم طبیعی نموده شده و چند صورت کرد باز تمام
 فضل بدانکه در اصلاح و فغان مربع یا منظر است یا مضرب
 چند نوع است نصفی است در بی و سدسی است یعنی بر عدد یک
 خواهد بطریق سدس وضع کند باید که یاد آورده خانه از یک شروع
 نمودن بر نظم طبیعی تمام کند بعد از آن عدد مطلوب به بیت دیگر طرح
 کند آنچه می ماند در خانه سیزدهم بنهد و نظم طبیعی تمام کند درست
 خواهد آمد که اگر یکی به دو از دم خانه بصورت نظم طبیعی تمام
 کند بعد از آن اگر ضلع ۲۱ طرح کند و بر عدد که خواهند باید
 در خانه سیزدهم بنهد و تمام کند که فطر و ضلعش راست باشد

باز در وضع عدد و مطلوبیت زیر اگر
 در هر ضلع عدد و مطلوبیت بر صورتی باشد

۸	۱۱	۱۰۴۰	۱
۱۰۴۹	۲	۷	۱۲
۳	۱۰۴۲	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۰۴۱

بر این مثال مثال این است
 غنی هزار و شصت از یکی تا دو از دم
 بصورت نظم طبیعی آمدیم و از
 یک ضلع بیت دیگر طرح کردیم
 باقی هزار و سی و تهیه عدد را

در خانه سیزدهم نداشتیم و تمام کردم برین طریق که نموده شد و الله
 اعلم فضل در طریق نصفی و این چنانست عدد اسمیکه میخواهد

۱۴۰ در بیان قواعد اعداد

بگیرد و از آن عدد نصف طرح کند و باقی که نماید در مربع اگر یکی یا خانه هشت طبیعی ثبت کند بعد از آن هر چه ماند باشد در خانه نهم ثبت کند بطریق نظم طبیعی که وقت و اقطار و اضلاعش راست باشد و می باید که در عدد اصلی کسر نباشد برین مثال مسم دویت عدد است نصفش صد عدد طرح کردیم الباقی صد عدد باشد از یکی ناهشت بنظم طبیعی آمدیم هشت که از صد بود و در عدد ماند در خانه نهم ثبت کردیم برین مثال است

۸	۹۴	۹۷	۱
۹۶	۲	۷	۹۵
۲	۹۹	۹۲	۶
۹۳	۵	۴	۹۸

و اگر عدد کسری باشد در خانه سیزدهم بفراید که راست آید برین طریق لطیف ۱۲۹ نصفش شصت و چهار طرح کردیم و از یکی تا خانه هشم بصورت طبیعی آمدیم و هشت اگر شصت و چهار که برود الباقی بنجاه و شش در خانه نهم بنهاریم و تا بنجاه دوازدهم آمدیم و در خانه سیزدهم باک عدد افزودیم و تمام کردیم برین مثال

۸	۵۸	۶۲	۱
۶۱	۲	۷	۵۹
۳	۶۴	۵۶	۶
۵۷	۵	۴	۶۳

فضل در طریق ربعی و اینچنانست از عدد مطلوب سی طرح کند و باقی بچهار قسمت کند و یکی بخش دیگر در خانه اول بنهد و بصورت نظم طبیعی تمام کند که وفق راست

در بیان قواعد اعداد

۱۹۱

ابد علی صد و ده عدد است سی طرح کردیم باقی هشتاد مانند چهار
قسمت کردیم هر قسمتی یک عدد است یک بخش در خانه اول نهادیم
و بصورت نظم طبیعی تمام کردیم بدین طریق که نموده میشود و این
طریق مربع راسته کسر واقع میشود چون

۲۷	۳۰	۳۳	۲۰
۲۲	۲۱	۲۶	۳۱
۲۲	۲۶	۲۸	۲۵
۲۹	۲۴	۲۳	۲۴

درستی سه کسر باشد یک عدد در
خانه پنجم افزایش که وفق درست باشد
و اگر دو کسر باشد در خانه نهم یکی

افزاید که وفق راست شد و اگر کسری باشد در خانه سیزدهم
یک افزایش که وفق درست باشد و هر یک را امثال بار نمایم کافی
صد یازده یک عدد کسراوشد و باسط هفتاد و دو عدد راست
دو کسر دارد مثال صد و چهل و یک عدد است و سه کسراو باشد
و بر یکی را مربعی بار نمایم اگر چه نمودار نموده شد است برین
مثال است مثال بر سه شکل است

۳۵	۲۸	۴۱	۲۷	۱۷	۲۱	۲۴	۱۰	۲۷	۳۰	۳۴	۲۰
۴۰	۲۸	۳۴	۲۹	۲۲	۱۱	۱۶	۲۵	۲۳	۲۱	۲۶	۳۱
۲۹	۴۲	۲۶	۲۳	۱۲	۲۶	۱۹	۱۵	۲۲	۲۶	۲۸	۲۵
۲۷	۲۲	۳۰	۴۲	۲۰	۱۴	۱۳	۲۵	۲۹	۲۴	۲۳	۲۵

۱۹۲ در بیان مظهر و ذوالکتاب

فصل در طریق مظهر و ذوالکتابه و وضع اثنای درین طریق است
که اسمی چند در سطر اول از سطور مربع بعرض ثبت کند در خانه
راسته خانه و اگر عددی باشد چنانچه چار در جبار شانزه باشد چون
بنکارید و فوق راست این چنانچه یک دو و سه و چهار این حد
خانه اول باشد دیگر اینها از پنجم و ششم و هفتم و هشتم خانه
کتاب دین دیگر ابتدا از نهم خانه کند نهم و دهم و یازدهم و
دوازدهم دیگر ابتدا از خانه سیزدهم کند سیزدهم و چهاردهم
و پانزدهم و شانزدهم تمام کند برین مثال

۱۰	۲۰	۱۰۰	۱۰۰۰
ی	ل	غ	م
۹۹۹	۴۱	۹	۵۱
۴۲	۱۰۰۲	۴۸	۸
۴۹	۷	۴۳	۱۰۰۱

و مثال این نوع را به انواع نگاشته اند
و شیخ ابوالعباس احمد بونی المغربي
رحمت الله علیه که درین علم از مشاهیر
است رساله نوشته موسوم بالواج

الذهب و دران الواح از آیات و اسماء در مربعات نگاشته
و تدبیر نموده و خواص بربک مربع نوشته اما درین کتاب
طریق چند مظهر ثبت می کرد هر چند که درین قابل باشد تصرف
نردی تواند کرد فصل در خواص عدد زوج الزوج و فرد
الفرد بدانکه اینجا زوج الزوج و فرد الفرد یک مانند پس
معلوم میشود که مراد از زوج الزوج و فرد الفرد و جنب و طاق

مظهر

در بیان خواص حروف ۱۹۳

فصد کرد است یا آنکه بگویم که هر دو میزان یا قص را درین هر دو قسم لاحق گفته باشند و الله عالم علام چند در این اصطلاح از وجه آن که معلوم حوله شد اما عدد زوج الزوج اگر کسی خواهد که کسی را مطیع و فرمان بردار از خود کند چون قرناظر بعدین باشد این شکل پر کنند و عدد طالب مطلوب در آن ثبت کند چون طالب این مربع را با خوردن کا هد در مطلوبش حاصل شود بدین مثال اما خواص فردا فرد است که چون قرناقص النور باشد و ناظر به دخل بایند این

۱۶	۲۲	۲۸	۲
۲۶	۴	۱۴	۲۴
۶	۳۲	۱۸	۱۲
۲۰	۱۰	۸	۳۰

مربع پر کند و هر زن که با خود نکا هد در اوستن شود و عقیم نماید و اگر بیاعت محس نوبید و اسم شخصین در صحیفه دیگر

در مربع ثبت کنند تفریق در میان دو شخص افتد اما

۱۵	۲۱	۲۷	۱
۲۵	۳	۱۳	۲۳
۵	۳۱	۱۷	۱۱
۱۹	۹	۷	۲۹

باید که در گویستان یاد در مقام انسان دفن کند این است

۱۹۴ در بیان معرفت مجوم و ستارگان

فصل در بیان معرفت مجوم و ستارگان و معرفت سعدیه
 بدان ای عزیز که حکمای یونان و بابل و هندوستان و مغربیان
 منازل قمر را اعتبار تمام کرده اند و گویند از مصنفات هرمی
 است که او را ادرسی بنی علیه السلام گویند و آورده است
 که در کتاب اسطواطیس و کتاب طبایع و کلمات مخزون که
 هر چارنابی که در این عالم ظاهری از خواص حرکات ستارگان
 رکان است و جوهر ایشان که بعضی را با بعضی دوستی است
 و روحانیان ایشان مستفیض میشود از عالم اکر هر مقدار
 جوهریت ایشان و از انجا طبایع عالم و حیوان بتحرک مایه این
 جمله مونس میشوند از فوت جوهریت ایشان را از خواص
 افلاک یکی آن است که هر چه در زمین موجود است از چهار
 و حیوان و نبات و انسان صورت آن در آسمان هست و هر
 فیض که از حضرت فیاض حقیقی بر ستارگان فایض میشود
 آن جمله فیض نعمه میرسد و از قلم بدان عالم همه اشیا بقدرت
 قابلیت فایض میشود بحکمت عَلِمَ الْحَكِيمُ بِسْمِ فِرَا بِاَصْطِلَاحِ
 حکما عقل فعال میگویند و هر به نیت و هفت روز در سم تمام
 بروج روارده گانه سبر میکنند و در هر برخی او را د و منزل
 است و زمین چنانکه نسبت و هشت منزل باشد و که بقا

در بیان معرفت نجوم ۱۹۵

وَالْقَمَرَ مَدَرْنَا هُنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ قَوْلَهُ
تَعَالَىٰ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ حَسْبًا نَّأْتِكُ فَقَدْ بَرَكَتُ الْعَرَبُ بِالْعَلِيمِ
قَوْلَهُ تَعَالَىٰ كُلٌّ لِي فَلَكَ بِبُحُورٍ قَوْلَهُ تَعَالَىٰ كُلُّ شَيْءٍ فَضْلَانَا
تفصیلاً پس بدین مقدمه هر مس علیه السلام فرموده که
بعضی از دانشی علم قمر و اسمان هر دو با فایده هر دو در دنیا ^{ست}
آینده تریست زیرا که فلك قمری نزدیک ترست هر گاه که قمر
در منزل باشد از این منازل بیست هشت گانه عمل کن از خیر
دشمن و هر چه خواهی خواندن دعوات و اذعیث که با حاجات قریب
بر حسب گویند دوزر مهیا شود طوابعی کند ی بود او را
هیچ در بنور بطیموس حکیم ان کند را بکند یا بوی یافت در میان
ان کنید از طلا در میان نابوی مصحفی دید ورقبای ان از
طبق طلا و بران نوشته بخط قدیم و کند بخواندن را بهمان
زبان پیشینان بعد از ان نقل کرده اند بزبان یونانی بعد از
مدتی نقل کردند بزبان عبرانی و اکنون در تاریخ سنه اربع
و سبعین^{۱۶۴} و مائة بفارسی کرده اند با هر فایده رسد و بعضی
گویند که مصحف قمر در کتاب ذخیره سکندی مسطور بود
و ذخیره اعمال طلسمات که حکمای پیشین ضبط کرده اند
و چون سکندر خروج کرده و سیر عالم میکرد بشهر بابل رسید

۱۹۶ در بیان معرفت منازل قمر

بدی روی رسیده و در اینجا با پری بود انرا بشکافند مصحفی
 دیدند که اوراق از طلا بود و بخط قدیم نقش کرده بعد از آن
 ارسطو حکیم آن خط را بخواند در او اعمال طلسمات و خواص
 درجیات و خواص منازل قمر بود و سکندر انرا عزیز میداشت
 و منسوب شدید خیره سکندری و این است بیت هشت
 منزل و خواص او در هر منزل الشرطین و چون ماه بدین
 منزل رسد وجه سرخ است در ان ساعت عمل دشمنی باید
 کرد و چون بمنزل بطین رسد سعادت است و اسفند و
 وجه شمس است در روی عمل مهربانی و جمعیت و دوستی باید
 کرد ثریا چون در این منزل رسد در روی عمل جدائی و هلاکت
 باید کرد دبران و چون قمر درین منزل باشد برای بد
 حال کرد از آنکه بالای این منزل غنی است هفقه این
 ستاره سرخ است و وجه ماه است اندر این عمل شراب باید
 کرد هفقه ستاره سفید است و وجه زحل دارد چون ماه
 بدین منزل رسد بکنی هر چه تو خواهی از نیکی و بدی در دوستی
 زراع این ستاره سعادت است با سرخی و وجه مشتری است
 چون ماه بدین منزل رسد دشمنی عمل درندگان یعنی بگرفتن
 ایشان نیک بود نثره این ستاره سعادت است بربک

هنرم
 ارورا

در بیان منازل قمر

۱۹۷

سرخ است و وجه مریخ است چون بدین منزل رسد بارزگان
 و اب کار نیز نیک برد طرفه این ستاره سفید است
 و وجه آفتاب است صید مرغان و کبکان و کبوتران دروی
 نیک است چهار این ستاره سعادت و سفید است
 و وجه زهره است چون ماه بدین منزل رسد گرفتن سیب
 و موشان و رو باهان و جانوران سوراخی نیک باشد زهره
 بارزبره
 این ستاره نحس است بر وجه عطارد است چون ماه اندر این
 منزل رسد کردن طلسمات و دوستی را نیک بود و الار شمتی را
 و بستن خواب مردی و هلاک و باری کردن صرفه این ستاره
 سعادت است چون قمر بدین منزل رسد عمل دوستی و هر چه خواهی
 از خیر صلاح عوا این ستاره سعادت و سفید چون قمر
 بدین منزل رسد و وجه زحل است عمل دوستی و هر چه صلاح
 باشد هر شاید کردن سماک این ستاره سعادت و مستور
 و سرخ است و وجه مشتری است چون ماه دروی بود بکن طلسم
 دوستی و همربانی که نیک بود غفران این ستاره سرخ و وجه
 مریخ است چون ماه دروی بکن طلسم بلازند و کزند کسی را که
 خانه زبانا این ستاره وجه شمس است بکن طلسم جدای
 و عقد و هلاک اکلیل این ستاره نحس است و وجه زهره است

۱۹۸ در بیان معرفت منازل ستارگان

عمل سردی را که از وی هر پیری است و شایسته است قلب
 این ستاره سعد است و سفید است و وجه عطارد است
 و ماه در این منزل شایسته است عمل و راعت را بیک است
 شعله اوست همزوج بالسی و سعد شایسته است و صلت
 و طلسم محبت را و دادن زهره فامل را نغایم سعد است و
 سفید و وجه زحل است بکن در وی طلسمات دوستی و بر
 انگیز عشق بلده سعد است ماه در وی بود طلسم محبت را
 شاید سعد زامج این ستاره محس است و مریخ است
 چون ماه در این منزل بود طلسم عقد را سعد بلع این ستاره
 سعد است و وجه اقیاب است چون ماه اندرین بود بکن طلسمات
 محبت و بیوستن بحر خوبی سعد السعور این ستاره بوجه عطارد
 است چون ماه اندرین بود بکن طلسمات الفت و محبت و در هر
 کارها نیکو بود اخبیه این ستاره وجه زهره است و ماه اندر
 این شایسته باشد و طلسمات زمان بندی و هر عقد مکر باشد
 مقدم این ستاره سعد است و وجه ماه است و ماه اندر وی
 شایسته است طلسمات دوستی و بیوستگی را مؤخر این ستاره
 سرخ است و وجه زحل است چون ماه در وی بود بکن طلسم
 نیکو و عمل خیر و هر چه بخواهی از وجه دوستی هم در وی منفعت

در بیان معرفت ستارگان ۱۹۹

هست و چون در مشا ^{اید این ستاره سعد است بقضاء}
 الحاجه بکنی گردانیدن آنها و دوستی و کثارتن و الله اعلم
 بتبیر چون خواص درجات و خطوط و کراکب و منازل قمر
 نموده شد در خواص ساعات سختی صله گفت میشود بدان
 ایضاً که در دکلمات بطلیسمی در بنیاس و صد بطاس واقع
 است که هر کاریکه قمر منصرف شود از سعدین متصل
 شود بعدی دیگر در این میان هر چه خواهند بکنند از
 اعمال خیر و هر گاه که منصرف شود بخش دیگر بکشد از اعمال
 شر هر چه خواهد حکماً این اخبارات کرده اند که هر چه
 خواهند برین ساعات عمل کنند چنانچه اگر خواهند که عمل
 عشق و محبت کنند بساعت زهره کنند و اگر بجمعه ن کنند
 که همه خلق او را دوست دارد و قبول گردانند اندر روز
 زهره بساعت عطارد کنند و اگر تعظیم و اجلال خواهند
 میان خلق باید که اندر روزان کنند بساعت زهره
 و ساعت قمر با جنان شود که نباید و اگر بجهت حاجب
 سلطان کنند که از او بپرسند و میخواهد که از خوف وی
 امین شود در روز و شمس کند که ماه مسعود باشد و
 بساعت مشتری بود اگر خواهد که او را بزرگت خلق

از مردمان اورا هیتی و خوبی باشد در روز مریخ کند و اگر از
 مهران کند تازن و مرد اورا دوست دارند و هر چه از ایشان
 خواهد بدهد اورا زهره کند ساعت مریخ و اگر دل کسی
 از عشق خود بسوزند باید که اندر روز مریخ کند ساعت
 زهره و اگر خواهد که کسی را نیکو هداند روز قمر کند و
 ساعت مریخ و اگر همیه ان کند که با در خصومت غلب
 اید اندر روز مریخ کند در ساعت زحل و اگر خواهد از
 جهت کرمختن از دشمن اندر روز زحل و ساعت عطارد
 و اگر از جهت نقل کردن از جای اندر روز زحل کند ساعت
 عطارد و اگر از جهت دشمنی سخت خواهد اندر روز مریخ
 کند ساعت مریخ و اگر جهت نقل کردن خواهد از خانه بخانه
 و کرباع و حالی نزدیک اندر روز مشتری کند در ساعت زحل
 اگر خواهد که کز کشاره نکرده اندر روز عطارد باید کرد در
 ساعت زحل و اگر بجهت حاضر کردن جن و ارواح خواهد
 بروز عطارد باید کرد در ساعت عطارد و اگر جهت رزق
 و معاش کند در روز زهره و یا مشتری کند اگر طلب بنده
 کرمیده و غیره طلسم کرد نامه در روز قمر باید ساخت و ساعت
 زحل از هر راندن و کرم برآیندن کسی که هر کرد در جای خود

در بیان مطالب مهمه

از برای تسخیر

از برای تسخیر مطلوب بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ یَا جَامِعَ
التَّائِسِ لِیَوْمِ لَا رِیْبَ فِیْهَا إِنَّ اللّٰهَ لَا یُخْلِیْفُ الْمِیْعَادَ إِجْمَعًا
بِیْنِیْ وَبِیْنَ فُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ اِنَّ آیه معظم را در صد و هفتاد
در در مرتبه به نیت تسخیر مطلوب بخواند اول و آخر صلوات
بفرستد با حضور قلب و تعیین وقت مجرب است و تعویذ

را بویید نزد خود باید راست فقط

ایضاً خاصیت سوره الم ترکیف از خواجہ معاد الدین نقل
است اگر کسی راضی بیسی آید باید که روز شنبه بوقت نماز
ظهر بکشد و پنجاه مرتبه بخواند البته مقصود حاصل شود
اگر کسی که خواهد رزق او از غیب پیدا شود هر روز بیست
مرتبه بخواند تا هفت روز رزق او از غیب پیدا شود
جهت محبت بر طعام پنجاه مرتبه بخواند بخوراند بکسی
انکس عاشق و مبتلا کرد و بی فرار شود و هر که هر روز
پنجاه مرتبه بعد از نماز فجر بخواند البته که رزق او روز

فراوان
سوره
الم ترکیف

بروز زیار شود انشاء الله تعالی اینست

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الْمَ تَرْکِیْفَ فَعَلَ رَبُّکَ یَا جِبْرِئِلُ
یَا اَصْحَابَ الْفِیْلِ یَا حَنَانُ یَا تَکْوِیْلُ الْمَ جَعَلَ کَیْدَهُمْ
فِی تَضْلِیْلِ یَا خَالِقُ یَا مَهْکَا یِیْلُ وَا رَسَلْ عَلَیْهِمْ طَیْرًا
اَبَابِیْلَ یَا شَهِیْدَ یَا هَوَا یِیْلُ تَرْمِیْمِ مِجَارَةً مِنْ بَیْطِلِ

فخیم

در بیان شناختن بروج ۲۰۳

شناخت
برج

فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ بَاعْظِمُ بِالْوَمَا يُبَلُّ نَمَتْ
 اَيْضًا حَلَّ نُورِ جُوزَا سِرْطَانَ اسَدَ سِنْبَلَه مِيزَانَ
 عَقْرَبَ قَوْسِ جَدَى دَلْوِ حَوْتِ وَرَعَايَتِ قَمَرٍ كَهْ دَر
 عَقْرَبِ وَتَحْتِ الشُّعَاعِ نَبَاشِدِ نِيْزِ ضَرُوْرَا سَتِ كَهْ دَرِ بِيْنَ
 رُوْزَهَا هَيْچِ كَارِ نَكْنِيْ وَ قَمَرِ دَرِ عَقْرَبِ اَيْنَتِ كَهْ مَاهِ دَرِ بَرَجِ
 عَقْرَبِ بَاشِدِ طَرِيْقَه اَيْنَتِ كَهْ مَاهِ دَرِ اَخْرَ مَاهِ دَرِ بَرَجِ
 مِيزَانَ بَاشِدِ وَ مَاهِ دَرِ هَرِ بَرَجِ بَاشِدِ وَ بِيْمَرِ رُوْدِيْ بَاشِدِ وَ رُوْزِ
 اَخْرَ مِيزَانَ كَهْ مَتَّصِلِ عَقْرَبِ اَسْتِ اِنْزَا طَرِيْقَه مِيْكَوْبِيْنِدِ
 وَ تَحْتِ الشُّعَاعِ اَخْرَ مَاهِ رَا كُوْبِيْنِدِ وَ حَسَابِ قَمَرِ دَرِ عَقْرَبِ
 وَ طَرِيْقَه اَز اِيْنَ بَيْتِ مَعْلُوْمِ مِيْشُوْدِ وَ اَكْرَسِيْرَ اَقْتَابِ خَبْرِ
 دَارِيْ بَيْتِ اَيْنَتِ

انچه از ماه شد مضاعف کن : پنج دیگر فرای بر سر آن
 هر بروی که افتاب در دست : بکن آغاز پنج پنج بر آن
 هر کجا منتهی شوند عدد ماه : انجام بود یقین میدان
 اَيْضًا مَشَاهِدَه كَرْدَمِ نَخْدَه حَيْبِ بُوْنَشْتَه بُوْرِ مَجْرَبِ اَسْتِ
 اَرَبِيْنْدِكِيْ مِيْاَنِ شَيْخِ اَحَدِ طَالِبِ بِيْاَرِخِ نَهْمِ هَرِ مَاهِ كَهْ بَاشِدِ
 دَرِ سَاعَتِ نَهْمِ بِشَاكِ وَ زَعْفَرَانَ وَ كَلَّابِ اِيْنَ نَقْشِ مَعْظَمِ

در بیان رزق و روزی

۲۰۴

را پو کرده در هر جا که نگاه دارد و برکت و نعمت و روزی
 بر او افزون تا باشد روزکوات و نصاب و غیره تا چهار روز
 چهار ساعت معین کرده هر چه میتواند بخواند برای فراخی
 رزق و روزی بسیار از نموده است اینست

الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط
۱۱	۱۸	۱۳	۷۴	۸۱	۷۴	۱۳	۱۸	۱۱
الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط
۱۶	۱۴	۱۲	۷۹	۷۷	۷۵	۲۴	۲۲	۲۰
الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط
۱۵	۱۰	۱۷	۷۸	۷۳	۸۰	۳۳	۲۸	۲۵
الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط
۵۶	۶۳	۵۸	۳۸	۴۵	۴۰	۲۰	۲۷	۲۲
الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط
۶۱	۶۹	۵۷	۴۳	۴۱	۳۹	۲۵	۲۳	۲۱
الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط
۶۰	۶۹	۵۵	۴۲	۳۷	۴۴	۲۴	۱۹	۲۶
الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط
۴۷	۵۴	۴۹	۲	۹	۴	۶۵	۷۲	۶۷
الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط
۵۲	۵۵	۴۸	۷۰	۵	۳	۷	۶۲	۶۶
الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط
۵۱	۴۶	۵۳	۶	۱	۸	۶۹	۶۴	۷۱

رد بیان کثایش کارها و رزق ۲۰۵

برای
فترت

نوع دیگر جهت فتوح و کثایش کارها و رزق با خود

۴۹	۵۹۲	۸۰۲	۴۹۷
۵۹۳	۵۲	۴۸۷	۲۱
۴۴	۱۰۰	۵۹۴	۵۱

وارد روزی او فراوان باشد
نوع دیگر فتوحات در شرف
شمس این طلسم را بنویسد
و در باره راست خود نگاه
دارد اینست

برای
وسعت
رزق

نوع دیگر روی من النبي
صلى الله عليه واله قال من
اراد ان يوسع عليه الرزق
ويبد عنه باب الفقر يكتب
هذا الدعاء ويعلقه عليه
او يكتبه في منزله او يقره

۵۳۲	۵۳۵	۵۳۸	۵۲۵
۵۲۷	۵۲۶	۵۲۱	۵۲۶
۵۲۷	۵۴۰	۵۳۳	۵۲۰
۵۳۴	۵۲۹	۵۲۸	۵۳۹

في كل يوم و ليلة ثلاث مرآة وهو هذا الدعاء
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ
يَا رَبِّ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اسْمُكَ
بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ أَنْ يَرْزُقَنِي رِزْقًا خَلَالًا لَا طَبِيًّا
وَاسِعًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِفَضْلِهِ
يُمِيتُ الْحَاجَاتِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ
النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

۲۰۶ در بیان جلب روزی و رزق

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ نمت

فزع دیگر برای رزق روزی این تعویذ و طلسم بنویسد
و در کیسه یا در دخل خود نگاه دارد بفضل الله تعالی هیچ

وقت خالی نماند اینست اتع اى اولئك يا ازا

الطول بسم الله الرحمن الرحيم يا اذ الطول ل ل ل ل ل

ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل يا اذ الطول

ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل يا اذ الطول يا

ا ا الطول يا اذ الطول وح ۱۰ ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل

۱۹۶	۱۹۹	۲۰۲	۱۸۹
۲۳۳۹	۲۳۴۲	۲۳۴۵	۲۳۳۲
۲۰۱	۱۹۰	۱۹۵	۲۰۰
۲۳۴۴	۲۳۳۳	۲۳۳۸	۲۳۴۳
۱۹۱	۲۰۴	۱۹۷	۱۹۴
۲۳۳۴	۲۳۴۷	۲۳۴۰	۲۳۳۷
۱۹۸	۱۹۴	۱۹۲	۲۰۳
۲۳۴۱	۲۳۳۶	۲۳۳۵	۲۳۴۶
۲۷۶۳	۲۷۶۶	۲۷۶۹	۲۷۵۶
۲۷۶۸	۲۷۵۷	۲۷۶۲	۲۷۶۷
۲۷۵۸	۲۷۷۱	۲۷۶۴	۲۷۶۱
۲۷۶۵	۲۷۶۰	۲۷۵۹	۲۷۷۰



در بیان ارز یاد جاه و منصب ۲۰۷

۲۱۲۵۱	۲۱۲۵۵	۲۱۲۵۸	۲۱۲۴۴
۲۱۲۵۷	۲۱۲۴۵	۲۱۲۵۰	۲۱۲۵۶
۲۱۲۴۶	۲۱۲۶۰	۲۱۲۵۳	۲۱۲۴۹
۲۱۲۵۴	۲۱۲۴۸	۲۱۲۴۷	۲۱۲۵۹

اَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي جَلْبَ الْأَمْوَالِ وَحُصُولِ الْأَمْوَالِ نَيْتِ

بجست
از یاد
جاه
و منصب

نوع دیگر از جهت ارز یاد جاه و منصب و دولت و ترقی
عظیم در امور دنیا و آخرت از خط احدی بونی مغربی صاحب
شمس المعارف کبیر باید که از روز یکشنبه که قمر زاید النور
باشد تا چهل روز متوالی قبل از طلوع افتاب غسل نموده
در برابر افتاب بایستد بهمین که افتاب طلوع کرد در صلوة
بر محمد فرستاده شود و سه مرتبه سوره و الشمس را
در برابر افتاب استاده بخواند بعد از آن پنجره این اسم
بخواند خطاب با افتاب کند و حاجت خود را بخواهد و قدرت

الهی را مشاهده نماید اسماء اینست

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْأَعْظَمُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
أَنْتَ رَوْحٌ أَنْتَ فَاعِلُ النَّهَارِ وَرَيْسُ السَّمَاءِ سُبْحَانَ

برای
بر آمدن
حاجت

مَنْ صَوَّرَكَ وَتَوَكَّرَكَ فِي زِكْرِ جَلَالِ بَابِكَ دَوَّرَكَ
نوع دیگر برای حاجت در وقت طلوع افتاب نقش بیا بیا

در بیان برآمدن حاجات ۲۰۸

یا باسط را نوشته در زیر آن نور است نگاه دارد و این
 تسبیح را اجب یا جبرائیل بحق یا باسط ۲۱۶ بار بخواند
 و آن از زانو کشیده بر سر نهد یا تقطیم تمام اول بر هر دو
 چشم نهد و بعد بر سر نهد بعد از آن نقش یا باسط
 هفتاد و مرتبه بکند و وقت برگردن از آجا تمام آنچه
 بتواند بخواند و در آب پاک بشوید و آن آب را در آب
 جاری که تو میروی در آن انداز تا هفتاد و دو روز این عمل
 کند بعد هر روز یک مرتبه نقش یا باسط بکند و در خانه
 خالی پنج مرتبه بنویسد از غیب باو برسد نقش یا باسط

نوع دیگر برای کثایش رزق این چهار
 اسم از نوره نام کشیده بر کاغذ بنویسد
 بیش خود نگاه دارد و بخواند البته
 رزق او وسیع شود ولیکن روز قمر

انیت ۴۱

۱۸		۶
۱۲	۲۴	۳۶
۴۲		۳۰

برای
 کثایش
 رزق

فَتَّاحَ	رِزَاقَ	غَنِي	كَافِي
۱۰۶۱	۱۱۰	۴۹۰	۳۰۷
۱۰۹	۱۰۵۸	۴۰	۴۹۱
۳۰۹	۴۹۲	۱۰۸	۱۰۵۹

بر ساعت قمر بنویسد
 مجرب است و از موده است
 والله عالم بالخفيات

شرح سوره زبور داود ۴

۲۰۹

شرح سوره زبور این سوره ایت از زبور که بدآور علیه السلام
آمده بزبان سریانی نقلت از این عباس رضی الله عنیه سوره
بزبان عربی نظم کرده و گفت من این سوره را خواندم تو ملکر
شدم ترسان بودم ایمن شدم فقیر بودم مالک شدم در دنیا
اینچه خواستم خدا تعالی عطا کرد و این سوره فاضلتی در همه سوره ها
زبور هر که این سوره را بخواند هر چه را دوست دارد مالک شود
و درجه او در درجات همه خلافت بلند کرد و خدا تعالی او را از ان
بندگان گرداند که در دنیا و آخرت از ایشان راضی باشد اگر بنده
خواند از اد کرد و اگر فقیر خواند غنی کرد و اگر زندانی خواند خلاصی
یابد و اگر از اهل وطن دور افتاده باشد بوطن خود بازگردد
و اندوه کین خواند فرج یابد و اگر کنه کار خواند خدا و را بخشد
و اگر بیمار خواند شفا یابد و اگر از سلطان ترسد ایمن شود و اگر
دشمنی افتاد باشد خدا او را خلاصی دهد و اگر این سوره را
بی طهارت بناید خواند در هر گاه حضرت داود این سوره را
خواندی گریستی و کوهها بادی بگریستندی و درختان سجده
کردندی و مرغان از پریدن بازماندی و ماهیان از دریا
بگنار افتادندی و کوش بازداشتند و هر گاه داود را غمی

۲۱۰ شرح روبر داود ۴

بیش آمدی این سوره را بخواند پس مسجدی کردی هنوز سر
 از مسجد بر نداشتی که محم او کفایت شود و الله اعلم
 چنین گفتند ما را اهل استاد : بروج پاک ایشان نور حق یاد
 که بود اندرز نوحی سبحان : مبارک سوره مانند رحمان
 بیا برگز خدا باد آوردش : ز نور قدسیان بگرنده بودش
 که فاروشن شود بر هر کسین روز : درین فیض کردد بر همه باز
 پس این نظم کرده ابن عباس : که او در علم بود افضل الناس
 روایت دیده ام دیگر از استاد : پس رحمت بروج را رویان یاد
 که با نظم این دعا از آسمانست : عرب را نیز این صورت عیانست
 بصدر رود صند پاک هویدا : نوشته بود این بر سنگ پید ا
 نه این از آدمی منقول گشته : نه از جن دملک منقول گشته
 پدید آمد نفوس از کلک تقبیر : بغیر از رحمتی تقبیر و تقبیر
 خدای کو چنین کند بر ارد : تواند نقش بر سنگی نگارد
 هر آن سومن که این منظوم خواند : ز نهر بیچ حاجت در نماند
 بروز حرب که خواند سپهدار : شود خلیف فخر و نصرتش بار
 چنان بگریزدان خصم از بری او : که نماید بار دیگر در بری او
 اگر بنزدیت بندی وی کشاید : چو بیماریست بر وی صحت آید

در بیان شرح سوره زبور داودی

۲۱۱

- شفا یابد اگر بخور خواند : بیاید و صل کر مہجور خواند
 اگر افتادہ خواند بر سری راه : سلامت بگذرد زانجا بصحرا
 و کرد در دشت هامون سم نالکاست : چو این خواند زافتہا چه پاک است
 اگر کمراہ خواند راہ یابد : و گرفتہ بخواند چاہ یابد
 و گرفتہ بود کرد تو انگر : میان مردمان مابشد مغر
 اگر بر دیو خواند آدمی زار : گرفتہ زین دعا آن دیو چون باد
 و اگر از پادشاہ خوف دارد : خدا اندر دلش مہری گمارد
 و گرفتہ شدی بر یا ماندہ باشد : روان گردد چو کس این خواند باشد
 و اگر از آسمان باران بنارد : بسوی آسمان دستی برآرد
 بخواند این دعا ابری برآید : کہ از دی ہر طرف ابی فرآید
 و سر باران ز باریدن نماند : بخواند این دعا تا بار ماند
 و اگر خواند کسی این را چہل روز : شود از بخت عوز در دہر فرود
 کسی کرد ایم این سورد بخواند : ہمیشہ در آمان از حق بماند
 بہر نیت کہ خواند این دعا را : روا گردد ہمیشہ حاجت او را
 دعایش رد نگردد تر و باری : بہت آرد امور شہر باری
 ہمیشہ مقبل و منصور باشد : جفا از دات پاکش دور باشد
 اگر اسناد این را باز خواند : نگرند منصرم حیران بماند

۲۱۲ شرح صوره ر بود داد ۴

با فزاين دعا خوانده گان بار : درودی مصطفی گو هست مختار
بخوان سگين يقين اکنون دعا را : بدان معنی باين منظومها را
بسم الله الرحمن الرحيم

أَنَا الْمَطْلُوبُ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي : فَإِنْ تَطَلَّبْتُ سِوَايَ لَمْ تَجِدْنِي
هر که هر روز چهل و یک بار بخواند صاحب نصیب گردد

منم موجودای طالب کجائی : چو در حضرت مادر بنیائی
بجوی غیر ما راهی گاهی : اگر شایسته درگاه مائی
راهی که خواهی یافتن تو : کنی با غیر من کس اشنائی

از برای طلب حاجات از پادشاهان سبده شصت بار بخواند

أَنَا الْمَقْصُودُ لَا تَقْصُدْ سِوَايَ : كَيْزُ الْخَيْرِ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

چون مقصود باشم هر دو عالم : بجوی غیر مای بنده هر دم
خلایق را منم خلاق بیشک : ز من موجود شه هوا و آرم

اگر جوی مرا فی الحال یابی : من این در را ایمان بر تو کشم
أَنَا الرَّبُّ الَّذِي يَجْزِي عَذَابِي : جَمِيعُ الْخَلْقِ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

من پروردگاری جمله موجود : ترا جز من نباشد هیچ مقصود
بزنند از عذاب من خلایق : خلایق را بجز من نیست معبود

اگر جوی مرا فی الحال یابی : که طالب نیست زین درگاه مردود

از برای

شرح سوره زبور داود ۲۱۳

از برای بزرگی و رفعت دو هزار بار بخواند

مَجِدُّنِي رَاحِمًا بَرَّارًا رَوْفًا : بِكُلِّ الْخَلْقِ فَأَطْلُبُنِي مَجِدُّنِي
روف و راحم و بر بر هر کس : منم موصوف این او صاف راس
اگر جوئی مرا فی الحال یابی : کسی مانع نخواهد بد ترا کس

از برای هشتم ظالمان هزار بار بخواند

مَجِدُّنِي وَاسِعًا لِلْخَلْقِ عَبْدِي : اَنَا الْمَذْكُورُ فَأَطْلُبُنِي مَجِدُّنِي
فراخی در جهان از من بیاید : امور ستها از من کشاید
من مذکور ذکر من هم کوئی : که کار تو ز غیری کی براید

اگر خشکین هستی باشد سجد بار بخواند

مَجِدُّنِي وَاحِدًا صَدًّا عَظِيمًا : كَثِيرًا الْبَرَّ فَأَطْلُبُنِي مَجِدُّنِي
کثیر الخلق دیگر کار سازم : عظیم الملك دیگر بی نیازم
اگر جوئی مرا فی الحال یابی : که من ستارم و بنده نزارم

از برای ظالمان هزار بار بخواند

مَجِدُّنِي مُسْتَعَانًا ثَابِتًا مَعِينًا : اَنَا الْقَهَّارُ فَأَطْلُبُنِي مَجِدُّنِي
منم یار درس در مانده گانزا : منم قهار و قاهر در جهان را
اگر جوئی مرا فی الحال یابی : منم رحمان هر غاصی و زانی

اگر دفع عینی چهار بار بخواند دفع شود

اِذَا اَنَا الْمُضْطَّرُّ قَالَ الْاَتْرَابِي : نَظَرْتُ اِلَيْهِ فَاَطْلَبْنِي تَجِدْنِي

اگر بیچارہ مضطرب ہو کر یاری طلب کرے : میں نے اس کو دیکھا تو میں نے اس کو طلب کیا تو میں نے اس کو پایا

بہ بینم در زمان سوش باعنا : کتم بر توھیتہ عز و منصب

اگر جوئی مرا فی الحال یابی : ایا مطلب تجھ میں نیت مطلب

اگر گناہ کبیرہ کر دے مابہ بسیار بخواند عفو کرد

اِذَا اللَّهْفَانُ نَادَانِي كَظِيمًا : اَقْلُ لَبِيكَ فَاَطْلَبْنِي تَجِدْنِي

کراںد وہی رسد مارا بخوانی : کتم لبیک کر چه توہ ندانی

اگر جوئی مرا فی الحال یابی : منم رحمان ہر عاصی وزانی

از برای امرزش نضرع درازی صد بار بخواند

اِذَا عَبْدِي عَصَانِي لِمُجِدِّي : سَرَّيْعُ الْاِخْتِادِ فَاَطْلَبْنِي تَجِدْنِي

کہند کاری اگر ارد گناہی : نیارد توبہ تا رسالی و ماہی

نکیرم در زمان او را بعصیان : دہم او را حکم خود پناہی

برای فرزند شدن بسیار بخواند از برای نور روز جمع ہزار بار بخواند

فَاِنْ هُوَ تَابَ تَبْتُ عَلَيْهِ عَبْدِي : اَنَا التَّوَابُ فَاَطْلَبْنِي تَجِدْنِي

پس انکہ گو کند توبہ گناہی : کتم بر دی بہ بخشایش نکاہی

چنان ملکی دہم او را بچنت : کہ نبود انچنان ملکی و شاہی

از برای حاجات بعد از نماز جمع ہزار بار بخواند بیشک ردا شود

وَمِنْ مِثْلِي وَاَيْنَ يَكُونُ مِثْلِي : وَ لَيْسَ يَكُونُ فَاَطْلَبْنِي تَجِدْنِي

شرح سوره رنور داد هم ۲۱۵

کبو مسلم کجا باشد نباشد : بجز من کس خدا باشد نباشد
اگر خواهی مرا فی الحال یابی : بجز من انچنان باشد نباشد

برای دولت و برای ظالم هزار بار بخواند

هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْآفَاقِ سَوَاءٌ : أَنَا الْمُنَافِقُ فَأَطْلُبُنِي مُجَدِّدِي

بیایستاب سوی من بزاری : که جز من خالق دیگر نداری

مجوی غیر من در پیکارهای : بخاطر ناامیدی را نیاری

از برای آتش روزخ سیصد بار بخواند

أَتَذَكَّرُ لَيْلَةً نَّأَدَيْتَ مِيرًا : أَلَمْ أَسْمَعْكَ فَأَطْلُبُنِي مُجَدِّدِي

اگر یادم کنی در شب نهادم : ترا از لطف حوز هر دم بخوانم

اگرجوی مرا فی الحال یابی : که من نزد یکتا هستم از رک و جان

در شب صد مرتبه بخواند هر حاجتی بطلبد بیاید

وَلَيْسَ يَجْلِبُكَ الْعَزْدُوسُ عَيْرِي : أَنَا الرِّزَاقِي فَأَطْلُبُنِي مُجَدِّدِي

ترا در جنت العزروس سکن : که می بخشد بگوای بنده جز من

اگرجوی مرا فی الحال یابی : ترا جز حضرت مانیت با من

برای ایمن شدن خوف خلافت هزار بار بخواند

أَهْلَ فِي الْخَلْقِ مَنْ يُعْطَىٰ جَرِيًّا : سَوَاءٌ لَيْسَ فَأَطْلُبُنِي مُجَدِّدِي

بجز من کس عطائی را نه بخشد : جهان مرا کدائی را نه بخشد

اگرجوی مرا فی الحال یابی : که جز من کس شغائی را نه بخشد

۲۱۴ شرح سوره زبور داود ع

بجهت توانگر شدن بیت هزار بار بخواند

اتَعْرِفُ غَافِرًا لِلذَّنْبِ عِبْرِي ۖ اَنَا الْفَقَارُ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

بخیز من ساری هرگز نباشد ۖ بجز من غافری هرگز نباشد

اگر جوئی مرا فی الحال یابی ۖ بجز من قادر هرگز نباشد

رای عم دنیا و اخرت بسیار بخواند

سَأَغْفِرَ لِلْعِبَادِي وَلَا اِيَّايَ ۖ عَذَابُ الْحَشْرِ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

بیا موزم بفرمای قیامت ۖ تمامی مومنان را از کرامت

تو باشی خورم و خندان در اینجا ۖ بدست میده هم ملک تمامت

اگر چه مهم خوف باشد بگذر بار بخواند

وَ اَكْرِمُ مَنْ ارَادَ بِالْاِحْسَابِ ۖ اَنَا الْوَهَّابُ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

کنم برتر هر کس را که خواهیم ۖ که من مجموع خلقی را پانم

اگر جوئی مرا فی الحال یابی ۖ بدین ای بنده من نیکو الیهیم

هر که پیوسته بخواند مرتبه او بلند شود

تَعَزَّزْتُ فَلَمْ تَرْفَعْ مِثْلِي ۖ وَلَسْتُ تَرَاهُ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

عزیزم من ترا عزت دادیم ۖ هدایت من بود هر خلق قائم

اگر جوئی مرا فی الحال یابی ۖ بجز ای بنده کردی چون بنایم

اگر بوقت با عداد صد بار بخواند نعمت بی پایان بیاید

وَ اَكْرِمُ مَنْ يَتَوَبُّ اِلَيَّ خَوْفًا ۖ لِي الْاَكْرَامُ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

زییم من اگر کردی بشمان ۖ نردد فاطمه هزار بار پریشان

اگر جوئی

شرح سوره زبور داود ع ۲۱۷

اگر چوئی مرا فی الحال یابی : که هر دو سوار من گردانم با سان
برای درد شکم صد بار بخواند برای طلب دنیا بعد از با صد هزار بار بخواند

لِي الْآلَاءِ وَالنِّعَمَاءِ عَبْدِي : لِي الْخَيْرَاتِ فَأَطْلُبُنِي مُجِدِّي
مرا ای بنده نعمتها تمام است : کنم و اصل بنو هر صبح و شام است
ز من خیرات جاری هر زمان است : نگر انعام من بنده که عام است

از برای غایب صد بار بخواند
لِي الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا جَمِيعًا : لِي الْمَلَكُوتِ فَأَطْلُبُنِي مُجِدِّي
مرا ملکیت این دنیا و ملکوت : مطیع من بود تا سوة و جبروت
اگر چوئی مرا فی الحال یابی : کسی در ذکر من شوگاه لاهوت

از برای کرامت شدن صد بار بخواند
اعْرِفْ مَنْ لَهٗ اسْمٌ كَاِسْمِي : اَنَا الرَّحْمَنُ فَأَطْلُبُنِي مُجِدِّي
چو نامی من کسی را نام نبود : بجز من هیچکس علام نبود
منم آن مهربان که رحمت من : جوان و پیرو بی انعام نبود

اگر بفقرو فاقه مبتلا شود بسیار بخواند
اَنَا اللهُ الَّذِي لَا شَيْءٌ مِثْلِي : اَنَا الدَّيَّانُ فَأَطْلُبُنِي مُجِدِّي
جاندم من کسی باشد نباشد : بجز من کو کسی باشد نباشد
اگر چوئی مرا فی الحال یابی : چو من دانا کسی باشد نباشد

در جهت بزرگی و رفعت پانصد بار بخواند
اَنَا الْمَلِكُ الْمَوْلُوكِ وَكُلِّ مَلِكٍ : لِي الْمِيرَاثِ فَأَطْلُبُنِي مُجِدِّي

۲۱۸ شرح سوره زبور داود

منم شاهی همه شاهان دروران ؛ مرا میراث باشد جمله زایشان
اگر جوئی مرا فی الحال بایی ؛ چو میراثم چه سان کردند پریشان
از برای دفع قرض سیصد بار بخواند

أَنَا أَفْتَى الدُّهُورَ وَقَبْلَ قَبْلٍ ؛ وَبَعْدَ الْعَبْدِ فَأَطْلُبُنِي مَجْدِي
بقا نبود کسی را جز که مارا ؛ کنم پیرا بعالم چون فنا را
اگر جوئی مرا فی الحال بایی ؛ برای رحمت دیگر عطارا

از برای خلاص شدن محبوس سیصد بار بخواند
أَنَا الْوَهَّابُ يَا عَبْدِي سَرِيًّا ؛ وَفِي الْعَهْدِ فَأَطْلُبُنِي مَجْدِي
کنم دایم همه ندبیرهارا ؛ کنم من عفو هر تقصیرهارا
من بر عرش مستوفی همیشه ؛ بکلمت کرده ام ندبیرهارا

از برای محبت مردودین هزار بار بخواند
أَنَا الْغَزْدُ الْمُدْبِرُ فِي عَرْشِي ؛ بِلَا التَّكْلِيفِ فَأَطْلُبُنِي مَجْدِي
مگر عهد من هرگز شکسته ؛ به مومن عهد من پیوسته بسته
کسی کورایم این سورد بخواند ؛ همیشه در آمان حق جانند

وَأَرْحَمُ مِنْ عِبَادِي عَنْ عَصَانِي ؛ جَعَلَ مِنْهُ فَأَطْلُبُنِي مَجْدِي
هر که بسیار خواند این را همه کس بروی سران در رحیم شوی
أَعْرِفَ مِنْ لَهْ أَسْمِ كَاتِبِي ؛ إِنَّا الرَّحْمَنُ فَأَطْلُبُنِي مَجْدِي
بر که را از بنی رسد مبت و بلیبار بخواند در دست خود دمد

شرح سوره زبور داود ۴
۲۱۹

اعْرِفْ مَنْقِدًا غَيْرِي سَرِيعًا : مَنِ الْهَلَكَاتِ فَاطْلُبْنِي مَجْدِي

هر که در هلاکت افتد بجاها بار بخواند عذابش شود

اعْرِفْ مَنْ يَقِلُّ لِلشَّيْءِ غَيْرِي تَكُنْ فَيَكُونُ فَاطْلُبْنِي مَجْدِي

هر که هزار بار بخواند هر حاجت که خواهد در کن فیکون روا شود

اعْرِفْ سَائِرًا لِلْغَيْبِ غَيْرِي اَنَا السَّتَارُ فَاطْلُبْنِي مَجْدِي

هر که را غایب باشد چهل و یکسوت بخواند غایب را در خواب ببیند

اَنَا الرَّبُّ الَّذِي لَا ظُلْمَ عِنْدِي : وَلَسْتَ اجْرُؤًا فَاطْلُبْنِي مَجْدِي

تَلَا يَجِيكَ يَا عَبْدِي سِوَايَ : مِنَ النِّيرَانِ فَاطْلُبْنِي مَجْدِي

هر که در وقت سحر این را بسیار بخواند از دوزخ نجات یابد

مَجْدِي فِي سَجُودِكَ حِينَ تَدْعُو : وَحِينَ تَقُومُ فَاطْلُبْنِي مَجْدِي

هر که در سجود سیصد بار بخواند مرادی که داشته باشد روا شود

مَجْدِي فِي سِوَاكِ اللَّيْلِ عَبْدِي : قَرِيبًا مِنْكَ فَاطْلُبْنِي مَجْدِي

هر که در بیابان تنها مانده باشد چهار صد بار بخواند امن شود

اَنَا الْعَبْدُ ارْحَمَ مِنْ اَخِيَرِ : وَمَنْ ابْوَيْهِ فَاطْلُبْنِي مَجْدِي

هر که از پادشاه یا ظالمی ترسد با نصد بار در مقابل او بخواند

اَنَا الْمَلِكُ الْمُهْتَمُّ جَلَّ قَدْرِي عَظِيمَ الْقَدْرِ فَاطْلُبْنِي مَجْدِي

هر که ده هزار بار بخواند در میان خلافت عزیز و کرم شود

۲۲۰ در بیان فالنامه در علم رمل

أَنَا الْمَعْبُودُ لَا تَقْبُدُ سِوَايَ : إِيَّا الْجِبَارَ فَأَطْلُبُنِي تَجِدُنِي
هرگز آبنده اگر بخینه باشد هزار بار بخواند بر کرد

کسی کو در ایم این سوره بخواند : همیشه در امان عن بانه
اگر خواند کسی این را چهل روز : شود از بخت خور در هر فرود
دعایش رونگرد نر ز باری : بدست از داور شهر باری
همیشه مقبل و منصور باشد : بلا از ذات پاکش دور باشد

تمت

فالنامه رمل بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

باید که چهار سطر نقطه کشد و دو طرح کند اگر یک ماند
فرد و اگر دو ماند زوج گیرد یک شکل پیدا شود بران حکم کند
..... لعیان مشتری است و شکل اول ایثائل


برای سفر رفتن خوب است فایده یابی و از مردم کلان نفع
است و از جای چیزی رسد که باعث خوشی و قتی و راحت
و مرادها باشد و غایب تو بطرف مغرب است و کر بخینه رود
آید و خواب که دیده تعبیرش نیکوست و بیمار را نظر پویان است
برنج و شکر صدقه دهد صحت شود بز فتن الداخل

در علم رمل
لعیان
.....

فتن
الداخل
.....

منس است و شکل دوم ایثائل بشارت بار اندیشه
دل تو نیکوست بمراد خودرسی و سعادت یابی در طالع

انقر

فراغت است و بر محبوب زنی یا غایبی که دل تو با او نگران است
 سعادت های بسیار دست دهد و طلب مال نیک است بر روزی
 حاصل شود اگر آرزو کرده خدائی داری نیکو است مراد تو بر آید
 جهت سفر مبارک است از جمیع نیکی رسد اگر حیوان خواهی بگیر فائده
 دهد و بر روز یکشنبه از احوال ضمیر واقف کردی و بعد از نذر روز عید
 رسی و فسادی نباشد محبوس و حامله خوف دارد و بیمار را نظر
 دیوان و پریان شده است حبت و نقره صدقه دهد صحت شود
 رتبه قبض الخارج ذنب است و مشکلی سیوم اینان دلیل این
 است که از نظامان جو رو ستم دیده باشی تلف مال شود بعد از
 چند روز کار بالا شود و دشمنان مغرور شوند و دوستان شایسته
 گردند چندی صبر کنی شتابی مکن بعد هفته کا تو نظام گیرد و از
 غم خلاصی یابی از رنج بسیار غم مخور که کارهای تو نیکو شود
 جهت غایب که دل تو نگران است رؤد برسد عزم سفر مکن
 خوب نیت کم شده و گریخته را مشکل بود که بدست آید بی شمار
 را نظر دیوان و پریان است حبت و نقره و برنج صدقه دهد البته
 صحت شود جهت علم مرو کم حاصل شود اگر سؤال زن کردن
 است صبر کن محبوس خلاص شود چون ترا کسی رنجاند
 صبر کن تا نصرت یابی آخر الام  جماعت عطار دست

قبض الخارج

جماعت 

۲۲۲ در بیان علم رمل

و شکل چهارم ایسائل اکنون دل شاد کردی و مشورت بادوستان
 و اختلاط با مردم می بینم اگر غم رسیده باشد حالا خلاصی یابی
 از بهرام ملاک و میراث جمعیت می نماید زراعت نیکو است کا
 رهای تو درست کرد اگر سؤال از سفر است نیکو می نماید
 غایب تو بزودی برسد بیمار اسبب کاهل یافته در چهار راهی
 قدم برد فینه چیزی سبز و پنبه و نیشکر صدقه دهد صحت
 یابد کسی میخواهد که با تو دوستی کرده ترا باری دهد حدیث کن
 روز چهارشنبه احوال ضمیر معلوم خواهد شد و بعد بیت روز
 بد نما خواهد رسید عروسی و تحصیل علم را نیکو است جمعیت دست
 دهد محبوس و حامله در بخور و را بد است و اغلب که حامله دختر
 زاید فرج زهره است و شکل پنجم ایسائل بشارت باد
 که از عمها دسی و مقصد حاصل شود چهار روز صبر کن از غم
 بیم کردی و هر چه طلب داری بیای حق سبحانه و تعالی در بسته بر
 تو بکشد و دلیل مراد یافتن است روز دیند احوال ضمیر معلوم
 شود طلب فرزند نیکو است حاصل شود فرحت دست ابد
 سفر کردن خوب نیست توقف کن و از تجارت مال حاصل کن
 و کم شده و کریمه بازاید دشمنان مقهور شوند و ترا فتح دست
 دهد بیمار نظر بر آن شده با رچه سفید برابر قدر حتی و طعام
 و طعام

فرج زهره

در بیان علم رمل

۲۲۳

و طعام نظر پر بیان دهد رنجور و امید و حامله و غایب را نیکو است
 وزن کردن عشق بازی است \equiv عقله زحل است و شکل ششم
 ایسانل دشمنان تو بسیار اند میزاهند بر توافقی رسانند و نمی توانند
 اشفتگی و سرگردانی بسیار بر تو رسیده است صبر باید کرد و کجند
 سیاه و غله سیاه صدقه بده تا از بلاها خلاص شوی و غم مخور
 کارهای تو نیک خواهد شد عزم سفر مکن و غایب تو رسد و نکاح
 و شرکت کردن را نیکو است بیمار را نظر کهرتربال است کاومیش
 و روغن سیاه و آهن و ساو و ماش صدقه دهد صحت یابی از
 هر جماعتی که ریغ کشیده باید که از شخصی رزد کونه حذر کنی و
 از شخصی کتدم کون که میگوید قبول کن که نیکو خواه است تا براد
 رسی و خرید و نکاح و معاملات را نیک است و بنده را بدست
 اند و رنجور و حامله سخت زاید \equiv انگیس زحل است و
 شکل هفتم ایسانل کار تو بسته و ریغ بسیار کشیده میگوی که
 کار من چگونه شود چند روز صبر کن اما دل خوش دار بعد اراده
 روز کار نیک کرد و برادر رسی و بیغم کردی از سفر ناامل کن
 و غایب تو رسد و از بهر نکاح و شرکت کردن نیک است اگر
 سوال مال بطور مشکل بدست آید از دوستی دوستان حذر کن
 و از دشمنان نیز و رنجور در خطر نظر سنک است غله سیاه و

۷
 انگیس
 \equiv

و ماش و روغن کنجد سیاه و قلوب سیاه صدقه دهد صحت
 یابد روز شنبه از احوال ضمیر واقف کردی و دقت خرد را بسلامت یابی
 بیمار و حامله را مشکل است اما نیکو خواهد شد جهت خریدن ملک
 و چهار پایه وزن گرفتن بعد از ده روز نیکوست حیره مرغ
 است و مشکل هشتم ای سائل مراد دیر حاصل شود دلیل بر چنگ و
 خصومت واقف دفتنه انگیزی است باید که ازین اندیشه دور
 باشی صبر کن زیرا که ظالع توبه است بعد از یک ماه نیکو
 کرد قومی که با تو مقاومت دارند فساد بر پا کنند بی تعویز نباید
 بود که دشمنان بر تو ظفر نیابد و از غم بیرون آئی و سفر را بدست
 مرد کار بسته دال و مخور و در چوب و پارچه بیمار صدقه دهد
 صحت یابد طریق قمر است و مشکل شانزدهم ای سائل اگر نیت
 سفر داری مال داری آید غایب رود برسد در خریدن
 و فروختن منعفت یابی زن خواستن و عشق باری کردن بسیار
 نیک است نوزده روز صبر کن بعد از بهر مرادی که داری بر آید
 در بخور و محبوس و حامله در بیکر امید را بعضی بهتر و بعضی خدا
 وند همه بیمار را دخل اسبب درد کم بود طعام شربین پخته صدقه
 دهد صحت یابد والله اعلم بالصواب خب

حیره

حیره

فصل در حاضر کردن پادشاهان و غیره چون خواهد که هفت
 پادشاهان جن را حاضر کنی و هر چه گوی بعلی آرند در ملک هر
 که رعیت هر که باشد آن را حاضر کرده بسوزند پس باید که
 این فلیته را نوشته در چراغ نو آب نارسید از پنبه نوبیحیده
 باروغن تلخ بوزن و آثار درخاته خالی و پاک و طرف جنوب
 از کلی پاک کنه در کر در رسید و یک سبوحه اب نارسیده
 و از کون کرده در آن لیده نگاه دارد و بالای آن سکوره
 اب نارسیده بنهد و روی فلیته طرف شمال کرده در آن
 سکوره مدارد و قدری کل خوشبوی بیش فلیته اندازد و
 بخورات دیگر بسوزد و مریض را مستقبل فلیته نشاند که
 از گوشه چشم سوی فلیته معید معیدیده باشد بعد روغن
 مذکور انداخته فلیته روشن کند و خود نشسته بعد از یک و
 ساعت قدری روغن خوشبوی بر شعله فلیته انداخته و
 دعوای بر خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و دعای
 حضرت سلیمان بن داود علیه السلام و بزکان دیگر بدهد
 و بگوید که هر اسبی و بلای که در وجود فلان بن فلان از
 ارمیده در بن فلیته حاضر کرده بسوزانید پادشاهان حاضر
 شده هر چه خواهد بود خواهد سوخت و سوال و جواب خواهند

۲۲۴ در بیان دفع صرع

کرد این است یا طیور یا طیور یا دیوسا یا دیوسا فرعون
ها مان نمرود شدار الاخفی دریدح اسدا اصل حلوم ۴۴
 ولا طور دملها سارکة بحق و اطوان العین و اهرب یا طیطوا
 یا طیطوا و سلمها یا طیوسا فیو یا طیور یا طیور یا دیوسا یا دیو
 سا فرعون ها مان نمرود شدار الاخفی دریدح اسدا اصلی
 حلوم ۴۴ ولا طور دملها سارکة بحق و اطوان العین و
 اهرب یا طیطوا یا طیطوا و سلمها یا طیوسا فیو یا طیور یا طیور
 یا دیوسا یا دیوسا فرعون ها مان نمرود شدار الاخفی در
 یدح اسدا اصلی حلوم ۴۴ ولا طور دملها سارکة بحق
 اطوان العین و اهرب یا طیطوا یا طیطوا و سلمها یا طیوسا فیو
 سو ختم ریران و پریان و جنان و جنیان و چو کینان و خبیسان
 و مخنثان و عفر بیان و مفرعون نوشته دینر و سحر و سواس و
 کرده و تلبیس و ارواح خبیث و جمع شیاطین که در وجود فلان
 بن فلان عادت و مستولی شده باشد درین فلیتها در آید و
 بسوزد این فلیته را نوشته بدستور سابق در روغن کچند
 و روی فلیته طرف جنوب کرده و پشت طرف بر دیوار و مریض
 رو بروی فلیته بشیند و بسوزاند و دیگر شرایط بطور فلیته سابق
 است یا در شاه آید حاضر شود و هر چه بن بسوزاند در مریض

در بیان
و جوان

در بیان دفع صرع

۲۲۷

سؤال و جواب نماید و الله اعلم

در بیان دفع صرع
و در بیان دفع صرع
و در بیان دفع صرع

در بیان دفع صرع
و در بیان دفع صرع
و در بیان دفع صرع



مقدمه		ما کیوت	
الوان		لوردن	
۱	۱۱	۱۹	۳
۱۰	۱۲	۹	۱۴
۱۸	۴	۱۱	۸
۵	۲۱	۶	۲۰
۱۲	۷		

این عمل را در
کشتی یا در
بجای دیگر
انجام دهید

فلکوفها هم
والوردن
ابلیس است
و جنود
مولاان حاضر
ایدورنچه در وجه فلان
بن فلان رحمت و عدت درین
قلب و چراغ حاضر گزیند بوردند العجل العجل العجل
التاقه الساعة الساعة الراع الراع حاضریند و بوردند

این فلیتیه را نوشته در چراغ نوکلی کرپینه نو بچید. با
روغن تلخ و روی فلیتیه طرف مشرق و در بعضی مستقبل
قبله بشیند دیگر شرایط بدستور مسطور صدر است
بوزاند و شاه اید حاضر خواهد شد هر چه جواب شود

این عمل را در
کشتی یا در
بجای دیگر
انجام دهید

۲۲۸ در بیان دفع صرع

حواب خواند سوخت اگر در اول فلیته کار تمام نه شود مکر هفت
فلیته بعل ارد ما بین نقش این عبا را نوید این است

مجن جبرئیل

	۸	۱۱	۷۳	۱
مجن در آیتیل	۷۱	۲	۷	۱۲
	۳	۲۴	۹	۶
	۱۰	۵	۴	۲۲
مجن بنامجل				

مجن رما نیل

بر آسیمی که از جن و جنیان و دیو و پری و چور باب و سحر و جادو
در وجود فلان بن فلان و حال نموده با انواع ازار میرساند نو که برعت
تمام درین فلیته در آورده بنه دل جیبی نموده بسوزانند که عسرت
بر دیگران گردد و مریض بیچاره را صحت عجل و شفای کامل آید
الجل الجمل الجمل مجن اهتیا شرا هیئا

این فلیته نوشته در چراغ نو بار و عن تلخ پاندها در مخلوط بچیده تمام
با شرایط بالا رو به قبله بسوزانند و مریض رو بر فلیته نشیند و
به بیدار هر چه شد حاضر شده بسوزد این است طسم در صغم منابلا
بدستور مذکور بر دختر نابالغ و یا طفل نابالغ بکنند لهین نقش
را نوشته در خانه خالی سیاهی پر کند چنانچه رو در آن نماید
و خود این آیت کریمه خواند بر دست او دمیده باشد پادشاه
جن حاضر مولد شد ایت ایت دلسیمان الریح غد وعا
شهر

در بیان دفع صرع ۲۲۹

شهر و رواحها شهر و اسناله عین القطر وعن الجین من یعمل

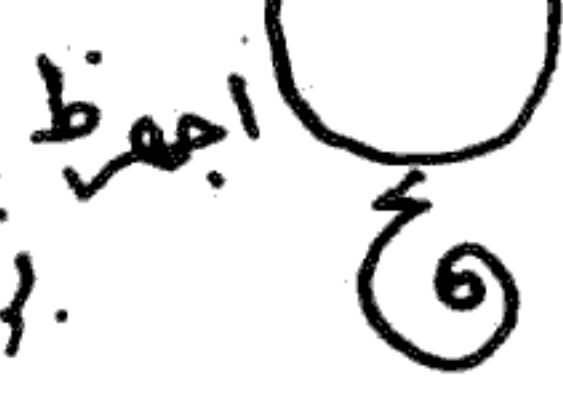
افست علیکم
باید در این
روز و چو در فلان
فلان باشد سر نشسته
و بعد از آن

مخ اجهزط

۱۴	۱۹	۱۲
۱۳	۱۵	۱۷
۱۸	۱۱	۱۶

بسیار در این
روز و چو در فلان
فلان باشد سر نشسته
و بعد از آن

افست علیکم
باید در این
روز و چو در فلان
فلان باشد سر نشسته
و بعد از آن



بسیار در این
روز و چو در فلان
فلان باشد سر نشسته
و بعد از آن

بین ید هیه به اذن و من یزغ منهم عهد امرنا ند قد من عذاب
السیر احضروا احضروا محق سلیمان بن داود علیهما السلام
العجل العجل العجل الساعه الساعه الساعه الرخا الرخا الرخا
نقش اینست

نوع دیگر حاضران دیگر باید که
روز یکشنبه اول ساعت شروع کند
و عود و لبان در وقت خواندن مجور
نماید و هر روز بیت و سر مرتبه
مخواند وقت معین نگاه دارد بعد

	۳۶	۲۰	۱۴
۲۲	۱۲	۲	۳۴
۱۰	۱۶	۴۰	۴
۳۸	۶	۸	۱۸

از فراغ فاتحه بر خوانده بکار دیند و سوره سبأ را دوسرا

۲۳۱ در بیان دفع صرع

مشغول شود تا بیت دسه روز بعدا هر کامیکه یکنقش مثلث
 نوشته در خانه پنجم سیاهی پر کرده دختر نابالغ طفل بدستور
 طریقی مذکور صدر نماید پادشاه حاضر خواهد شد هر خبر
 خواهد پرسد و هر کار که بگویند بکنند و جواب با صواب دهد
 لاکن در هر روز بود مذکوره که بیت دسه باشند بعد ناظر
 بگذارند عزیمت اینست عَزَمْتَ عَلَیْكُمْ یا هو زوه شاه یا قر
قَلِیْلًا قَدْ سَفَا هَا تَنْصُرُوْا عَلٰی غِیْبِ لِرَعْلِیٰ بِشَاوِ اِرَادِ اللّٰهِ
بَاذْنِ اللّٰهِ عِنْدَ اللّٰهِ اَحْضَرُوْا مِنْ جَانِبِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغَارِبِ اَحْضَرُوْا
مِنْ جَانِبِ الْمَجْنُوْبِ وَالشَّمَالِ اَحْضَرُوْا اَحْضَرُوْا اَحْضَرُوْا بِحَقِّ
سَلِیْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَیْهِ السَّلَامُ نَقَشْ مَذْکُوْرَ اَیْنِیْثِ

۲	۹	۴
۷		۳
۶	۱	۸

نوع دیگر حاضران سلیمان شاه اول
 جای پاک از کل پاک سه چهار کز پست
 کند بعد هایک چادر سفید پاک بران
 فرش نماید دختر نابالغ یا طفل بران

نشاند و مجوزات خوشبو بخور کند و از کل خوشبوی در گلوی آن
 دختر یا طفل اندازد بعدها در هفت مرتبه و تا تکفیل و یا
 اسرافیل هفت بار خوانده این آیت کریمه را بر پنج ساهم بوزن
 یک مثقال چهل و یک بار بخواند و این آیت کریمه صد و بیجاه
 بار برین نقش خوانده دم کرده بدست دختر دهد و در

سیاهی

۲۳۱

در بیان دفع صرع

سیاهی به نماید و خود بر آن برج چندانه گرفته ایت مذکوره
را خواند بر سر دخت خریزیده ایت که بر برج بخواند اینست
يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّ اسْتَنْطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ فَيَأْتِي
الْأَيُّ نَبِيَّكُمْ تَكْذِبًا وَإِيتَ بِرِنَقَشِ بَخْوَانِدِ ائِنِيت قُلْ أَوْحَى
إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ عَزَمَتْ عَلَيْكُمْ اللَّحْمُ بِأَعَالِمِ
الْقَبْرِ وَكَرِهُوْا دُجَاهَ بَارِكْ بَخْوَانِدِ بَهْرَاسْت نَقَشِ ائِنِيت

۸	۱۱	۱۴	●
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

سابق العمل از ولیکن اینهای
مذکور خواندن هست این نقش
را در دست داده این عزیمت
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ الْجَنَّةِ

وَالْإِنْسِ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى عَزَمَتْ عَلَيْكُمْ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ
وَأَصْحَابِ الْأَرْوَاحِ فَتَحُونَ فَتَحُونَ فَتَحُونَ جَبِيكَ جَبِيكَ الْمِيمِ الْمِيمِ
فَكَاتِفَا السَّالِيبِ سَالِدِ وَسُورِ وَسُورِ أَكْهَلَا
كَهَلَا مَهَلَا مَهَلَا سَهَلَا سَهَلَا حَاضِرَا حَاضِرَا سُنْجَا سُنْجَا
شَدِ بَاسِدِ يَابِجِ خَاتِمِ سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحْضَرُوا
أَحْضَرُوا يَا أَصْحَابَ الْجِنِّ وَالشَّيَاطِينِ وَأَحْضَرُوا مِنْ جَانِبِ

۲۳۲ در بیان دفع صرع

المشاق والمغارب ومن جانب الجنوب والشمال بحق
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ بِدْرَايَ شَاهِ اسكندرية حاضراً
شو حاضر شو حاضر شو يا عقبا بئيل نقش عزيمت شاه اسكندرية

آیت

۶۵۲۴	۶۵۴۷	۶۵۲۲	۶۵۱۷
۶۵۲۱	۶۵۱۸	۶۵۲۳	۶۵۲۸
۶۵۱۹	۶۵۳۴	۶۵۲۵	۶۵۲۲
۶۵۲۶	۶۵۲۱	۶۵۴۰	۶۵۳۳

نوع دیگر این نقش
برای دفع دیو و پری
و جن روزه هفت
قلیم نوشته در هفت
جراع دان بسوزد
و هر بلای که باشد

سوخته شود و بفرمان خدا تعالی قلینة آیت

۱۵۳۶ س ا ع ا س و ع ف ک ی ک ب و ا ق ب ه ا ه م و الن ع ا ر ن

و ضرور ابلیس اجمعین اول چون این نقش پر کند اول

هفت بار در بخواند بعد از آن هفت بار یا تنکفیل

یا اسرافیل بخواند بعد این آیت کلام الله بخواند تا که بریان

حاضر آیند بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ أُوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْمَعُ

نَفْسٍ مِّنَ الْجِنَّةِ عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ بِأَمْرٍ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّ

اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا

۲۳۳

در بیان دفع صرع

لَا تَقْدُونَ إِلَّا سُلْطَانَ فَبَاتِي الْإِلَهِ رَبِّكَ تَكْنِي بَاتِ عَانِه

7	۱۱	۱۹	
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۱۹	۶
۱۰	۴	۴	۱۴

یا ایسا افیل

چو درل و بهوت و خبت یا تنکلیفیل

اول را سیاه پر کند و بدست
 مریض بد هد که در آن سیاه
 نظر کند و نقش اینست
 نوع دیگر دفع دیو و پری

و غیره این فلیتیه بر کاغذ با پر پارچه نوشته در چراغ دان
 بسوزد و روی اسب زده نگاه دارد و اگر چو کنی با جن هر
 چه باشد در چراغ حاضر آید خواهد سوخت بکرم الله تعالی
 مریض را صحت یابد فلیتیه اینست یا طبور یا طبور یا دیوسا
یا دیوسا فرعون و هامان و نمرود و شداد الجن و ربیع
اسراملی حلوم سو سو ۱۱۶ طوا سار که بحق و اطون
الجن و اهری یا طیطوا یا طیطوا و سلها یا طبور افنو
 نوع دیگر برای دفع دیو و پری و غیره این فلیتیه بر جامه بنویسد
 و در بینی دود کند اسب حاضر شود اینست

دا ۷۵۸ ۷۵۹ ۱۱۵ ص ۷۸۴ دو م م ر ر ر ر در

۲۳۴ در بیان دفع صرع

نوع دیگر برای صرع این فلیته بردستگر از موده مجرب برای
 سوختن فلیته حضرت میران چون فرعون لعین نمرود لعین شداد
 لعین هانان لعین نمرود لعین شداد لعین هانان لعین عالج
 بین علوج لعین حاس لعین اجعین خالد اخلد افضعد عبد
 و اتم کل شیطان مارد بین فالدار احر قوانا هم میزان فیروز
 میزان سید دمه که در وجود فلان بن فلان باشد در بین فلیته
 چراغ آمده بسوزد و حاضر شود و جواب گوید بحق علیقا
 ملیقا انت تعلم ما فی قلوبهم طایقا هر بلائیکه باشد بسوزد
 بحق الوحا الوحا الوحا العجل العجل العجل الشاعة الشاعة الشاعة

	۷	۱۱	۸	۱	۴
	۶	۹	۲	۱۳	۱۲
۵	۱۰	۱۵	۱۴	۱۶	۳

نوع دیگر برای حاضر آوردن است بدست اسبب
 زده بدهند روز حاضر اید اینت بسم الله الرحمن الرحیم
 احب یا عزرائیل یا میکائیل یا اسرافیل یا جبرائیل یا
 یا عزرائیل حاضر شود نقش اینت در مابلی نوشته شده است

در بیان دفع صرع ۲۴۵

ط	ا	س	ع	۹
۱	۲	۳	۴	۵
۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

ط ا س ع ۹
 ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
 ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰
 ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵

ط ا س ع ۹
 ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
 ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰
 ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵

نوع دیگر اگر کسی را دیوانه گرفته باشد و عاجز کرده باشد
و نمی داند چه کند این دعا را نوشته در کردن آن مریض به بندد

و	۸	۶	۴
۳	۱۲	۵۲	۵۴
۳	۴	۱۴	۴

و شفا نیابد از سوره است

نوع دیگر این بسته را بنویسد
بر کاغذ یا بر جامه و در چراغ

افروز روی بسوی جانب مریض کند آن دیو و پری و با
جن و جکنی خواهد بود در میان چراغ مذکور بالشکر حاضر
خواهد شد و خواهد دید چنانچه افروز همچنان مریض را صحت
خواهد شد بفرمان خدا تعالی پلینه ایست

یا طَبِیْرُ یا طَبِیْرُ یا دِیُوْسَا یا دِیُوْسَا زِعُوْنَ هَامَانَ نَمْرُوْدَ
سَنَادَ الْاِخْفِیْ دِرُوْعِ اسْدَامِیْ حَلَقُوْمِ عَوْعِ وَا
طَوْرًا مَلْهًا سَا رَکْهَ بِحَقِّ وَا طَوَّانِ الْعِیْنِ وَا هَرَبِ
یا طَبِیْطُو یا طَبِیْطُو رَسَلْبًا یا طَبِیْطُو سَا قَمُوَا نَسَ

در بیان صرع زده

۲۳۷

بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ

نوع دیگر اگر کسی را دو مضرت رسانند این تعویذ را نوشته
اورا بنماید و بود دفع شود

صراط لالا لالا لالا

این چهار نام بر دست

خود بنویسد و دیورده

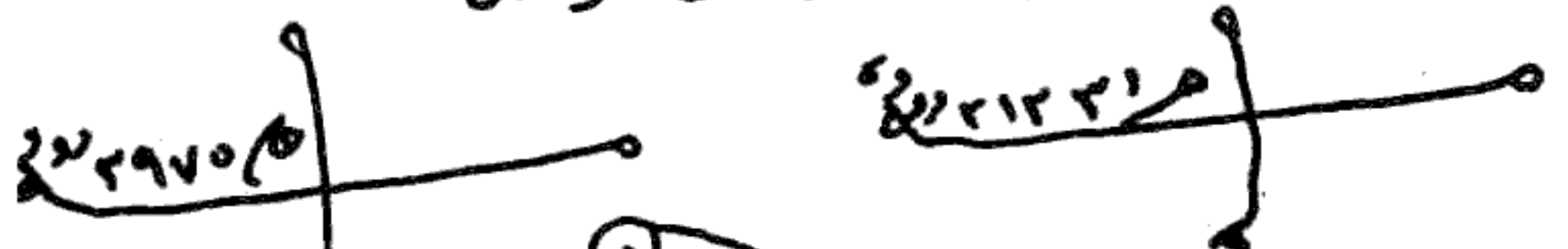
و صاحب سایه را بنماید

دیو و پری بگریزد

یا ابراهیم یا موسی یا محمد یا عیسی



نوع دیگر برای یافتن اسبب نوشته صاحب مریض را بنماید
اگر اسبب باشد مجرد نظر کردن بوی کاغذ سر برهنه کند
و چنان کردن بار شود که سرگشتن نتواند



۴	۱۴	۱۵	۱
۹	۷	۶	۱۲
۵	۱۱	۱۰	۸
۱۶	۲	۳	۱۳



۲۳۸ در بیان هلاک دشمن

برای هلاک دشمن اگر کسی خواهد که ظالمی را و دشمن
جانی را هلاک کند باید که این اسم اعظم را بر تخم شلغم
سه هزار و ده بار بخواند و در خانه ظالم و دشمن افشانند

برای
هلاک
دشمن

امید که آن ظالم هلاک شود و آن اسم اعظم اینست
يَا مَاسُوحُ يَا رَاسُوحُ يَا نَاسُوحُ يَا مَاسُوحُ

نوع دیگر اگر خواهی مابین دو کس مجرم مشغولند عداوت
افتد برابر چه بنویسد و در آتش اندازد و بگو که در فلان بنت
فلان یا فلان بنت فلان خواه بن گوید جدائی افتد اینست

ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع

نوع دیگر روز شنبه بنویسد و در موم کبیر و در چاه اندازد
بعد نظر کند انشاء الله تعالی جدائی افتد وَالْقَيْنَا بَيْنَهُمُ
الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ فِي الْحَيْرِ وَالْمَيْتَةِ

هلاک
دشمن

هلاک
دشمن

نوع دیگر بنویسد بر کاغذ و در قبرستان کهنه اندازد یا در
آب بسته اندازد فی الحال جدائی افتد بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَاقَّةُ مَا الْحَاقَّةُ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ الْقَارِعَةُ مَا الْقَارِعَةُ
وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا وَأَخْرَجَتِ
الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا عَدَاوَاتِ فِي الْفَلَاحِ
بن فلان علی بغض فلان بن فلان تم

هلاک دشمن

مفادیل و موثر است و هر ابواب منتهی در آن

ایضاً این شکل را سبع حکماً این اعداد را اعداد نجوم
کامل قرار دادند چنانچه هفت آسمان و هفت زمین و هفت
کوکب و هفت قرآن و هفت آیه سبع المثانی اگر این شکل را
در پوست خز بنویسید در ساعت زحل و مرغج نام طالب و
مطلوب در پشت نوید و در کور سیاه کهنه رفتن کند میان
ایشان تفرقه افتد و ذلیل گردد و اگر در شرف زحل یا مرغج
نوید که صورت مجید کرد جمع اعداد ما و مع طریح است
هفت هفت قسمت کردیم یک عدد بانی ماند و عدد آیه بودیم
معمول و اگر کسی یکی آید در خانه ۳۴ بلی زیاد کند و اگر کسی دو آید
در خانه ۳۶ یک زیاد دهد و اگر کسی سه آید در خانه ۳۹ یک
زیاده دهد و اگر کسی چهار آید در خانه ۴۰ یک زیاده دهد و اگر
کسی شش مانده در خانه ۴۱ یک زیاده دهد فقط معمول است

۷	۹	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱	✓
		۱۷	۲۰	۲۳	۲۴	۲۹	۱	۱	✓
۱۴	۲۶	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۱۱	✓
		۳۴	۴۲	۴۳	۲	۱۰	۱۱	۱۱	✓
۲۱	۳۶	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۳۰	✓
		۴۶	۳	۱۱	۱۹	۲۷	۳۰	۳۰	✓
۲۸	۴	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۴۰	✓
		۱۲	۲۰	۲۱	۲۹	۳۷	۴۰	۴۰	✓
۳۵	۲۱	۳۲	۳۲	۳۲	۳۱	۳۰	۲۹	۱۳	✓
		۴۲	۳۰	۳۸	۴۶	۵	۱۳	۱۳	✓
۴۲	۳۱	۴۱	۴۰	۳۹	۳۸	۳۷	۳۶	۲۵	✓
		۲۹	۳۷	۴	۱۴	۱۵	۲۵	۲۵	✓
۴۹	۳۸	۴۸	۴۴	۴۴	۴۳	۴۲	۴۱	۲۲	✓
		۷	۱۶	۲۴	۳۴	۳۴	۲۲	۲۲	✓

۲۴۰ در بیان هلاک دشمن

نوع دیگر جهت هلاک دشمن قدری آرد خیر کند و از آن هزار غلوه کند بر هر غلوه نویسد یا قوی و به نیت دشمن از ابر زمین پاک بگذرد تا مرغان بخورند آن دشمن

هلاک دشمن

هلاک دشمن
نوع دیگر جهت معزول شدن حاکم ظالم
وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَالْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَبَدًا ثُمَّ أَنَابَ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ تَعْبُدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ فَسَمَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ بِأَمْرِهِ رُفَاءً حَيْثُ أَصَابَ وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ وَأَخْرِينَ مَقْرِنِينَ فِي الْأَصْفَادِ هَذَا عَطَاءٌ نَّافَعٌ أَوْ أَمِيكَ بِعَرِيضَاتٍ إِنْ آيَاتٍ رَّاجِحَاتٍ

هلاک دشمن

حکام ظالم است قطعه سفاله گفته بگیرد و این آیات را بجهت نفسی کند بعد از آن بگوید کذالك ينجح فلان بن فلان عن حکم و بحق اسمائك هذا و این قطعه سفاله گفته را دفن کند در موضعی که بجهت حکمی بنشیند عزل شود انشاء الله ما

نوع دیگر دفع دشمن اگر سه شب متعاقب پیش از طلوع صبح این آیه را بخواند إنا كفيناك المستهزئين ما آخر سوره حجر تا وقت طلوع صبح دو هزار بار بخواند در دفع دشمن و بر انداختن خصم حالتی عجیب دارد نوع دیگر جهت اواره کردن از مقام اعداء سوره الم ترکیف ۶۹۶۶ عدد انگس نوشتن در آن مقام کور کند اواره شود والله العالم

هلاک دشمن

اواره دشمن